

آفتاب

ایران ۱۳۹۹

- مجموعه گزارش، مصاحبه و یادداشت‌هایی با موضوع:
- انقلاب قوانین بانکداری در سال ۱۳۹۹
 - عملیات بازار باز
 - اینفوگرافیک لایحه بودجه
 - چالش ذخیره ارزی بانک مرکزی
 - مجموعه نظرات موافق و مخالف افزایش قیمت بنزین



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



بهار

نوید زندگی و تجدید حیات طبیعت بر شما ایرانی پاک نهاد

نخستین بهار





ته سیگار خود را در طبیعت
رهانکنیم.

۵

سرمقاله

سایه سیاست بر اقتصاد

مطالب
این شماره

بانک

۶

جوانه‌های اقتصاد



۸

لباس نو
بر تن
نظام بانکداری

۱۴

معادله
چند مجهولی

۱۶

چالش ذخیره ارزی و
سیاست های بانک مرکزی



۱۸

کسب و کار

منشور هزار وجهی
کسب و کار

۲۰

امنیت اقتصادی

۲۲

۱۲ کشف مدیریتی گالوپ

۲۴

آمدنم بهر چه بود...؟

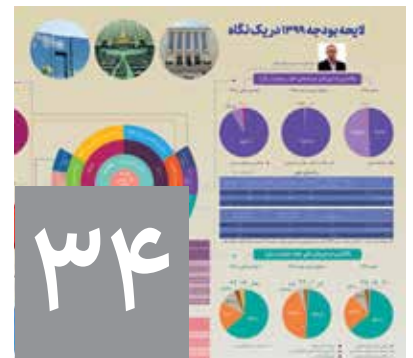
داستان مرد
نوستالژی ساز

۲۷

اینفوگرافیک

لایحه بودجه ۱۳۹۹
در یک نگاه

۳۴



اقتصاد نفتی

اقتصاد

۲۸



۳۰

زنجیره ارزش
پتروشیمی

۳۲

گرامت مضاعف

۳۶

توسعه اقتصادی
به سبک شرقی‌ها

بازار در
اندیشه
آمارتیا سن

۴۰

۳۸
اخبار

سردبیر: محسن کریمی

دبیر اجرایی: سینا زارعی

طراح ساختار بصری: حنا نیا زمند

گرافیکست و صفحه آرا: میترا دهقانی

- آفتاب خاورمیانه یک نشریه داخلی و مستقل است که تمامی حقوق آن به بانک خاورمیانه تعلق دارد.
- مسوولیت مطالب نشریه با پدیدآورندگان است و انتشار آنها لزوماً به معنی تایید تمام یا بخشی از مطالب نیست.
- نقل مطلب از نشریه با ذکر منبع مانعی ندارد.
- منابع در آرشیو نشریه موجودند.

■ بانک خاورمیانه به منظور عمل به بخشی از مسوولیت اجتماعی خود و جلوگیری از قطع درختان و مصرف بی‌رویه آب به جای کاغذ معمولی از «کاغذ سنگ»* برای چاپ نشریه آفتاب خاورمیانه استفاده می‌کند.

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲، ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه
کد پستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷
تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵

تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰
دورنگار: ۸۸۷۰ ۱۰۹۵
پیام کوتاه: ۳۰۰۴۲۱۷۸
مرکز ارتباط با مشتریان: ۸۸۷۲ ۶۶۹۰
امور سهامداران: ۴۲۱۷ ۸۰۲۰
تحریریه آفتاب خاورمیانه: ۴۲۱۷ ۸۵۵۶

برای دریافت فایل الکترونیکی نشریه لطفاً یک ایمیل با عنوان اشتراک آفتاب خاورمیانه به نشانی info@middleeastbank.ir ارسال فرمایید.

دیدگاه‌ها و مقالات خود را از طریق پست الکترونیک یا نشانی پستی برای ما ارسال نمایید و یا با ما تماس بگیرید.

* کاغذ سنگ محصولی شبیه کاغذ است که ماده اصلی تشکیل دهنده آن کربنات کلسیم است و تا کنون به عنوان یک محصول دوستدار طبیعت شناخته می‌شود. با استفاده از کاغذ سنگ به جای کاغذ معمولی در هر یک تن تولید کاغذ ۲۰ درخت و ۱۶۰۰ گالن آب صرفه‌جویی می‌شود.

همکاران این شماره به ترتیب حروف الفبا:



معصومه اکبری زاده



معصومه اسماعیلی



آرین آقابیگی



حسین سلطان آبادی



مسعود راد



مریم ذوالفقار



هادی فرامرزی



نادی صبوری



سید حمیدرضا سلیمی



محمد کوثری



برای دانلود نشریه
QR Code را اسکن کنید.

www.middleeastbank.ir

info@middleeastbank.ir

https://telegram.me/ME_Bank

<https://instagram.com/ME.Bank>

<https://www.linkedin.com/company/middleeastbank>

سایه سیاست بر اقتصاد



محسن کریمی

مدیر ارتباطات • بانک خاورمیانه

فعالان اقتصادی معتقدند که در شرایط تحریم دولت باید به جای تشدید فشار بر بنگاه‌ها و ایجاد جو نا اطمینانی در بازار، نسبت به کاهش فشار و ساده‌سازی مقررات اقدام کند. تجربه دو سال اخیر نشان داده است که اقدام‌ها و سیاست‌های دولت به افزایش قیمت‌ها و رشد نرخ تورم منجر شده است.

نگاهی به آمارها و مقایسه موقعیت اقتصاد کشور در سطح جهان به نگرانی‌ها و افسوس‌های فعالان بازار تولید و سرمایه‌گذاران دامن می‌زند. در واقع از بین رفتن فضای رقابتی و کاسته شدن امکان تبادل و ارتباط بین‌المللی مشکلات اقتصادی را افزایش داده و چشم‌انداز روشنی پیش روی بازار قرار نمی‌دهد.

میلتون فریدمن معتقد است وقتی دولت در اصلاح اقتصاد، اصول اخلاق یا کمک به منافع ویژه اقدام می‌کند، هزینه ناکارآمدی آن، بی‌انگیزگی و از بین رفتن آزادی است. دولت باید داور باشد نه فعال بازار.

در ایران شاهد هستیم که نهادهای حکومتی نه تنها در سیاستگذاری اقتصادی حضور فعال دارند بلکه خود بازیگر و بازی‌گردان حوزه اقتصاد هستند و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی به جای این که توسط اقتصاددانان طرح‌ریزی شود از زبان مردان سیاست شنیده می‌شود. در نتیجه این تصمیم‌های غیرکارشناسی، اقتصاد رنجور کشور نمی‌تواند در مقابل مشکلات داخلی و خارجی تاب بیاورد و پس از آسیب به معیشت مردم آنچه تضعیف می‌شود قدرت سیاست و دیپلماسی کشور است.

طبق برآورد سازمان ملل متحد، تورم سالانه در ایران که با محدودیت عرضه و عدم توازن شدید اقتصاد کلان مواجه است، در دو سال آتی روند کاهشی خواهد داشت ولی همچنان نرخ تورم بالا خواهد بود. مرکز آمار نرخ تورم خانوار را برای دی‌ماه ۳۸٫۶ درصد اعلام کرد. گزارش سازمان ملل نرخ بیکاری ۱۲/۸ درصد محاسبه کرده که این نرخ برای مردان حدود ۱۰ درصد و برای زنان حدود ۶ درصد است. در رده‌بندی شاخص آزادی اقتصادی ایران در بین کشورهای دارای نظام اقتصادی تقریباً بسته، بالاتر از آنگولا، توگو و چاد و پایین‌تر از لبنان، مالاوی و افغانستان در رده ۱۵۵ جهان قرار گرفته است. در شاخص شکنندگی اقتصاد ایران در رده ۵۲ قرار دارد پایین‌تر از کشورهای چون کامبوج و گواتمالا است. ایران در بین کشورهای در وضعیت هشدار بالا قرار گرفته است که در این رده، نام کشورهای دیگری چون ترکیه و بنگلادش نیز دیده می‌شود.

پیش‌بینی اقتصاددانان در مورد دشواری سال ۱۳۹۸ با شوک‌های اقتصادی و اجتماعی سنگینی همراه شد. افزایش نرخ بنزین و تشدید سهمیه‌بندی آن نه تنها تاثیر اقتصادی زیادی داشت بلکه اعتراض‌های ناشی از این شوک و برخوردهای خیابانی و تلفات این تحرکات در شهرهای مختلف موجب قطع شبکه جهانی اینترنت و لطمه خوردن به انبوهی از کسب‌وکارهای آنلاین شد. با سرنگونی هواپیمای اکرایی و جان باختن مسافران آن، علاوه بر اندوه بزرگ اجتماعی، برخی کشورها آسمان ایران را ناامن اعلام کردند و نه تنها پروازهای تعدادی از خطوط هواپیمایی خارجی به ایران قطع شد بلکه بسیاری از خطوط هوایی خارجی مسیر پرواز خود را از ایران ممنوع کردند. این موج به لغو سفرهای گردشگری ورودی و کساد شدن کسب‌وکار هتل‌ها و دفاتر خدمات مسافرتی نیز منجر شد.

تعیین تکلیف تایید لوائح مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم و پیوستن ایران به گروه اقدام مالی و پیمان پالرمو پس از چند بار رفت و برگشت بین شورای نگهبان و مجلس و سپس مجمع تشخیص مصلحت نظام هنوز در ابهام است و نهادهای اقتصادی نسبت به بازگشت ایران به فهرست سیاه FATF ابراز نگرانی می‌کنند.

یکی از اقدام‌های بانک مرکزی برای کنترل تورم و ثبات رشد اقتصادی راه‌اندازی عملیات بازار باز بود. بانک مرکزی هدف از این بازار را خرید و فروش اوراق بدهی دولت به‌ویژه اوراق بدهی کوتاه‌مدت از قبیل اسناد خزانه با بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری اعلام کرد. سنجش تاثیرگذاری این بازار روی نرخ تورم نیاز به گذشت زمان دارد.

در ادامه اقدام‌های مدیریت بازار توسط بانک مرکزی طرح گواهی اعتبار مولد "گام" نیز به منظور حمایت از بخش تامین مالی بخش تولید آغاز شد. در این طرح قرار است بانک‌های عامل مشکل کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی و صنعتی را مرتفع کنند. در واقع گام برای رفع مشکل تامین سرمایه در گردش تولیدکنندگان طراحی شده است.

بانک مرکزی به منظور محدود کردن سفته‌بازی و معاملات غیررسمی ارز نخست سیاست جلوگیری از انتقال آتی بین‌بانکی را پیش گرفت و در ادامه محدود سازی سقف انتقال الکترونیکی و محدودیت سقف تراکنش روزانه را به بانک‌ها ابلاغ کرد. در قدم بعدی برای انتقال‌های بیش از ده میلیارد ریال در روز شرط ارائه مستند موجه را نیز قرار داد. در حوزه بانکداری الکترونیک برای تراکنش‌های خرد و خریدهای آنلاین موضوع رمز پویا پروژه‌ای بود که حدود ۳ ماه تمام بانک‌ها و بیشتر دارندگان کارت‌های بانکی را درگیر کرد تا سازوکار مناسبی برای جلوگیری از فیشینگ اطلاعات کارت‌های بانکی اجرایی شود. در نیمه دوم سال مرکز پژوهش‌های مجلس طرحی اصلاح نظام بانکداری را به مجلس تقدیم کرد که به رغم مخالفت بانک مرکزی، نمایندگان کلیات آن را تصویب کردند. بانک مرکزی با این توضیح که با توجه به فشارهای عدیده و محدودیت‌های نظام بانکی در انجام عملیات بانکداری، سیستم بانکی ایران آمادگی لازم را برای اجرای تغییرات و اصلاحات ندارد، با این طرح مخالف است. از سوی دیگر برخی اقتصاددانان نیز معتقدند که اصلاح ساختار اقتصادی کشور به اصلاح نظام بانکی تقدم دارد و چه بسا پیش‌نیاز آن است.

جوانه‌های اقتصاد

سال ۹۸ با تمام فراز و فرودهایش گذشت. وضعیت شکننده اقتصاد کلان باعث شد نقش بانک مرکزی در کنترل وضع موجود در اذهان عمومی پررنگ‌تر شود. افکار عمومی انتظاراتشان از وزارت اقتصاد، صنعت، نفت و... را به بانک مرکزی حواله داد و بانک مرکزی را در قامت منجی دید که باید تورم، بیکاری، ارزش ریال، رونق کسب‌وکار و... را به سرمنزل مقصود هدایت کند. انتظاری که نه موجه است، نه عملی و نه عملاً در توان بانک مرکزی.

اما در همین سال با مدیریت رئیس‌کل بانک مرکزی چندین پروژه اساسی از بایگانی بانک مرکزی خارج شد. طرح‌هایی مانند عملیات بازار باز، وضع محدودیت در تراکنش‌ها، لایحه حذف صفر از ریال، دستورالعمل اجرایی نحوه امهال مطالبات موسسات اعتباری و... هر چند حذف صفر از ریال بیشتر شبیه بازی با اعداد است تا تغییر اساسی در اقتصاد کلان ولی طرح جامع بانکداری در صورت تصویب و تبدیل شدنش به قانون، شاید مهم‌ترین اتفاق برای سال آینده باشد. طرحی که شاید لباس کهنه نظام بانکداری را کمی تازه کند و باعث شکل‌گیری جوانه‌هایی در اقتصاد شود.

در این پرونده بانکی تلاش کرده‌ایم جنبه‌هایی از عملکرد بانک مرکزی در سال گذشته و طرح‌هایی که قرار است چهره نظام بانکی را تغییر دهند، بررسی کنیم.



چالش ذخیره ارزی
و سیاست های
بانک مرکزی

۱۶

معادله
چند مجهولی

۱۴

لباس نو برتن
نظام بانکداری

۸

امیرحسین امین آزاد در مصاحبه با آفتاب خاورمیانه درباره طرح جامع بانکداری می‌گوید؛

لباس نو برتن نظام بانکداری



به نظر شما ایرادات اساسی قوانین جاری در زمینه بانک مرکزی و مدیریت بانکی چیست و طرح بانکداری چقدر می‌تواند مشکلات موجود را بر طرف کند؟

من فکر می‌کنم بهتر است کمی به عقب‌تر برگردیم و نگاهی به کرونولوژی^۱ این قوانین داشته باشیم و بدانیم این قوانین چه سیر تحول و تطوری را طی کرده‌اند؛ ما امروز چه قوانینی داریم و این قانون جدید می‌خواهد چه چیزی را متحول کند. ابتدای بانکداری مرکزی را می‌توانیم، تاسیس بانک ملی ایران و اساسنامه تاسیس آن بدانیم که این بانک عملاً هم فعالیت‌های تجاری انجام می‌داد و ضمن آن به عنوان بانک مرکزی هم فعالیت می‌کرد. این ایده‌ای بود که مربوط به حدود ۸۰ سال پیش و ابتدای فعالیت بانک ملی محسوب می‌شود. بعدها این ایده همانند ایده بانکداری مرکزی در دنیا دچار دگرگونی شد. در سال ۱۳۳۲ لایحه قانونی بانکداری مطرح شد و مباحثی را مطرح کرد که با اساسنامه بانک ملی تفاوت داشت و موضوع بانکداری و نظارت بانکی از مبحث بانک مرکزی جدا شد. بعدتر قانون بانکی و پولی کشور در سال ۱۳۳۹ تصویب شد که در واقع این قانون شاکله تاسیس بانک مرکزی ایران است. این قانون ساختار، ارکان، وظایف، مسوولیت‌ها و اختیارات بانک مرکزی را مطرح می‌کند و ارتباطش با بحث نظام بانکداری از حیث سیاست‌گذاری پولی و نظارت بر بانک‌ها را شکل می‌دهد. سال ۱۳۵۱ این قانون تغییر کرد و تبدیل

پس از کش و قوس‌های فراوان «طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران» در حال بررسی در مجلس است. به نظر می‌رسد در صورت تصویب این طرح و تبدیل آن به قانون، ساختار کلان نظام بانکی کاملاً پوست‌اندازی خواهد کرد و قانون بانکداری ایران در عین بومی‌سازی، شباهت بیشتری با عرف بانکداری جهانی خواهد داشت. با توجه به پیچیدگی، تفصیل و وجود برخی نواقص در این طرح، بسیاری از دولتی‌ها، سیاسیون و مقامات بانک مرکزی معتقدند برای تصویب و تبدیل آن به قانون نباید عجله کرد و علاقه‌مند به تعویق این طرح تا مجلس بعدی هستند. از طرف دیگر برخی از کارشناسان بانکی معتقدند نواقص طرح موجود در همین مجلس قابل اصلاح است؛ حواله بررسی این طرح از این مجلس به مجلس بعد صرفاً برای خرید زمان است و نمی‌توان از دولت انتظار اصلاح اساسی نظام بانکداری را داشت چرا که اساساً عدم استقلال بانک مرکزی به نفع وضع موجود است؛ قانون آرمانی در دنیای واقعی وجود ندارد و نقاط مثبت طرح بانکداری بیشتر از نقاط ضعف آن است.

به دلیل اهمیت ویژه این موضوع و تاثیرات آن بر اقتصاد کلان به سراغ امیر حسین امین آزاد رفتیم که در بانک مرکزی سابقه چندین مدیر کلی را دارد و در پژوهشکده پولی و بانکی نیز مشاور بوده است. امین آزاد اخیراً عضو هیات مدیره بانک خاورمیانه شده و یکی از حوزه‌های تخصصی‌اش بررسی قوانین بانک‌های مرکزی و بانکداری سایر کشورها بوده است. در این مصاحبه که شاید تنها مصاحبه تفصیلی موجود درباره طرح بانکداری با یک مدیر ارشد بانکی باشد، امین آزاد باور دارد فصل دوازدهم این طرح (تاسیس بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران) بزرگ‌ترین ایراد آن است چون بانک توسعه با تامین اعتبار از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی، مهم‌ترین هدف بانک مرکزی یعنی ثبات قیمت‌ها را از بین می‌برد.

وی علیرغم وارد کردن انتقادات فراوان در خصوص طرح بانکداری، معتقد است طرح موجود به مراتب بهتر از قانون حال حاضر است و امیدوار است طرح بانکداری با رفع ایرادات در همین مجلس تصویب شود.

در ادامه مصاحبه من با امیر حسین امین آزاد را به تفصیل خواهید خواند. همانطور که مستحضرید طرح «قانون بانکداری جمهوری اسلامی ایران» در حال بررسی در مجلس است. از قرار معلوم این طرح، از تلفیق و تجمیع سه طرح «طرح جامع بانکداری جمهوری اسلامی ایران»، «طرح بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، «طرح تاسیس بانک توسعه جمهوری اسلامی ایران» و یک لایحه «لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور» تهیه شده است. وجود این تعداد طرح و لایحه علی‌القاعده به معنای دغدغه مفرط سیاست‌گذار به اصلاح قوانین کلی بانکداری است.



به قانون پولی و بانکی کشور شد که شکل خلاصه‌تر شده‌ای از قانون بانکی و پولی کشور بود.

در وضعیت کنونی و در زمینه بانکداری و بانکداری مرکزی، قانون مادر ما همانا قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱، یعنی حدود نیم‌قرن پیش است. هرچند بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، قوانین دیگری مانند؛ ملی شدن بانکها، نحوه اداره امور بانکها، قانون عملیات بانکداری بدون ربا، قانون چگونگی تاسیس بانکهای غیردولتی و... تصویب شد لیکن این قوانین کماکان مینا را تغییر ندادند و قانون پولی و بانکی کشور همچنان به عنوان قانون مادر بانک مرکزی و قانون نظارتی برای بانکها مطرح است. از طرف دیگر قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز بر روی عملیات بانکها تمرکز دارد و درباره تاسیس و نظارت بر بانکها، احکام چندانی ندارد. قانون اداره امور بانکها هم که چگونگی اداره بانکهای دولتی را تبیین می‌کند. وجود این قوانین متعدد، نشانگر یک اغتشاش در قانون‌گذاری است. ما قوانین متعدد با پارادایم‌های فکری متفاوت وضع کرده‌ایم. قانونی که ۵۰ سال پیش نوشته شده است بر اساس یک فضای فکری متفاوت بوده و قانونی که در دهه ۶۰ تدوین کرده‌ایم یک رویکرد دیگر داشته و از همه جالب تر اینکه، اصولا نحوه اداره بانکهای مرکزی در این دو دهه هم کاملا متفاوت شده و شکل نظارت و فعالیت بانکها نیز بکلی تغییر کرده است. بنابراین دنیا و محیط بیرونی کاملا تغییر کرده و نحوه فعالیت بانکها کاملا عوض شده است ولی قوانین اصلی و مادر در حوزه پولی و بانکی کماکان در فضای فکری ۴۰ یا ۵۰ سال پیش مانده‌اند.

البته بانک مرکزی از دهه ۷۰ و عمدتا ۸۰ شمسی به این یقین رسید که این قوانین نیاز به اصلاح دارند و با ارسال لوایحی موسوم به لوایح دوقلو (لایحه بانک مرکزی و لایحه بانکداری) در نظر داشت این شرایط را اصلاح کند ولی این اقدامات هم فرجامی پیدا نکردند.

در کل، قوانین فعلی در حوزه پولی و بانکی بسیار قدیمی هستند و بسیاری از مفاهیم آن را در قوانین کشورهای دیگر نمی‌توان یافت و صد البته در مقام عمل و اجرا نیز منتج به اثربخشی کافی نشده‌اند. اگر ما دو شاخص اساسی ثبات قیمت‌ها^۲ و ثبات مالی^۳ را به عنوان مهم‌ترین شاخصهای اثربخشی بانک مرکزی در نظر بگیریم؛ بانک مرکزی در چند دهه اخیر نه توانسته است ثبات قیمت‌ها را برقرار کند و ما کماکان از تورم دو رقمی رنج می‌بریم. این در حالی است که در کشورهای همسایه ما، مثل عراق و افغانستان چنین مشکلی وجود ندارد. در زمینه ثبات نظام بانکی نیز بانک مرکزی دستاورد خوبی نداشته و شرایط بحرانی شبکه بانکی کشور بخوبی نمایانگر این عدم توفیق است.

در کل، قوانین فعلی در حوزه پولی و بانکی بسیار قدیمی هستند و بسیاری از مفاهیم آن را در قوانین کشورهای دیگر نمی‌توان یافت و صد البته در مقام عمل و اجرا نیز منتج به اثربخشی کافی نشده‌اند. اگر ما دو شاخص اساسی ثبات قیمت‌ها و ثبات مالی را به عنوان مهم‌ترین شاخصهای اثربخشی بانک مرکزی در نظر بگیریم؛ بانک مرکزی در چند دهه اخیر نه توانسته است ثبات قیمت‌ها را برقرار کند و ما کماکان از تورم دو رقمی رنج می‌بریم.

به سیر تطور قوانین بانکداری و بانک مرکزی اشاره کردید. به نظر شما طرح بانکداری در صورت تصویب مجلس، چقدر می‌تواند مشکلات مربوط به اقتصاد کلان مانند خلق پول و تورم، همچنین مشکل استقلال بانک مرکزی را مرتفع کند؟

انجام هر اصلاحی در حوزه بانکداری و بانکداری مرکزی نیازمند اصلاح قوانین مادر است منتها این شرط، شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست. ما حتما باید یک قانون خوب داشته باشیم و حتما باید در یک بستر قانونی قوی، اقدامات اصلاحی را انجام دهیم، ولی با این تصور که با اصلاح یک قانون می‌توانیم همه چیز را درست کنیم، ممکن است در چارچوب اقتصاد سیاسی کشور این امر محقق نشود.

طرح بانکداری نسبت به قوانین فعلی تغییرات اساسی کرده است. من سعی می‌کنم با توجه به وضعیت فعلی، برخی از این تغییرات را ذکر کنم. قانون پولی و بانکی کشور برای بانک مرکزی ارکانی طراحی کرده است. مجمع عمومی بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار، هیئت عامل بانک مرکزی، هیئت نظارت اندوخته اسکناس و هیئت نظار، ارکان بانک مرکزی محسوب می‌شوند.

مجمع عمومی بانک مرکزی با این دید تجلی پیدا کرده که بانک مرکزی یک شرکت دولتی است. بنابراین در مجمع عمومی بانک مرکزی، سهامدار اصلی دولت است و تصمیمات شرکتی مجموعه را مانند هر شرکت دیگر اتخاذ می‌کند.

شورای پول و اعتبار، اصلی‌ترین رکن بانک مرکزی است و وظیفه سیاست‌گذار پولی و نظارتی بانک مرکزی را برعهده دارد.

هیئت عامل بانک مرکزی نیز رکنی است که قرار است وظیفه انجام عملیات روزانه بانک مرکزی را برعهده داشته باشند و هیئت نظارت بر اندوخته اسکناس نیز وظایفی در ارتباط با انتشار اسکناس، محدودیت‌های آن و امحای اسکناس دارد. نهایتا هیئت نظار نیز حسابرس قانونی بانک مرکزی محسوب می‌شود.

این وضعیت فعلی بانک مرکزی است ولی این الگوی اداره بانک مرکزی، امروزه در دنیا کاملا منسوخ شده است. یعنی بهترین قوانین و عملکردها^۴ را هم که رها کنید و به کشورهای دور و بر خودمان نگاه کنید می‌بینید که هیچ بانک مرکزی از این الگو بهره نمی‌گیرد.

به طور کلی، بانکهای مرکزی در دنیا شرکت دولتی محسوب نمی‌شوند که



بنابراین، این رکن عملاً وظایف مجمع عمومی، شورای پول و اعتبار و هیات نظارت اندوخته اسکناس را برعهده دارد. به نظر من این تغییر جدای از اینکه اعضای هیات عالی چگونه انتخاب می‌شوند، یک تغییر بسیار آوانگارد و پیشرو در طراحی ساختار بانک مرکزی است.

همان طور که اشاره کردید هیئت عالی بانک مرکزی به دو بخش اجرایی و غیر اجرایی تقسیم می‌شود ولی نحوه انتصاب اعضای آن به طور مستقیم و غیر مستقیم توسط دولت است. آیا این امر به استقلال بانک مرکزی لطمه‌ای وارد نمی‌کند؟

بالاخره کاندیدهای تصدی عضویت هیئت عالی را باید یک فرد یا نهاد معرفی کند. کشورهای مختلف رویکردهای مختلف دارند. قانون بانک مرکزی انگلستان می‌گوید دولت این کار را انجام می‌دهد. در یک کشور، وظیفه انتصاب اعضای هیئت عالی بر عهده وزیر اقتصاد است و در کشوری دیگر، دولت اعضا را تعیین و مجلس باید آن‌ها را تصویب کند. در دنیا الگوی واحدی برای کاندیداها و انتخاب کردن متصدیان عضویت در بالاترین رکن بانک مرکزی وجود ندارد و هیچ جایگزین کاملی برای این امر تاکنون پیدا نشده است. البته این امر گریزناپذیر است که نمی‌توان انتصاب اعضای هیات عالی را به نهادهای غیرانتفاعی و علمی واگذار کرد. ناگفته نماند که مهم‌تر از نحوه انتخاب اعضای هیات عالی، نحوه عزل این افراد است که به نحوی پیش‌بینی شده است که استقلال رای برای آنها فراهم شود و تصور نکنند که اگر نظری خلاف منویات دولت بدهند به راحتی توسط دولت برکنار می‌شوند.

در این طرح عزل اعضای غیر اجرایی به طور مستقیم توسط دولت امکان‌پذیر نیست که نکته بسیار مهمی است. عزل اعضای اجرایی به ویژه رئیس کل بانک مرکزی نیز منوط به شرط و شروط فراوانی شده که می‌تواند تاثیر بسزایی در استقلال در رای و نظر و اقدامات هیات عالی بگذارد. البته اگر دولت در عزل رئیس کل مصمم باشد باید هزینه بالایی بپردازد و در ماده مربوطه آن آمده است که: «رئیس‌جمهور می‌تواند پس از مشورت با اعضای غیر اجرایی هیات عالی، رئیس‌کل را عزل کند. عزل رئیس‌کل باید مستند به قصور یا تقصیر رئیس‌کل در تحقق اهداف بانک مرکزی، یا عدم اجرای مصوبات

دولت سهامدار آنها باشد. در قوانین بانک مرکزی ذکر می‌شود که سرمایه بانک مرکزی متعلق به کشور است و نه به دولت. یعنی اگر از واژه ای استفاده می‌کنند؛ واژه state است و نه government. به همین علت در ساختارشان رکنی به نام مجمع عمومی وجود ندارد. نکته بسیار مهم در خصوص مهم ترین رکن بانک مرکزی یعنی شورای پول و اعتبار این است که در قانون فعلی، اعضای شورای پول و اعتبار منسوب به دولت، وزرا و نمایندگان نهادهایی هستند که این اشخاص و دستگاه‌ها اصولاً مسوولیتی در خصوص ثبات قیمت‌ها و سیاست‌گذاری‌های پولی ندارند ولی در شورای پول و اعتبار، اصلی‌ترین تصمیمات برای اداره بانک مرکزی و اقتصاد کشور را می‌گیرند. یعنی اتاق بازرگانی، اتاق تعاون و ... هیچ مسوولیت قانونی در رابطه با ثبات قیمت‌ها ندارند ولی جایی نشسته‌اند که عملاً باید سیاست‌گذاری اصلی را انجام دهند. وزیر نفت، وزیر جهاد کشاورزی و ... هیچ مسوولیتی در خصوص ثبات قیمت‌ها ندارند و پاسخگو هم نیستند ولی عملاً در اصلی‌ترین رکن بانک مرکزی نشسته‌اند و تصمیمات کلیدی را می‌گیرند.

هیات نظارت اندوخته اسکناس هم رکنی است که فلسفه وجودی آن عمدتاً به پشتوانه طلا بودن، اسکناس و مسکوکات منتشره بر می‌گردد. در حالیکه بحث پایه طلا که در قانون پولی و بانکی کشور سال ۵۱ مطرح شده، از سال ۱۹۷۳ به بعد یعنی دو سال بعد از تصویب قانون ما رخت از قوانین بانکداری مرکزی سایر کشورهای دنیا برپسته است! یعنی حداقل ۴۵ سال است که چنین مفهومی در قوانین بانک‌های مرکزی وجود ندارد ولی قانون ما کماکان اصلاح نشده است.

آیا طرح بانکداری توانسته این ایرادات ساختاری بانک مرکزی برطرف کند؟

پاسخ من این است که بله توانسته است. یعنی مشابه تمامی بانک‌های مرکزی مدرن امروزی، این قانون و این طرح آمده است به جای سه رکن فعلی (مجمع عمومی، شورای پول و اعتبار و هیات نظارت اندوخته اسکناس)، یک رکن «هیئت عالی» طراحی کرده است. این رکن مانند الگوهای مشابه در بانک‌های مرکزی دنیا مرکب از دو بخش اجرایی^۵ و غیر اجرایی^۶ است. در بانک‌های مرکزی مدرن، تعداد اعضای غیر اجرایی از اجرایی بیشتر است و هیات عالی وظیفه نظارت و سیاست‌گذاری بانک مرکزی را برعهده دارد.

5.Executive

6.NonExecutive

هیات عالی باشد. اعضای غیر اجرایی هیات عالی موظفاند نظر مشورتی خود را به همراه ادله و مستندات مربوط، کتبا به رئیس‌جمهور تقدیم نموده و برای اطلاع عموم منتشر کنند». در واقع شفافیت و انتشار مستندات، هزینه‌ای سنگین روی دوش دولت می‌گذارد و با انتشار مستندات، افکار عمومی می‌تواند قضاوت کند که واقعا قصور و تقصیری وجود داشته است یا خیر. این سازوکار، استقلال بانک مرکزی را ضمانت می‌کند و با همین رویکرد بانک‌های مرکزی دنیا، استقلال را برای رای و نظر اعضای هیئت عالی فراهم می‌نمایند. همچنین در این مدل اعضای هیئت عالی کارمند تمام‌وقت بانک مرکزی هستند لذا هیچ مشغله دیگری به جز اداره امور بانک مرکزی ندارند. **با توجه به سمت شما در بانک مرکزی به عنوان «مدیرکل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری»، سازمان نظارت بر موسسات اعتباری که در این طرح پیش‌بینی شده است؛ چه تفاوت ساختاری و کارکردی با قانون حال حاضر خواهد داشت؟**

در شرایط موجود ما یک هیئت عامل در بانک مرکزی داریم که این هیئت به لحاظ اختیارات قانونی، جایگاه بالایی ندارد. ارکان اصلی در بانک مرکزی؛ شورای پول و اعتبار و رئیس‌کل بانک مرکزی هستند. بنابراین اساسا هیئت عامل نقش پر قدرتی در اداره بانک مرکزی ندارد. معاون نظارتی بانک مرکزی حتی عضو همین هیئت عامل هم نیست. یعنی معاون نظارتی صرفا یکی از معاونین رئیس‌کل است ولی عضو همین هیئت عامل هم نیست. بنابراین دامنه اختیارات قانونی معاون نظارتی در حال حاضر چیزی است که رئیس‌کل به وی تفویض نماید. اما در این طرح، معاون نظارتی یکی از اعضای اصلی هیئت عالی است بنابراین جایگاه معاون نظارتی به بالاترین عضو رکن بانک مرکزی ارتقاء پیدا کرده است.

تا کنون بیشتر به نکات مثبت این طرح اشاره کردید. از دید شما به این طرح چه انتقاداتی وارد است؟

یک بخش‌هایی از این قانون محل نقد و ایراد است. برای مثال امروزه بیشتر بانک‌های مرکزی هدف اصلی خود را ثبات قیمت‌ها می‌گذارند و فقط به دنبال کنترل تورم هستند. اصولا مبنای استقلال بانک مرکزی نیز همین هدف است. این هدف در تعارض با هدف دولت‌ها یعنی رشد اقتصادی و سیاست‌های انبساط پولی مترتب بر آن است. این تعارض در اهداف را ما در دو دهه اخیر کاملا تجربه کرده‌ایم و معمولا بانک مرکزی چون استقلالی ندارد مجبور است که نظر و دستورات دولت را بپذیرد و در جهت هدف دولت یعنی رشد اقتصادی عمل کند. البته این سیاست انبساط پولی معمولا به رشد اقتصادی هم منتهی نمی‌شود چون تجربه دنیا نشان داده است که با سیاست پولی انبساطی نمی‌توان به رشد اقتصادی پایدار رسید.

در این طرح بدون هیچ‌گونه اولویت‌گذاری، هدف هم ثبات قیمت‌ها ذکر شده و هم حمایت از رشد و توسعه اقتصادی. در بسیاری از قوانین بانک‌های مرکزی کشورهای اروپایی حمایت از رشد اقتصادی به عنوان هدف بانک مرکزی ذکر می‌شود منتها صراحتا بیان می‌شود به شرطی که به هدف اصلی بانک مرکزی خدشه‌ای وارد نکنند. یعنی هدف اصلی بانک مرکزی ثبات قیمت‌ها است و اگر بانک مرکزی احساس کرد می‌تواند در کنار ثبات قیمت‌ها، به رشد اقتصادی هم کمک کند، این کار را انجام می‌دهد ولی تنها چیزی که بانک مرکزی باید در قبال آن پاسخگو باشد بحث ثبات قیمت‌ها است.

موضوع دیگر مبحث نظارت یکپارچه است. در بخشی از اصول ۲۹ گانه کمیته بازل برای نظارت اثربخش به موضوع نظارت یکپارچه پرداخته شده بدین ترتیب که باید به مقام نظارتی اختیار کامل نظارت یکپارچه داده شود. نظارت یکپارچه می‌گوید ناظر می‌تواند به مجموعه شرکت‌های بالاسری و پایین سری بانک هم نظارت کند. در واقع بانک اگر جزء یک هلدینگ بزرگ‌تر است یا یک شرکت زیرمجموعه مانند بیمه دارد، ناظر بایستی به آنها هم نظارت کند. قوانین سایر کشورها در این حوزه احکام متعددی دارند چون عملا مقام نظارتی صرفا با بانک طرف نیست ولی مقام نظارتی و ناظر چنان قدرت بالایی بر اساس قانون می‌گیرند که نسبت کفایت سرمایه در کل هولدینگ بانکی را تعیین می‌کند و می‌توانند حتی مدیر شرکت بیمه را هم عوض کنند.

این‌ها بحث‌های جدیدی ایجاد می‌کند که آیا ناظر بانکی می‌تواند به حوزه بازار سرمایه، بازار بیمه و صندوق‌های بازنشستگی ورود پیدا کند؟ در این قانون در حد یک ماده به این موضوع اشاره شده که مقام ناظر بانکی چنین

اختیاراتی دارد ولی این ماده کافی نیست و باید احکام مفصل آن ذکر شود زیرا که از این بابت کاستی‌هایی وجود دارد. اگر احکام این بخش به‌طور مبسوط، تصریح و شفاف‌سازی نشود بعدها معضل تعارض قوانین ایجاد خواهد شد. **نظراتان درباره بانک توسعه‌ای که در این طرح پیش‌بینی شده است؛ چیست؟** نکته اساسی که من می‌توانم به عنوان کاستی جدی این طرح یاد کنم بحث بانک توسعه است. بانک توسعه به عنوان یک بخش در این طرح ذکر و به نظر من عملا تبدیل به پاشنه آشیل کل این طرح شده است. هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که بانک توسعه در کنار دو قانون مادر یعنی قانون بانک مرکزی و قانون بانکداری که فوق‌العاده مهم و اساسی و حیاتی هستند، بیاید. این‌ها قوانینی هستند که احکامشان باید مدت‌ها پابرجا و اثربخش بماند ولی بانک توسعه تنها می‌خواهد یک فعالیت توسعه‌ای انجام بدهد. آیا این امر نیاز به یک قانون و آن‌هم قانون هم‌تراز با قانون بانک مرکزی و بانکداری دارد؟ نظر من این است که بانک توسعه می‌توانست کاملا جدا دیده شود. تلقی بسیاری از صاحب‌نظران این است که بانک توسعه برای تأمین وجه از طریق اتصال منابع آن به منابع بانک مرکزی ایجاد شده است. نکته مهم این است که کلیت طرح بانکداری آمده است به بانک مرکزی استقلال بدهد تا دولت و سایر نهادها نتوانند از منابع بانک مرکزی برای پوشش کسری‌هایش استفاده کنند اما این بخش از طرح یعنی بانک توسعه با یک ظرایف و مکانیزمی می‌تواند عملا همان کار قبل را بکند. این عملا نقض غرض است و با مفهوم استقلال بانک مرکزی مغایرت دارد. از طرف دیگر بانک توسعه‌ای باید در زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری کند که بخش خصوصی حاضر به فعالیت در آن حوزه نیست. به زبان صریح‌تر در زمینه‌ای فعالیت کند که توجیه اقتصادی ندارد. بنابراین باید منابع ارزان قیمت در اختیار آنها قرار دهد. دولت که بوده ندارد، هیچ بانک تجاری نیز حاضر به اعطای تسهیلات با نرخ‌های سود پایین نیست. صندوق توسعه ملی هم که احکام خاص خودش را دارد، سپرده‌گیری هم که برای این بانک ممنوع است؛ بنابراین تنها گزینه‌ای که باقی می‌ماند استفاده از منابع بانک مرکزی و تکرار داستان ۴۰ ساله اخیر است! این‌ها مطالبی است که به آن عنایت نشده است. ما یک سابقه بانکداری توسعه‌ای ۶۰ ساله در کشور داریم که نشان می‌دهد بانک‌های توسعه در چه مسیری رفته‌اند. همه ما می‌دانیم بانک‌های توسعه‌ای فعلی با چه مشکلاتی مواجه‌اند. اینکه دوباره این مسیر را تکرار کنیم یک اشتباه بزرگ است.

ضعف دیگر این طرح این است که ما از سال ۵۱ تا کنون یک مجموعه‌ای وسیع و متفرقی از قوانین داریم که من برخی از آنها را نام بردم. قانون منطقی کردن نرخ سود، عدم الزام وثیقه‌گیری، تسهیل اعطای تسهیلات، مجموعه آیین‌نامه‌های حوزه بانکداری که توسط دولت ابلاغ شده است و این مجموعه قوانین و آیین‌نامه با یکدیگر همخوانی ندارند. این قوانین و تصویب‌نامه‌ها عملا تبدیل به یک معضل واقعی برای بانک‌ها شده‌اند. سیستم بانکی و بانک مرکزی و مقام نظارتی با حجم زیادی از مقررات مواجه است که این مقررات هدف واحدی ندارند و در عین حال با یکدیگر تعارض دارند. بانک‌ها نمی‌دانند کدام یک را اجرا کنند، کدامشان ناسخ و منسوخ است، کدامشان تقدم و تاخر دارند و کدامشان عام و خاص است؟ این احکام و مفاهیم به لحاظ حقوقی و قانونی برای بانک‌ها مشکل ایجاد کرده است. در این طرح باید سعی می‌شد احکام همین طرح را حاکم کند و هر چیزی

“هدف اصلی بانک مرکزی ثبات قیمت‌ها است و اگر بانک مرکزی احساس کرد می‌تواند در کنار ثبات قیمت‌ها، به رشد هم کمک کند، این کار را انجام می‌دهد ولی تنها چیزی که بانک مرکزی باید در قبال آن پاسخگو باشد بحث ثبات قیمت‌ها است.”

اگر بانک مرکزی بگوید هیچ کس ورشکسته نمی‌شود قاعده رقابت به هم می‌خورد و بازار آزاد را به هم می‌زند. مشتری هم باید بداند وقتی بانکی به سپرده‌ها ۲۳ درصد سود می‌دهد احتمال اینکه این بانک ورشکسته شود زیاد است و بانکی که ۱۸ درصد سود می‌دهد می‌تواند بانک سالم‌تری نسبت به بانک قبلی باشد. اگر قرار باشد هر بانکی با هر عملکردی بتواند فعالیت کند شما این پیام را می‌دهید که رابطه‌ای بین ریسک و بازده وجود ندارد لذا هر چه بازده بالاتر باشد بهتر است. چه کسی از بازده بالا بدش می‌آید وقتی ریسک مفهوم و ما به ازای واقعی نداشته باشد؟

اشاره کردید بانک‌ها باید مستقل باشند و بانک مرکزی در امورات آن‌ها دخالت نکند و هر بانک مدل کسب‌وکار خود را طراحی کند. همان طور که مطلع هستید بانک‌ها بنا به محدودیت‌های قانونی و عملکردی عملاً مدل کسب‌وکار پیچیده‌ای ندارند و سرویس‌های ویژه و متنوعی ارائه نمی‌کنند. مدل کسب‌وکار بانک‌ها عملاً بر اساس نرخ سود سپرده و تسهیلات شکل می‌گیرد که این طرح تمامی اشکال و نرخ‌ها را قانونمند کرده است و عملاً دخالت در امور بانک‌ها محسوب می‌شود. نظر شما در این مورد چیست؟

غیر از ایران در بقیه کشورهای دنیا اصولاً نرخ به عنوان نرخ بهره توسط بانک مرکزی به شکل دستوری برای بانک‌ها تعیین نمی‌شود. البته بانک‌های مرکزی ابزارهایی قدرتمندی دارند که می‌توانند به‌طور غیرمستقیم روی نرخ بهره تاثیر بگذارند. یکی از این ابزارها، عملیات بازار باز است که اخیراً بانک مرکزی کشورمان آن را عملیاتی کرده است. بانک‌های مرکزی ابزارهای دیگری مانند تنزیل مجدد و اخذ سپرده قانونی بانک‌ها را دارند اما به‌طور مثال وقتی نرخ بهره در بازار ۲۵ درصد است هیچ بانک مرکزی در دنیا نمی‌تواند در یک لحظه و با یک دستور آن را به ۱۰ درصد برساند بلکه با این ابزارها نهایتاً می‌توانند آن را به ۲۴٫۵ یا ۲۴ درصد برسانند.

دستوری تعیین کردن نرخ‌های سود در قواعد فعلی بانکداری کشورمان وجود دارد یعنی عملاً هم نرخ سود سپرده‌ها و هم نرخ سود تسهیلات را دستوری تعیین می‌کنیم. اما آیا طرح بانکداری در این حوزه پیشرفتی کرده است؟ هم می‌توان گفت بله هم می‌توان گفت خیر! بانک مرکزی در این طرح به صراحت مسوول تعیین نرخ سود نیست که این یک اتفاق بزرگ است. این قانون، ابزارهای سیاست‌های پولی را در اختیار بانک مرکزی قرار می‌دهد که به صورت مستقل از آن استفاده کنند. بدین معنی که نرخ سود در بازار تعیین می‌شود و بانک مرکزی به عنوان یک بازیگر عمده صرفاً می‌تواند بر روی آن تاثیر بگذارد. این الگویی است که همه بانک‌های مرکزی از آن استفاده می‌کنند. در خصوص نرخ سود عقود هم در این طرح گفته شده است که بانک مرکزی در تعیین آن ورود نمی‌کند مگر در موارد استثناء. ترس من آن است که این استثناء بعداً تبدیل به قاعده شود. البته در مقام دفاع از طرح بانکداری و با دید خوش‌بینانه می‌توان گفت که سایر بانک‌های مرکزی هم استثنائاً می‌توانند نرخ بهره بانک‌ها را با مقاصد نظارت بانکی به‌صورت دستوری تعیین کنند و این زمانی است که احساس کنند که وضعیت بانکی به‌مخاطره افتاده و با بازی پونزی قصد رفع موقت مشکلات خود از طریق جذب سپرده با نرخ‌های سود بالا را دارد. در چنین شرایطی مراجع نظارت بانکی می‌توانند برای آن بانک خاص (و نه بقیه بانک‌ها)، نرخ بهره را در سقف مشخصی تعیین کنند. شاید این استثنای قانونی برای چنین مواردی آمده باشد.

اما در برخی قسمت‌های طرح بانکداری نمی‌توان خوش‌بینانه به آن نگاه کرد. اینکه به بانک مرکزی این اختیار را بدهیم که سپرده‌های جاری بانک‌ها را تعیین و تکلیف کند، به مفهوم دخالت در امور بانک‌ها است. اگر بانک، سپرده می‌گیرد باید خودش نحوه مصارفش را تعیین کند. این با قاعده استقلال بانک مغایر است. بانک مرکزی باید اختیار نظارت داشته باشد و نه دخالت. هر بانک برای منابعی که دریافت می‌کند باید بتواند تصمیم بگیرد و بانک مرکزی باید نظارت کند که بانک قاعده بانکداری بدون ربا را رعایت می‌کند یا خیر.

هر بانکی مدل کسب‌وکار خود را دارد مانند؛ بانکداری خرد، بانکداری شرکتی، بانکداری قرض‌الحسنه، بانکداری تخصصی ... لذا انواع مختلف مدل کسب‌وکار بانکی وجود دارد و نباید بانک مرکزی، بانکی را مجبور کند در همه زمینه‌ها کار کند یا صرفاً یک مدل کسب‌وکار را بپذیرد.

جز این قانون را نسخ می‌کرد. یعنی باید می‌گفت حکم همین چیزی است که من می‌گویم و هر چیزی که غیر از این است نسخ می‌شود و هیئت عالی احکام و آیین‌نامه‌های خاص را در یک فرجه و مدت زمان خاص صادر می‌کرد. این هم یک ضعف دیگر این طرح است که البته می‌توان آن را اصلاح کرد و زیاد پیچیده و زمان‌بر نیست.

از دید شما نگاه این طرح به بانک‌ها چگونه است و چقدر استقلال آنها را به رسمیت می‌شناسد؟

ما باید بپذیریم بانک‌ها هم موجودیتی مستقل‌اند. در کشورهای دیگر، استقلال بانک‌ها را همانند استقلال بانک مرکزی به رسمیت شناخته‌اند. ما طی سالیان گذشته چون ابزارهای نظارتی نداشته‌ایم با احکام قانونی به اسم نظارت بر بانک‌ها عملاً در کار بانک‌ها دخالت کرده‌ایم و استقلال آن‌ها را نفی کرده‌ایم. احکام مربوط به اعطای تسهیلات، وثیقه‌گیری و وصول مطالبات، موضوعاتی هستند که باید در اختیار بانک باشد و بانک‌ها تنها باید در کلیت عملکردشان پاسخگو باشند. اگر بانکی سالم^۲ نیست بانک مرکزی باید گریبانش را بگیرد اما در جزئیات نباید در کار بانک دخالت کرد. بانک‌ها خودشان باید تصمیم بگیرند به چه کسی تسهیلات دهند و چگونه وثیقه‌گیری کنند. اما اگر نسبت کفایت سرمایه آن‌ها افت پیدا کرد، بانک مرکزی باید با قدرت ورود کند. بانک مرکزی باید اختیار قانونی داشته باشد در صورت بروز سوء جریان مالی در بانک، مدیرانش را به دادگاه بسپارد ولی در مسائل دیگر باید بپذیرد شخصیت بانک مستقل است، مانند یک موجود زنده سیکل حیات دارد و ممکن است به خاطر مدل کسب‌وکارش^۳ روزی به مرحله فوتی و انحلال برسد. هیچ‌کس هم مقصر نیست. در لیست FDIC^۴ ایالات متحده آمریکا، هر ساله تعداد زیادی از موسسات مالی فرایند انحلال را طی می‌کنند. قرار نیست بانک مرکزی تضمین کند همه بانک‌ها برای همیشه زنده و فعال بمانند. مهم این است که قواعد انحلال و ورشکستگی را به‌گونه‌ای تعریف کند تا سپرده‌های مردم به ویژه سپرده‌گذاران خرد از دست نرود. ولی اینکه در ماده ۱۶۷ این طرح؛ شرایط را به گونه‌ای ببینیم که اگر بانکی ورشکست شد انگار همه مقصر هستند و باید جبران خسارت کنند، اشتباه است. این دیدگاه باید در این طرح اصلاح شود.

بانک‌ها هم باید احساس کنند که تضمین ضد ورشکستگی وجود ندارد. بازار رقابتی است و دست پنهانی وجود ندارد که آن‌ها را حفاظت کند. این‌ها نکته‌های مهمی است که به آنها توجه کافی نمی‌شود. این که اگر بانکی ورشکسته شد علیه مدیرانش اقامه دعوا می‌شود، دلیلی ندارد. اگر بانکی تقلبی کرده یا تقصیری دارد باید رسیدگی شود ولی به‌طور عادی، بانک هم مانند هر شرکت دیگر در سیکل حیات خود، ممکن است در ایفای تعهدات خود با شکست مواجه شود.

یعنی این تصور و تلقی عمومی جامعه مبنی بر تضمین بانک‌ها توسط بانک مرکزی تلقی درستی نیست یا نباید باشد؟

ضمانت بانک‌ها توسط بانک مرکزی مبنای قانونی ندارد. یعنی هیچ جایی نیست که صراحتاً یا حتی تلویحاً بیان کند بانک مرکزی ضامن حیات سایر بانک‌ها است بلکه این عملکرد بانک مرکزی بوده است که این تصور را ایجاد کرده. عملکرد بانک مرکزی ایران به‌گونه‌ای بوده که این تصور ایجاد شده که او اجازه نمی‌دهد هیچ بانکی ورشکسته یا منحل شود در حالی که هیچ جای دنیا، هیچ بانک مرکزی وجود ندارد که در هر شرایطی بانک‌ها را تضمین ۱۰۰ درصدی کند. بانک‌ها باید به‌درستی اداره شوند وگرنه وارد فرآیند انحلال می‌شوند. این‌ها قاعده‌هایی است که باید قانون‌گذار قبول کند و عملاً امکان رقابت را بدهد. یعنی بانکی که خوب کار می‌کند، می‌داند که می‌تواند در بازار بماند و آن که خوب کار نمی‌کند از بازار خارج می‌شود.



آیا نقد دیگری به این طرح دارید؟

یکی دیگر از نقاط ضعف این طرح، کامل نندیدن بحث سهامداری بانکها است. البته این طرح نسبت به وضع موجود پیشرفت‌هایی داشته ولی مفهوم صلاحیت و شایستگی^{۱۰} سهامداران به طور کامل دیده نشده است. در قاعده صلاحیت و شایستگی سهامداران بانک؛ لازم است تا هنگام اعطای مجوز تاسیس بانک و بعد از آن، صلاحیت سهامداران توسط بانک مرکزی احراز شود. همچنین ممکن است بر اساس نحوه رفتار یا تعامل آنها با بانک، پس از مدتی، صلاحیت سهامداران ابطال گردد. ما در کشورمان و در خصوص سهامداران بانکها، تجربه خوبی نداشته‌ایم. اغلب سهامداران عمده بانکها تصور می‌کنند منابع بانک منابع شخصی خودشان است و اصلا به قواعد بانکداری مدرن توجهی ندارند. این سهامدار عمده می‌تواند هم دولت و هم بخش خصوصی باشد. همه ما می‌دانیم بانکها چه ضربه‌هایی از جانب سهامدار عمده خورده‌اند. این مبحث احکام مفصلی می‌خواهد که جایش در همین طرح بانکداری است و نه در قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴. ما نیاز به احکام قانونی جامع و مانعی برای مرجع نظارت بانکی داریم که بر آن اساس بتواند سهامدار غیرصالح را از مالکیت سهام خلع ید کند.

نقد دیگر به این طرح به بحث نحوه تعیین صلاحیت مدیران بانکها برمی‌گردد که در ماده ۸۳ آن پیش‌بینی شده و طی آن قاعده تناسب «اختیار» و «مسئولیت» از بین رفته است. باید توجه کرد در هر قانونی، هر شخص ذیصلاحی که مسئول است باید اختیار مکفی و هم‌تراز با آن مسئولیت را هم داشته باشد تا بتوان از او «پاسخگویی» خواست. در بحث تایید صلاحیت مدیران بانکها؛ این طرح، قاعده را رعایت نکرده و بخشی از آن را به دست بانکها و بخشی دیگر را به دست وزارت اقتصاد سپرده که کاملا بی‌معنی است و باید به طور کامل در اختیار مقام نظارتی بانک مرکزی باشد. البته در متن‌های اولیه این طرح چنین چیزی نبود و بعدها به آن اضافه شده است. اگر وزارت اقتصاد مسوول احراز صلاحیت مدیران بانکها است باید هم به او اختیار داد و هم پاسخگویی در خصوص نحوه عملکرد این مدیران را از او خواست. ولی اگر قرار است پاسخگویی بر عهده بانک مرکزی باشد باید اختیارات هم در دست بانک مرکزی باقی بماند.

در فضای سیاسی و رسانه‌ای موجود برخی معتقدند تصویب این طرح عجلانه است و باید طرح پخته‌تر شود. برخی هم معتقدند نباید فرصت را از دست داد و بهتر است همین طرح تصویب شود و در آینده می‌توان نواقص این طرح را برطرف کرد. نظر شما به کدام یک از این دو طیف نزدیک‌تر است؟

از دهه ۷۰ شمسی بحث تغییر قوانین مطرح بوده ولی هیچ قانونی به تصویب نرسیده است. باید سؤال کرد واقعا چند سال لازم است تا قوانین مادرمان در حوزه پولی و بانکی را تغییر اساسی بدهیم؟ اصولا این پروسه در کشورهای دیگر چقدر طول می‌کشد و در صورت خرید وقت، آیا واقعا طرح یا لایحه پخته‌تری ارائه خواهد شد؟ یعنی با مجلس جدید و ورود نمایندگان که در جریان پیچیدگی‌های این طرح نیستند چه اتفاق مثبتی خواهد افتاد؟ به هر حال مجلس فعلی ۴ سال است با این مباحث آشنا شده و برای آن وقت گذاشته و مرکز پژوهش‌های مجلس پس از سال‌ها کار کارشناسی به این نقطه رسیده است. با استقرار مجلس جدید ممکن است ترکیب کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز تغییر کند و طرحی که ثمره کار این مرکز بوده با چالش‌های جدیدی مواجه شود که الزاما این چالش‌ها از جنس «کارشناسی» نخواهند بود. با افق پیش رو؛ به نظرم اخذ زمان اضافی، بدون اینکه برنامه زمانی و عملیاتی مشخصی برای اصلاح نواقص و کاستی‌های فعلی ارائه گردد، چندان مثمر ثمر نخواهد بود.

بنابراین من نتیجه می‌گیرم که شما موافقید این طرح با همه کاستی‌هایش در همین مجلس به سرانجام برسد.

اگر جایگزین کامل‌تر و بی‌نقص‌تری برای این طرح وجود داشته باشد، قطعاً من با آن جایگزین موافق خواهم بود ولی فعلا جایگزین طرح بانکداری؛ قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۱۳۵۱ است که نه تنها هیچ تناسبی با وضع موجود ندارد بلکه در مقام مقایسه با طرح بانکداری، فرسنگ‌ها از آن عقب‌تر است. قواعد بانکداری مرکزی و بانکداری، ظرف نیم‌قرن اخیر تحولات شگرفی را به خود دیده و شایسته نیست که ما کماکان با ادبیات چند دهه قبل بخواهیم نظامات بانکداری مرکزی و بانکداری خودمان را اداره کنیم. ■



معادله چندمجهولی



مسعود راد
کارشناس و تحلیل‌گر اقتصادی

یا نرخ‌های بهره‌ای در آن بازار جاری باشد عاری از مفهوم خواهد بود. در کشورهایی که این عملیات با موفقیت انجام می‌گرفت، دولت در واقع معتبرترین وام‌گیرندگان قلمداد می‌گردید به همین جهت این اوراق، یعنی اوراق خزانه کوتاه مدت، غالباً با سررسید سه‌ماهه، نقش اساسی در ترکیب سلسله‌مراتب نقدینگی بانک‌ها را ایفا می‌نمودند، بانک مرکزی طبق آئین‌نامه‌اش با تنزیل مجدد اوراق بهادار کوتاه مدت درجه‌یک بانک‌ها به آن‌ها اعتبار می‌داد و این اوراق را در صدر لیست خود قرار می‌داد. یادمان نرود تا چندی پیش طبق مقررات بازل نیز نرخ ریسک اعتبارات اعطائی به دولت‌ها صفر بود، تا بعدها معلوم شد دولت داریم تا دولت!

البته اگر مقامات بانک مرکزی گزارش‌های اقتصادی سال‌های اوایل تاسیس بانک مرکزی (۱۳۴۵-۱۳۴۳) را بیرون می‌کشیدند شاید حیرت می‌کردند که چگونه آن زمان هم این بحث‌ها مطرح بود و

با Banque du France قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰) وارد شدن در بازار پول کوتاه مدت و خرید یا فروش اوراق معتبر (اساساً اوراق خزانه) نقدینگی بانک‌ها را برحسب الزامات وضع اقتصاد و سیاست پولی، افزایش یا کاهش می‌دادند. در صورت کاهش، بانک‌ها در مضیقه قرار می‌گرفتند و برای تامین نقدینگی مورد نیاز خود به تنها مرجع ایجاد پول، یعنی بانک مرکزی (وام‌دهنده نهایی) مراجعه می‌نمودند و با "تنزیل مجدد" اوراق مورد قبول بانک مرکزی، منتهی با نرخ تنزیل مجدد (bank rate) مورد نظر بانک مرکزی، از مضیقه درمی‌آمدند. این نرخ ساختار نرخ‌های بهره را تحت تاثیر قرار می‌داد چون بانک مرکزی "ملجاً نهایی" برای تامین نیاز نقدینگی بانک‌ها بود. به مفهوم کلاسیک آن، عملیات بازار باز، آن روی سیاست تنزیل مجدد بانک مرکزی است و تنزیل و به‌طریق اولی تنزیل مجدد بدون آنکه بازار کوتاه مدت پولی وجود داشته باشد و نرخ بهره‌ای

جالب است که در سال‌های اخیر شاید برای اولین بار یک رئیس بانک مرکزی کلمه "نرخ بهره" را به‌کار می‌برد. صحبت از اهمیت "عملیات بازار باز" در نشست رئیس کل بانک مرکزی با اقتصاددانان بود. او ضمناً عملیات بازار باز را که چندی پیش به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده بود، مهم‌ترین ابزار برای کنترل نرخ بهره کوتاه مدت و جدی‌ترین اقدام برای مدیریت تورم و کنترل نرخ سود بانکی برشمرد. در خبر دیگری از جریده شریفه کیهان، به نظری پیاده کردن این ابزار به عمر دوران ریاست او قد نخواهد داد و کیهان نیز بر آن صحنه گذاشته بود. هدف از این یادداشت نیز، تأیید این نکته بود. لازم است در ابتدا به اختصار توضیحی از چارچوب اصلی عملیات بازار باز بدهیم. تعریف جامع و مانع آن اکنون کار مشکلی خواهد بود زیرا نحوه استفاده از آن در کشورهای مختلف یکسان نیست. از طریق این عملیات بانک مرکزی (در Bank of England و

باشند واقعا بستگی به ساختار سیاسی/اقتصادی کشور خاص دارد و چشم بسته و بی‌مهابا نمی‌توان قضاوت جامع و مانع صادر نمود.

عملیات بازار باز مهم‌ترین ابزار برای کنترل نرخ بهره کوتاه مدت است و جدی‌ترین اقدام برای مدیریت تورم است؛ کاملاً درست نیست. در شرایط کلاسیک بانک مرکزی با استفاده از این ابزار یا به دنبال کنترل حجم پول است یا کنترل بهای پول، نه هردو با هم. با عملیات بازار باز اصولاً بانک مرکزی حجم پول (یا نقدینگی) را هدف قرار داده است درحالی‌که با اعلام نرخ تنزیل مجدد نرخ که کوتاه مدت و معطوف به اوراق درجه یک است)، پایه ساختار نرخ‌های بهره را تعیین می‌نماید و بقیه نرخ‌ها برحسب واکنش بازار کم یا بیش جابجا می‌شوند. البته حجم و بهای پول رابطه دو طرفه نیز دارند. اگر هدف بانک مرکزی اعمال نرخ بهره باشد آن وقت باید آن قدر نقدینگی را از بازار جذب نماید که بانک‌ها مجبور بشوند برای جبران آن به بانک مرکزی روی آورند و با نرخ تنزیل مجددی که بانک مرکزی می‌خواهد اعمال کنند نقدینگی تحصیل نمایند.

البته اکنون شرایط کلاسیک عملیات بازار باز الزام‌آور نیست و بانک‌های مرکزی با استفاده از وام‌های کوتاه مدت به وثیقه اوراق بهادار مورد اعتماد خود برای دخالت در بازار پول استفاده می‌نمایند، ضمن آنکه برای کنترل حجم پول سپرده قانونی را نیز به عنوان حربه‌ای موثر، منتهی اندکی سنگین در اختیار دارند. ولی کنترل نرخ بهره به‌طور مستقیم و دستوری واقعا قابل توجیه نیست. گنجاندن این ماده در قانون پولی و بانکی ما خود داستان دیگری دارد و باز باید به خاطر داشت زمانی که این صحبت‌ها می‌شود نرخ رسمی تورم ما بالای ۵۰٪ است و حداکثر نرخ مجاز بهره پرداختی به سپرده‌ها زیر ۲۰٪، که یعنی سپرده‌گذاران باید تاوان تورم و وام‌گیرندگان محترم را بدهند که با نرخ‌های زیر تورم وام می‌گیرند و هنوز اصرار به کاهش نرخ بهره دارند. وضعیت واقعی بانک‌ها، عدم تمکین بعضی به دستورات و تعدد موسسات اعتباری خود پدیده جداگانه‌ای است. تامین کسر بودجه نیز معمای دیگری است که با روش‌های کتب درسی جور در نمی‌آید. اصولاً در این سال‌ها این شرایط غالباً حاکم بر اوضاع بوده است. بعید به نظر می‌رسد که تحت این شرایط بتوان «عملیات بازار باز» را در دستور کار قرار داد. شاید بتوان با تفسیر بازی از طیف معناشناسی آن و دست‌کاری اساسی وضعیت فعلی، بتوان ابزاری مشابه آن پایه‌ریزی نمود و در شرایط مساعد مورد استفاده قرار داد.

مثل این است که ما داریم از سرزمین دیگری صحبت می‌کنیم که قواعد خاص خود را دارد، نه از مکانیسمی که بانک مرکزی انگلستان (Bank of England) مورد استفاده قرار می‌داد یا بانک‌های مرکزی عموماً اکنون به آن‌ها توسل می‌جویند. آنچه که مسلم است وضعیت غالباً با ساختار موجود اقتصاد ایران، موسسات بانکی و شبه بانکی و نحوه فعالیت آن‌ها تفاوت دارد و من نمی‌دانم شرکت‌کنندگان همایش به این مشکلات چگونه پاسخ داده‌اند. ■



و به اصطلاح شعبه‌ای بود و بانک‌ها به صورت سنتی خود را مکلف به ۲ نسبت حدود ۸٪ نسبت نقد و حدود ۲۸-۳۰٪ نسبت میعان (liquidity) که در حال حاضر ما آن را «نقدینگی» ترجمه کرده‌ایم می‌دانستند. بنابراین مدل قرار دادن برای کشورهای دیگر که ساختار پولی مشابه نداشتند عملیات بانک مرکزی انگلستان (Bank of England) خالی از اشکال نبود. در خلال سال‌های بعد بانکداری در کشورهای مختلف پیشرفت نمود و اغلب کشورها دست به تاسیس بانک مرکزی زدند، منتهی در بسیاری موارد در اجرای سیاست پولی غالباً مجبور به استفاده از روش‌ها و ابزارهای دیگر گردیدند. از زمانی که سپرده قانونی را فدرال رزرو در اجرای سیاست پولی و نه به‌عنوان بیمه بدهی‌های بانک‌ها بکار گرفت، این ابزار در بسیاری کشورها که سنت‌ها و شرایط ایده آل برای استفاده موثر از عملیات بازار باز را نداشتند تا حدود زیاد جانشین آن شد. در انگلستان رعایت نسبت‌های نقد و میعان جزئی از لوازم کار بود که با عملیات بازار باز توأماً عمل می‌نمودند. بنابراین جدی‌ترین اقدام برای مدیریت تورم را باید قدری محتاطانه‌تر گفت. در واقع نسبت سپرده قانونی که بعداً از سوی بانک فدرال رزرو مورد استفاده قرار گرفت تا حدود زیاد جای نسبت ۸٪ را گرفت. بعداً هم که نسبت کفایت سرمایه را بازل به کار گرفت که نوع دید را کلاً تغییر داد. اینکه کدام یک از این نسبت‌ها به تنهایی یا توأم با دیگری موثرترین

بالاخره چه نتایجی از آن‌ها گرفته شد. آن زمان تازه دوران سیاست تثبیت اقتصادی بود و رکود ناشی از آن رو به پایان.

وزارت دارایی برای تامین کسر بودجه‌اش «اسناد خزانه‌ای» منتشر کرده بود با نرخ بهره ثابت ۴٪ (یا شاید ۶٪) ولی خریدار جدی برای آن وجود نداشت. موسسات مالی (و مردم هم) نه ۴٪ را کافی می‌دانستند نه اوراق منتشرشده دولت مورد اعتمادشان بود (حداقل نه با این نرخ پائین). به‌علاوه، نه دولتی‌ها و نه غالب کارشناسان بانک مرکزی توجه داشتند که حتی اگر همه این جنبه‌های کار درست بود، اصولاً این اوراق باید با قیمت ثابت (و نه نرخ بهره ثابت) منتهی با تنزیل عرضه می‌گردید، و این نرخ تنزیل نرخ بهره‌ای بود که مورد قبول بازار بود.

تذکر یک نکته لازم است که مدل عملیات بازار باز، بانک مرکزی انگلستان (Bank of England) بود که قبل از دیگر بانک‌های مرکزی تاسیس شده بود (به‌جز بانک مرکزی سوئد و چند سالی قبل از بانک دو فرانس) و بی‌تردید در همه زمینه‌های سیاست پولی پیشکسوت به شمار می‌آمد. به این ترتیب در این زمینه نیز مدل دیگران بود. طبعاً مقدار زیادی از روش‌های مورد استفاده در عملیات بانک مرکزی انگلستان (Bank of England) در ارتباط با ساختار پولی سیستم بانکی و تحولات آن شکل گرفته بود. من باب مثال سیستم بانکداری بریتانیا متمرکز

چالش ذخیره ارزی و سیاست های بانک مرکزی

هادی فرامرزی

دانشجوی دکترای اقتصاد
دانشگاه تربیت مدرس



بشکه در روز توانست ذخیره ۱۲۰ میلیارد دلاری در سال ۲۰۱۷ داشته باشد. برخی ذخایر ارزی در کشورها در صندوق ذخیره ارزی یا صندوق تثبیتی نگه‌داری می‌شوند. طبق داده‌های موسسه ثروت ملی جهانی، کل دارایی‌های صندوق‌های مستقل ثروت در سراسر جهان از سپتامبر سال ۲۰۰۷، از ۳٫۲۶۵ تریلیون دلار به ۸٫۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۹، افزایش یافته است. قیمت‌های بالای نفت بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ باعث افزایش زیادی در دارایی‌های این صندوق‌ها شد. نزدیک به ۶۰ درصد از دارایی‌های این صندوق‌ها از درآمدهای نفت و گاز است. در سال ۱۳۹۷ و به تبع تحریم‌های اقتصادی، وضعیت مبادلات تجاری ایران با سایر کشورهای جهان به حالت اضطراری و نامطلوب درآمد. تسلط دلار بر تجارت جهانی، ابزاری قدرتمند برای ایالات متحده در تحریم اقتصاد ایران به شمار می‌رود. با وقوف به این موضوع و اهمیت بازار ارز در اقتصاد و همچنین در نظر گرفتن کاستی‌ها و چالش‌های بازار ارز ایران، باید در شرایط تحریم راهکارهایی برای مقابله با تحریم در این بازار در نظر داشت. در اقتصاد کشورهای درحال توسعه مانند ایران با مفهومی به نام پترو-ارز روبرو هستیم. به عبارت ساده، پترو-ارز، کشور تولیدکننده نفت است که صادرات نفت آن به عنوان بخشی از کل صادرات کشور به حدی بزرگ است که ارزش ارز، همزمان با کاهش یا افزایش قیمت یا مقدار نفت، کاهش یا افزایش پیدا می‌کند.

از منظر آسیب‌شناختی، اقتصاد ایران در بازار ارز با دو مسئله عمده مواجه است. اولین مورد آن تقویت کاذب نرخ ارز به واسطه درآمدهای نفتی و شکاف بین دو نرخ ارزی است که صنعت نفت و سایر صنایع در آن می‌توانند فعالیت کنند. در نرخ ارز بدون حضور نفت، تمامی صنایع توان رقابت در عرصه جهانی را خواهند داشت. اما در نرخ ارز تقویت شده، تنها بخش رونق یافته و بخش‌های خدمات غیر قابل مبادله توان فعالیت در اقتصاد را خواهند داشت. در نتیجه در کشوری مانند ایران که درگیر بیماری هلندی است، نرخ ارز به واسطه تغییرات قیمت‌های جهانی نفت تغییر می‌یابد. در این شرایط سیاست‌های نامطلوب مانند اعطای یارانه ارزی، تنها زمینه رانت ارزی را فراهم کرده و تأثیری بر شاخص‌های حقیقی اقتصاد کلان ندارد.

در ۴۰ سال گذشته نرخ ارز از برابری یک دلار در مقابل ۷ تومان به یک دلار در برابر ۱۵ هزار تومان رسیده است. به این ترتیب در طول بیش از چهار دهه، ارزش دلار

ذخیره ارزی یا حساب ذخیره ارزی پول خارجی نگه‌داری شده توسط بانک مرکزی هر کشور است. شش دلیل عمده برای نگه‌داری ارز در بانک مرکزی یک کشور وجود دارد. مهم‌ترین دلیل آن حفظ ارزش پول ملی است.

صادرکنندگان معمولاً ارز خارجی خود را نزد بانک‌های تجاری به امانت می‌گذارند. در مقابل ارز حاصل از صادرات، پول ملی را دریافت کرده تا به کارکنان و صاحبان سرمایه خود، جبران خدمات کنند. یکی از کارکردهای ذخیره ارز، کاهش ارزش پول ملی در برابر پول‌های خارجی مانند دلار است تا صادرکنندگان بتوانند کالاهای ارزان داخلی را به خارج از کشور صادر کنند. دومین کارکرد آن خرید ارز خارجی برای پایین نگه‌داشتن ارزش پول ملی است. سومین کارکرد حساب ذخیره ارزی، مهار کردن نقدینگی در دوران رکود یا بحران اقتصادی است. در شرایط رکود، ارز مازاد می‌تواند به واردکنندگان کمک کند تا محصولات بیشتری را از طریق ارز ذخیره شده، وارد کنند. دلیل چهارم حفظ ارزش سرمایه در داخل یک کشور است. حساب ذخیره ارزی به دولت‌ها این جرات را می‌دهد که به سرمایه‌گذاران اطمینان دهند که در صورت سرمایه‌گذاری در داخل کشور، سرمایه آنها از بین نخواهد رفت. دلیل آن این است که در شرایط رکود، ارز ذخیره شده می‌تواند جایگزین سرمایه داخلی باشد. دلیل پنجم آن روبرو شدن با مخاطرات خارجی است. در شرایطی حساب ذخیره ارزی دارای ارز مورد نیاز برای یک دوره مشخص باشد، هر گونه بحران خارجی توسط این حساب قابل جبران خواهد بود. ششم نیز تأمین نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی برای اقدامات زیرساختی است. در دوره‌هایی که برخی بانک‌ها یا موسسات سرمایه‌گذاری داخلی با ورشکستگی یا بحران مالی روبرو می‌شوند حساب ذخیره ارزی می‌تواند از طریق پرداخت وام، این شرکت‌ها را دوباره سرپا نگه داشته و قدرت اقتصادی داخلی را تقویت کند.

کشورهای با مازاد تراز تجاری عموماً بیشترین ذخایر ارز خارجی را در اختیار دارند. در سال ۲۰۱۷، کشور چین با ذخیره ارزی ۳۲۳۶ میلیارد دلار که حاصل از صادرات کالاهای مصرفی بوده، بیشترین میزان ذخایر ارزی را داشته است. ژاپن از طریق صادرات محصولاتی مانند خودرو و کالاهای مهم صنعتی در کنار کالاهای مصرفی، ذخیره بیش از ۱۲۰۰ میلیارد دلار داشته است. این در حالی است که کل اتحادیه اروپا در مجموع ۷۴۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشته‌اند. در این میان، ایران نیز به دلیل توافق برجام و صادرات نفت بالای دو میلیون

در برابر ریال ۲۵۰۰ برابر شده است. دلیل چنین تغییر عظیمی، نمی‌تواند مقطعی و یا ناشی از سیاست‌های اقتصادی دوره‌ای باشد، بلکه دلیل اصلی آن، افزایش سهم تولیدات نفتی از کل اقتصاد و همچنین افزایش سهم نفت در بودجه دولت‌ها در ایران بوده است.

با ورود درآمدهای نفتی به بودجه عمومی دولت‌ها از طریق چاپ اسکناس توسط بانک مرکزی، از سویی حجم پول افزایش یافته و با افزایش سطح قیمت‌های متعاقب آن، ارزش ریال کاهش یافته است. افزایش حجم نقدینگی، بخش غیررسمی و اقتصاد قمارخانه‌ای را در اقتصاد ایران حجیم کرده است. به همین دلیل خرید و فروش ارز و فعالیت در بازار بین‌المللی ارز برای واحدهای اقتصادی مطلوبیت بالایی دارد. قیمت دلار در سال ۱۳۹۸ نوسانات بالایی را تجربه کرده است. در اردیبهشت این سال، نرخ دلار از مرز ۱۵ هزار تومان عبور کرد و در مقابل در شهریور همین سال به کمتر از یازده هزار تومان نیز رسید. پس از مشکلاتی که به دلیل قطع اینترنت در آبان ماه سال ۹۸ به وجود آمد، بازار بورس تهران با افت شدید مواجه شد. تعطیلی بازار منجر به نوسان مجدد در بازار ارز شد به گونه‌ای که در آذر ماه همین سال نرخ دلار در برابر ریال دوباره از مرز ۱۴ هزار تومان عبور کرد. در زمستان اما نرخ دلار هموار شده و دوباره به مرز ۱۳ هزار تومان بازگشته است.

در تابستان ۹۸ کمترین میزان نوسان در بازار ارز به وجود آمد. دلیل نوسان اندک در تابستان تداوم سه ماهه قیمت‌ها بود. احتمالاً برای همگان واضح و مبهره است که قیمت دلار به سیاست‌های خارجی و برنامه‌های هسته‌ای ایران به شدت وابسته است. اما این امر تمام ماجرا نیست. بازار عرضه و تقاضای ارز نیز بر قیمت واقعی ارز تأثیرگذار است. در طول سال‌های مختلف قبل از تحریم‌های سال ۱۳۹۷، افزایش درآمدهای نفتی موجب می‌شد که همواره تقاضای دلار به واسطه ذخایر ارزی جبران شود. اما پس از تحریم‌های سال ۱۳۹۷ به دلیل اینکه بنا بر برخی آمارها صادرات نفتی ایران به زیر پانصد هزار بشکه در روز کاهش یافته است، منابع درآمدی لازم برای تامین تقاضای دلار در بازار ایران وجود ندارد. از آنجایی که بانک مرکزی در سال‌های گذشته بخش مهمی از تقاضای سفته‌بازی را به عهده می‌گرفت و به جای انجام وظایف نظارتی در بازار ارز دخالت می‌کرد، وابستگی به ارز صادراتی همواره بازار عرضه و تقاضای ایران را تحت‌الشعاع قرار داده بود. در همین دوره بود که برخی عاملین فساد اقتصادی با ورود به بازار سیاه ارز، اقتصاد قمارخانه‌ای را به راه انداخته و به رانت منابع ارزی دست پیدا کرده بودند.

از سال ۱۳۹۳ با پایان تحریم‌های اقتصادی به دلیل امضای توافق نامه برجام، بخش مهمی از سیاست‌های دولت برای تشویق واردات کالاهای اولیه و در عین حال به جهت ثابت نگه‌داشتن سطح قیمت‌ها سیاست ارزپاشی و اعطای یارانه‌های ارزی بوده است. بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در دو ماهه اول سال ۱۳۹۸ و ۱۰ ماه آخر سال ۱۳۹۷، سیاست ارزپاشی توسط دولت، معادل ۲۸.۷ میلیارد دلار از ۴۲۰۰ تومانی و ۹.۷ میلیارد دلار ارز نیمایی بوده است. این سیاست نه

تنها بیشتر از یارانه نقدی دولت به مردم بوده، بلکه از درآمدهای نفتی موجود در بودجه سال ۱۳۹۷ نیز بیشتر بوده است. در سال ۱۳۹۷ میزان مابه‌التفاوت نرخ ارز نیمایی با نرخ ارز بازاری بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است. بر اساس گزارش بانک مرکزی ایران در ۲۶ دی ماه سال ۱۳۹۸، مجموع معاملات فروش ارز صادراتی از اردیبهشت سال ۱۳۹۷ تا انتهای دی ماه سال ۱۳۹۸ معادل ۲۴۶۹۵.۹۳ میلیون یورو و مجموع معاملات خرید ارز بابت واردات ۲۰۵۸۵۸.۵۷ میلیون یورو بوده است. بر این اساس به میزان چهار هزار میلیون یورو ذخیره ارزی برای تامین واردات وجود دارد. با توجه به اینکه تمامی ارز موجود در اقتصاد ایران وارد چرخه واردات می‌شود، پیش‌بینی سال ۱۳۹۹ عمیقاً دشوار است. به نظر می‌رسد که دولت ایران تنها بتواند خرید و فروش ارز را سر به سر کرده و با سیاست‌های مناسب مانع از افزایش قیمت دلار و یورو شود.

در غیر این صورت با توجه به اینکه کسری بودجه در سال ۱۳۹۹ بیشتر از سال ۱۳۹۸ (معادل ۱۹۰ هزار میلیارد تومان) خواهد بود، چاپ پول ممکن است در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفته و عرضه پول افزایش پیدا کند. در این شرایط، باز هم ارزش ریال در برابر دلار تضعیف شده و ذخایر ارزی پاسخگوی تقاضای ارز در بازار واردات نخواهد بود. صندوق توسعه ملی نیز به نظر می‌رسد که چندان ثروت قابل توجهی نداشته باشد. به این دلیل که در سال ۱۳۹۷ بخش مهمی از کسری بودجه توسط این صندوق تامین مالی شد. پرداخت برخی خسارات ناشی از سیل در فروردین سال ۱۳۹۸ و برخی رخدادهای در طول سال، منجر به این شده است که بنا بر برخی تخمین‌ها این صندوق در حدود ۲۰ میلیارد دلار موجودی داشته باشد. هرچند که این مقدار نیز قابل استناد نخواهد بود.

در دوران تحریم‌های اقتصادی، وجوه ارزی و نقل و انتقالات آن در زمان مواجهه با محدودیت‌های ارزی، باید توسط بانک مرکزی نظارت، برنامه‌ریزی و هدایت شود. به طور کلی بانک مرکزی در هیچ کشوری حق ورود به بازار ارز و مبادله ارز ندارد. به همین دلیل، خارج شدن بانک مرکزی از بازار فروش ارز و نظارت و پیگیری فروش آن (بانک مرکزی نباید دلال ارز باشد) از اولویت‌های سیاسی اقتصاد ایران است. همچنین تدوین نقشه ارزی و اصلاح مداوم این نقشه، راهکاری است که اقتصاد ایران را به سمت کنترل محدودیت‌های ارزی هدایت می‌کند. تامین ترجیحی ارز برای کالاهای استراتژیک به ویژه کالاهای کشاورزی و کالاهای سلامت شامل داروها و تجهیزات پزشکی از اولویت‌های اصلاح نظام ارزی در اقتصاد ایران است. محاسبه قیمت‌های کالاهای صادراتی در داخل بر اساس نرخ ارز توافقی در جهت جلوگیری از کاهش رفاه مصرف‌کننده، آزاد کردن نرخ ارز برای تنظیم قیمت خوراک تحویلی به پتروشیمی که در حال حاضر با دلار ۴۲۰۰ تومانی این اقدام صورت می‌گیرد، از دیگر اقداماتی است که رفاه و عدالت اجتماعی را نیز برقرار می‌کند. واگذاری فعالیت ارزی با نرخ تعیین شده و توافقی به صرافی‌های مجاز و اقدامات لازم جهت جلوگیری از فعالیت بازار سیاه ارز و راه‌اندازی بازار ارز کنترل شده در بورس نیز از سیاست‌هایی است که سهم بخش غیررسمی در بازار ارز را کاهش می‌دهد. ■

کشور	ذخیره ارزی به میلیارد دلار	محصول صادراتی	کشور	ذخیره ارزی به میلیارد دلار	محصول صادراتی
چین	۳,۲۳۶,۰	محصولات مصرفی و واسطه	مالزی	۱,۰۲۴,۴	نفت
ژاپن	۱,۲۶۴,۰	محصولات مصرفی، واسطه و خودرو	آلمان	۲۰۰,۱	خودرو
اتحادیه اروپا	۷۴۰,۹ (۲۰۱۴)	ابزار آلات و ماشین‌آلات	مکزیک	۱۷۵,۳	نفت
سوئیس	۸۱۱,۲	خدمات مالی	فرانسه	۱۵۶,۴	خدمات هوافضا و ماشین‌آلات
عربستان سعودی	۴۹۶,۴	نفت	ایتالیا	۱۵۱,۲	خدمات مهندسی
تایوان	۴۵۶,۷	ماشین‌آلات و الکترونیک	بریتانیا	۱۵۰,۸	کالاهای کارخانه‌ای و شیمیایی
روسیه	۴۳۲,۷	گاز و نفت	جمهوری چک	۱۴۸,۰	خودرو و ماشین‌آلات
هنگ کنگ	۴۳۱,۴	ماشین‌آلات الکترونیک	اندونزی	۱۳۰,۲	نفت
هند	۴۰۹,۸	تکنولوژی	ایالات متحده	۱۲۳,۳	خدمات هوافضا و ماشین‌آلات
کره جنوبی	۳۸۹,۲	محصولات الکترونیک	ایران	۱۲۰,۶	نفت
برزیل	۳۷۴,۰	نفت و کالا	لهستان	۱۱۳,۳	آهن و فلزات
سنگاپور	۲۷۹,۹	محصولات الکترونیک	ترکیه	۱۰۷,۷	خودرو
تایلند	۲۰۲,۶	محصولات الکترونیک و غذا			



امنیت
اقتصادی

۲۰

منشور هزار وجهی کسب و کار

کسب و کار منشوری هزار وجهی است که توسعه آن از اقتصاد کلان و مدیریت دولتی آغاز می‌شود و تا جزئی‌ترین اجزا هر سازمان ادامه می‌یابد. فقدان هر تکه مدیریتی از پازل کسب و کار کلیت کسب و کارها را دچار نقصان می‌کند و با بازگشت تاثیر این نقصان به اقتصاد کلان، سیکل معیوب و دور باطلی در فضای کلی اقتصاد ایجاد می‌شود. به همین علت در این پرونده با نگاهی متفاوت‌تر به بررسی تاثیر امنیت اقتصادی در توسعه کسب و کارها پرداخته‌ایم. همچنین با ترجمه مقاله نشریه Harvard Business Review انگیزه کارکنان در رشد سازمان‌ها را بررسی کرده‌ایم. در انتها با کنکاش در زندگی احمد خیامی، بنیان‌گذار صنعت خودروسازی ایران به دنبال ایده‌هایی برای مدیریت و گسترش کسب و کارها گشته‌ایم.

داستان مرد
نوستالژی‌ساز

۲۷

آمدنم بهر چه
بود؟...

۲۴

۱۲ کشف
مدیریتی گالوپ

۲۲

امنیت اقتصادی

و تاثیر آن در توسعه باثبات نظام اقتصادی کشورها قابل انکار نیست. هر تهدید داخلی و خارجی که امکان استفاده کارآمد از منابع را در اقتصاد به مخاطره اندازد و رشد توسعه‌گرا و باثبات اقتصاد را با اختلال روبه‌رو کند، به امنیت اقتصادی کشور ضربه می‌زند. از سوی دیگر، هرچه امنیت اقتصادی را تهدید کند به‌طور قطع از تهدیدهای اصلی کشور به شمار می‌رود. به بیان دیگر، امنیت بر شرایط اقتصادی تاثیر می‌گذارد و شرایط اقتصادی در تامین امنیت نقش دارد. به بیان دیگر، از آنجا که بازارها فضای مناسبی برای انعکاس ابعاد اقتصادی مناسبات اجتماعی هستند، وضعیت اقتصادی آحاد جامعه رابطه نزدیکی با امنیت اجتماعی خواهد داشت. چنان‌که ناآرامی‌های اخیر کشور نیز موبد این ادعاست.

امنیت اقتصادی به معنای ایجاد یک بستر قابل اتکا برای فعالیت‌های اقتصادی است که فقدان آن عملاً تخصیص بهینه منابع را دچار مشکل کرده و فعالیت‌های اقتصادی را از شکل سالم خود دور می‌کند. این بستر باید به گونه‌ای باشد که در آن کسب‌وکارهای مختلف بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، دست به برنامه‌ریزی درازمدت بزنند. به بیان دیگر، امنیت اقتصادی به معنی فراهم کردن یک فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی است که در چارچوب آن فعالیت‌های اقتصادی با کمترین تهدید از سوی فضای کسب‌وکار مواجه شوند. در شاخص‌های ارزیابی محیط کسب‌وکار که هر ساله توسط بانک جهانی و برخی موسسات بین‌المللی گزارش می‌شود نیز، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد یکی از ارکان اصلی قلمداد می‌شود که به امنیت سرمایه‌گذاری به عنوان جزئی از امنیت اقتصادی در کشورها اشاره دارد. درجه محافظت از حقوق سهامداران، تضمین اجرا و الزام‌آور بودن قراردادهای از جمله شاخصه‌هایی هستند که برای این نوع امنیت تعریف می‌شود. تا وقتی برای سرمایه‌گذار این اطمینان خاطر حاصل نشود که به نتیجه و خروجی فعالیت او چه از لحاظ مادی و چه معنوی (مثل کپی‌رایت) تعدی نخواهد شد و تا وقتی مطمئن نباشد که هیچ خللی به قراردادهای او وارد نمی‌شود، حتی با انتظار سودهای بالا، رغبتی به سرمایه‌گذاری نخواهد داشت. درست مثل اینکه به کسی پیشنهاد یک سفر ارزان‌قیمت با بهترین محل اقامت و امکانات اما با یک وسیله نقلیه غیر ایمن داده شود. طبیعی است که جذابیت چنین پیشنهادی برای بسیاری از افراد ناچیز خواهد بود. البته امنیت اقتصادی تنها به حقوق مالکیت

یکی از مهم‌ترین نقش‌های غالب پذیرفته‌شده برای دولت در اقتصاد، عرضه کالاهای عمومی است. کالاهای عمومی کالاهایی هستند که مصرف آن‌ها توسط یک فرد قابلیت دسترسی برای دیگران را محدود نمی‌کند و اغلب بازار از ایجاد آن عاجز است یا حداقل در برآورده کردن آن با شکست مواجه می‌شود. امور دفاعی، اجرای قانون، زیرساخت‌های اقتصادی، تحقیقات پایه، آمارهای رسمی، هوای سالم، زیبایی شهر و بسیاری موارد دیگر را می‌توان جزو کالای عمومی دسته‌بندی کرد. اما یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین این کالاهای «امنیت» است. امنیت در ابعاد گوناگون قابل تعریف و به اشکال مختلف قابل دسته‌بندی است، اما از هر بعدی یک ضرورت اولیه و حیاتی هم از لحاظ اجتماعی و هم از لحاظ اقتصادی محسوب می‌شود. امنیت در گفتمان سلبی، بر نبود خطر و تهدیدات استوار است، ولی در گفتمان ایجابی به تامین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد. رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند بخشی از امنیت است. امنیت را در حوزه‌های مختلف نیز می‌شود تعریف کرد که در هر حوزه‌ای اهمیت آن غیرقابل انکار است. برای مثال برای انتخاب وسیله نقلیه، محل زندگی، مقصد مسافرت، یا حتی محل کار امنیت جانی شرط اولیه و معیار اصلی است. یا در یک شبکه اینترنتی یا هرگونه خدمات مبتنی بر وب امنیت سایبری و اطمینان از عدم حمله‌ها و ایمن بودن از سواستفاده‌های احتمالی یک ضرورت است. با همین استدلال، برای فعالیت‌های اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری چه در سطح خرد و چه در سطح کلان نیز یک شرط و ضرورت اولیه در مفهوم عام وجود دارد که می‌توان آن را «امنیت اقتصادی» نامید.

دولت به‌عنوان عرضه‌کننده کالاهای عمومی، همان‌طور که وظیفه تامین امنیت اجتماعی برای شهروندان را بر عهده دارد، برآورده کردن امنیت اقتصادی را نیز عهده‌دار است. امروزه در ارزیابی میزان توسعه یافتگی کشورها، اهمیت ویژه‌ای برای شاخص امنیت اقتصادی قائل می‌شوند. با وجود آنکه در سده‌های پیشین مهم‌ترین رویکرد به امنیت را نگاه نظامی و سیاسی تشکیل می‌داد، امنیت در قرن حاضر به مفهومی گسترده و پیچیده تبدیل شده است که ابعاد مختلفی از زندگی بشر را در برمی‌گیرد و در سال‌های اخیر «امنیت اقتصادی» در اولویت قرار گرفته است که به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های امنیت انسان نقش مهمی در رفاه جوامع بشری ایفا می‌کند



محمد کوثری

کارشناس مدیریت تحقیقات اقتصادی
بانک خاورمیانه



و امنیت سرمایه محدود نمی‌شود. وجود نرخ تورم‌های بالا نیز به نوبه خود نااطمینانی و ناامنی ایجاد می‌کند. اینکه یک تولیدکننده کالا یا ارائه‌دهنده خدمات نتواند پیش‌بینی درستی از هزینه‌های تولید خود در آینده داشته باشد یعنی امنیت سرمایه‌گذاری او به خطر افتاده است. احتمال ایجاد ممنوعیت واردات یا صادرات نیز یک ناامنی بزرگ و قابل ملاحظه است. اگر نهادهای تولید به یکباره اجازه واردات نداشته باشند و استفاده از مواد اولیه با کیفیت مورد نظر امکان‌پذیر نباشد یا در سمت دیگر صادرات محصول نهایی به یکباره ممنوع و هدف‌گذاری اولیه دچار اختلال شود، مفهوم برنامه‌ریزی برای کسب‌وکار زیر سوال می‌رود. خود قیمت‌گذاری نیز به معنای واقعی کلمه یک ناامنی برای سرمایه‌گذار تلقی می‌شود. التزام به عرضه محصول با قیمت دستوری که مسلماً پایین‌تر از قیمت بازار است، یعنی اختلال در فرآیند سوددهی بنگاه و کاهش امنیت اقتصادی آن.

ثبات در سیاست خارجی صلح‌طلبانه و روابط مثبت بین‌المللی نیز به وضوح در امنیت اقتصادی تأثیرگذار است. در شرایطی که صنایع و کسب‌وکارهای امروزه به اشکال مختلف نیازمند ارتباطات بین‌المللی هستند، نتیجه حتمی هرگونه تحریم یا محدودیت بین‌المللی به خطر افتادن امنیت اقتصادی خواهد بود. اینکه یک سرمایه‌گذار اطمینان داشته باشد به محض نیاز می‌تواند از بازارهای جهانی نیاز خود را برآورده کند و محدودیت بین‌المللی برای کسب‌وکار او محتمل نباشد، یک فاکتور مهم تلقی می‌شود که فقدان آن ناامنی اقتصادی در پی خواهد داشت. این موضوع حتی از سمت مقابل هم برقرار است.

ارتباط تجاری گسترده‌تر با سایر کشورها به معنای افزایش امنیت اقتصادی و حتی سیاسی است، چرا که وقتی منافع مالی کشورها درهم‌تنیده می‌شود، تهدید امنیت یک کشور به معنای تهدید امنیت اقتصادی تعداد زیادی از کشورها خواهد

بود که طبیعتاً برای رفع آن، همه منسجم خواهند شد. کشوری که در یک کشور دیگر سرمایه‌گذاری قابل توجهی کرده باشد یا مبادلات تجاری بالایی با آن داشته باشد، نه تنها آن را در معرض خطر قرار نمی‌دهد بلکه در مقابل خطرهای احتمالی از سوی سایرین هم خواهد ایستاد.

به طور قطع اگر کشور ما نیز شرکای تجاری قوی‌تر و با سطح تجارت گسترده‌تری داشت، تحریم آن از سوی یک قدرت زورگو مثل آمریکا به مراتب دشوارتر بود. اگر اروپا با قطع ارتباط با ایران ضرر اقتصادی معناداری را متحمل می‌شد به راحتی از آن نمی‌گذشت و امنیت اقتصادی خودش را با خطر مواجه نمی‌کرد. بنابراین بین امنیت و سرمایه‌گذاری خارجی نیز یک رابطه دوطرفه برقرار است و اگر با برقراری امنیت همه‌جانبه سرمایه‌گذاری خارجی تقویت شود، امنیت داخلی آن کشور نیز تقویت خواهد شد.

علاوه بر این، احتمال عدم دسترسی به اینترنت نیز به نوعی ناامنی اقتصادی محسوب می‌شود. نقش اینترنت نه تنها در کسب‌وکارهای نرم‌افزاری و مبتنی بر نت یا استارت‌آپ‌ها، بلکه امروزه حتی در ساده‌ترین کارهای تولیدی نیز بسیار معنادار بوده و قطع ارتباط با شبکه اطلاعات جهانی برای آن‌ها تهدیدی جدی محسوب می‌شود. شاید برای یک سرمایه‌گذار خارجی قابل باور نباشد که ممکن است چند روز هیچ‌گونه راه ارتباطی با منابع بین‌المللی نداشته باشد.

لذا حتی احتمال چنین رخدادی می‌تواند امنیت اقتصادی و در نتیجه تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری را به شدت تحت تأثیر قرار دهد.

مطالعات مختلف داخلی و خارجی کمابیش بر این نکته اتفاق نظر دارند که پیش‌بینی وضع قوانین، ثبات اقتصادی-سیاسی، امنیت افراد و دارایی‌ها، پیش‌بینی‌پذیری محاکمات قضایی در اختلاف ناشی از قراردادهای و همچنین سایر فاکتورهای مرتبط

با امنیت (به‌خصوص امنیت اقتصادی) همگی بر سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی تأثیرگذار هستند. به عبارت دیگر شرط لازم برای تحقق سرمایه‌گذاری، تامین امنیت کلیه ابعاد مرتبط با آن است. در صورت فقدان امنیت لازم، سرمایه و نیروی کار از آن اقتصاد دور می‌شوند. در طرف مقابل، چنانچه بستر اقتصادی موجود و چشم‌انداز آینده حاکی از امنیت سرمایه و ثبات اقتصادی-سیاسی باشد، سرمایه‌گذاری بلندمدت تقویت شده و رشد اقتصادی به دنبال می‌آورد. به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار، چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری تضمین نشود، جذب سرمایه‌گذار خارجی با مشکلات زیادی مواجه خواهد بود.

در شرایطی که اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری با محدودیت‌های خارجی و کاستی‌های داخلی مواجه شده است، کاهش ابعاد مختلف امنیت اقتصادی-اجتماعی یک خطر بزرگ و تهدید جدی برای سرمایه‌گذاری و رشد بلندمدت کشور تلقی می‌شود. کما اینکه تغییرات متغیر «تشکیل سرمایه ثابت ناخالص» در حساب‌های ملی نیز این روند نگران‌کننده را به خصوص در سال‌های اخیر نشان می‌دهد.

در شرایطی که امنیت کسب‌وکارها و سرمایه‌گذاران داخلی به اشکال مختلف مثل وضع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها، تغییر رویکردها و در این تجربه اخیر با قطع اینترنت از داخل تهدید می‌شود چگونه می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذار خارجی با وجود فشارهای بین‌المللی به فکر سرمایه‌گذاری در ایران باشد؟ اقتصاد آسیب‌دیده کشور بیش از هر زمان دیگری نیاز به فراهم کردن امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی دارد تا بتواند با تقویت تشکیل سرمایه شرایط را برای ایجاد رشد اقتصادی فراهم کند. ■



۱۲ کشف

مدیریتی گالوپ



سید حمیدرضا سلیمی

کارشناس حواله جات ارزی • شرکت خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه

■ مکتوب شده مجموعه سخنرانی‌های دکتر بهزاد ابوالعلائی

۲- باید ابزار، امکانات، منابع، اطلاعات و سایر ملزومات خوب کار کردن را برای کارکنان تامین کرد.

ملزومات خوب کارکردن باید در اختیار کارمندان قرار گیرد تا مانعی در راه عملکردشان نباشد. این امر دو اثر دارد. یک اثر عینی است، به این معنی که خوب بودن ابزار در کیفیت کار تاثیر می‌گذارد. اثر مهم‌تر، اثر روانی آن است. کارمند وقتی ببیند سازمان، آن چه که او برای هر چه بهتر انجام دادن کاری نیاز دارد در اختیار او قرار داده احساس رضایت می‌کند و حس می‌کند که سازمان به او و کاری که او انجام می‌دهد توجه دارد.

۳- کارکنان را باید به کارهایی گماشت که با توانایی‌های آنها بیشترین تناسب را دارد.

از آبراهام مازلو^۱ پدر روان‌شناسی انسان‌گرا - نقل شده که می‌گوید افرادی که به خود شکوفایی رسیدند کسانی هستند که رابطه آنها با شغلشان مانند رابطه کلید و قفل است.

هنر مدیران باید این باشد که بتوانند افراد سازمان و مشاغل سازمان را بشناسند و ارتباط درستی بین آنها برقرار کنند. شاید بتوان گفت کشف سوم گالوپ همان فرمان "به جای خود" نظامیان است. یعنی هر کسی باید سر وظیفه خود قرار گیرد تا مناسبات یک حمله یا عملیات فراهم شود.

۴- کارکنان باید برای کارهای خوبی که انجام می‌دهند مورد قدرانی قرار گیرند و پاداش دریافت کنند.

در کتاب "بزرگ‌ترین اصل مدیریت در دنیا" نوشته مایکل لوبوف^۲ نویسنده ادعا کرده بعد از ۲۰ سال جستجو به این اصل رسیدیم که: "اگر می‌خواهید رفتاری در سازمان تکرار شود و به صورت فرهنگ درآید، باید به آن رفتار پاداش داد." به طور کلی همه سیاست‌های پاداش‌دهی باید با این منظور صورت گیرند که اکثریت کارکنان احساس کنند در یک نظام منصفانه مورد توجه و قدرانی قرار می‌گیرند. شاید بتوان گفت فرهنگ‌سازترین ابزاری که مدیران یک سازمان دارند "پاداش" است که متأسفانه در بسیاری از سازمان‌ها پاداش‌ها تلف می‌شوند و آثار مورد نظر در سازمان‌ها پدید نمی‌آید.

۵- باید به شخصیت انسانی کارکنان توجه کرد و به آن اهمیت داد.

اگر کارمند احساس کند مدیر سازمان به او توجه دارد و حتی در سربلایی‌های زندگی در کنار او و یاری رساننده او است، شک نداشته باشید که او هم وقتی سازمان به تلاش بیشتر نیاز دارد جبران خواهد کرد. وقتی نگاه شما به کارکنان نگاه ابزاری نباشد، تصمیمات شما نیز متفاوت خواهد بود. گاهی تصمیمی که با دید صرفاً منطقی گرفته می‌شود با ورود احساسات شکل دیگری به خود می‌گیرد.

در سال‌های اخیر برای پاسخ به این پرسش که "چه کنیم تا کارکنان با علاقمندی و دل‌بستگی بیشتری کار کنند و همه انرژی خود را در کار به خدمت گیرند؟" یا به عبارتی "چه کار کنیم تا کارمندان کار را از خودشان بدانند و احساس کنند که برای کسب و کار خودشان تلاش می‌کنند؟" تلاش زیادی شده است.

موسسه گالوپ^۳ که معتبرترین موسسه نظرسنجی در جهان است، نتایج یک تحقیق و نظرسنجی بزرگ را که سال‌هاست انجام می‌دهد و هنوز نیز در حال انجام است را در سال ۲۰۰۶ به صورت کتابی به نام "۱۳" که شامل کشفیات این موسسه از ۱۰ میلیون مصاحبه در سراسر دنیاست و در بیش از ۱۱۴ کشور دنیا انجام گرفته است را منتشر کرد. این موسسه برای انجام این حجم از نظرسنجی مجبور شد با ۴۱ زبان زنده دنیا مصاحبه‌های خود را با این موضوع که "در سازمان چه شرایطی باید فراهم شود که کارکنان با دل‌بستگی تمام در سازمان کار کنند" را مطرح کند. کلید واژه پرسشنامه گالوپ واژه "ENGAGEMENT" است که در زبان فارسی جایگزینی برای آن وجود ندارد اما با عبارتی نظیر "دل‌بستگی تام و تمام به سازمان" و یا "تعلق سازمانی" معنی می‌شود.

در حال حاضر تعداد این مصاحبه‌ها در موسسه گالوپ به حدود ۱۷ میلیون رسیده است و هنوز نیز ادامه دارد و ۱۲ کشف اشاره شده همواره با تایید بیشتر در نتایج نظرسنجی‌ها تکرار شده است.

کشفیات گالوپ بر خلاف نام آن به هیچ عنوان مسائل تازه و عجیبی نیستند، اما مشاهده شده که مدیریت سازمان‌ها نسبت به آنها جاهل که نه بلکه غافل‌اند و این نظریات به نوعی تلنگری است به حوزه مدیریت سرمایه انسانی در یک سازمان.

۱۲ کشف مهم گالوپ به عنوان اصول مدیریت عالی به این شرح است:

۱- کارکنان بدانند که سازمان و مدیران آن دقیقاً از آنها چه می‌خواهند و چه انتظاراتی دارند.

وقتی با کارکنان صحبت نکنیم احتمال اینکه ندانند و یا نفهمند چه از آنها می‌خواهیم افزایش پیدا می‌کند. گالوپ در این مرحله سه توصیه برای مدیران دارد.

اول اینکه "چه" انتظاری دارید و هدف را روشن کنید. دوم، "چطور" این کار را انجام دهید و چه رفتارها و استانداردهایی را می‌خواهید و از همه مهم‌تر "چرا" می‌خواهید که چنین رویه‌ای را انجام دهند و آنها را متقاعد کنید و سوءتفاهم‌ها را مرتفع و گره‌های ذهنی آنها را باز کنید.

اگر مدیران بتوانند در آغاز هر فصل یا دوره و یا ابتدای هر پروژه‌ای با کارکنان گفتگوهای اقتناعی داشته باشند زمانی را که صرف می‌کنند در حقیقت گره‌های کار را باز خواهند کرد.

1. Gallup

2. Abraham (Harold) Maslow

3. Michael LeBoeuf



۶- کارکنان باید احساس کنند کسی در سازمان به فکر توسعه آن‌هاست و این پیشرفت و توسعه را تسهیل می‌کند.

اگر به دنبال این هستید که کارکنان شما در سازمان با نهایت انگیزه کار کنند، باید برای آنها مسیرهای پیشرفت را ایجاد و مشخص کنید. هیچ کس از درجا زدن خوشنود نخواهد بود. یکی از اقدامات خوب که در کشور ما نیز ایجاد شده و در بسیاری از سازمان‌ها نیز در حال اجرا است، نظام جانشین پروری است که اصطلاحاً به این نظام، "نظام درون‌زایی" نیز گفته می‌شود. در یک نمونه جالب توجه، بر اساس اطلاعات به دست آمده از فهرست و مشخصات ۱۰۰ مدیرعامل برتر و موفق دنیا که در هاروارد بیزینس ریویو^{۱۲} در سال ۲۰۱۹ به ترتیب چاپ شده، مشخص گردید ۸۶ نفر از آنان از درون سازمان خود به این نقطه و جایگاه رسیده‌اند.

۷- باید افکار، ایده‌ها، ابتکارات و پیشنهادهای کارکنان را به حساب آورد و از آن استقبال کرد.

شرکت تویوتا که یکی از موفق‌ترین خودروسازان دنیاست ادعا کرده که در این شرکت به جای اینکه ۱۰۰ مدیر ارشد فکر کنند، صد هزار نفر فکر می‌کنند و ایده می‌دهند. اگر به سایت تویوتا مراجعه کنید مشاهده می‌کنید که مدعی شده ما در چهل سال گذشته، بیش از ۲۰ میلیون پیشنهاد ثبت شده دریافت کرده‌ایم و از آنها استفاده کرده‌ایم.

هر چه بتوانید سهم تصمیم کارکنان و مشارکت آنها را در برنامه‌های سازمان بیشتر کنید دغدغه کاری و اهمیت کار برای آنها بیشتر می‌شود.

۸- کارکنان باید احساس کنند کاری مهم در یک سازمان مهم بر عهده دارند.

این سوال مهم همواره در سازمان‌ها مطرح بوده که مدیران چه کار انجام دهند که کارکنان احساس کنند کار مهمی از یک ماموریت مهم را در یک سازمان مهم انجام می‌دهند؟

مدیران باید:

- ۱- برای کارکنان وقت بگذارند.
- ۲- وقتی کاری را به یک کارمند محول کردند آن را پیگیری کنند.
- ۳- بازخورد بدهند.
- ۴- نقش فعالیت کارکنان (خصوصاً کارکنان غیر عملیاتی) را در محصول نهایی سازمان روشن کنند.

۹- کارکنان باید در محیط کار "اخلاق کاری" را ببینند و با همکاری کار کنند که آنها هم اخلاق کار و ارزش‌های سازمانی را رعایت کنند.

اگر اکثریت کارکنان سازمان سخت‌کوش و وفادار باشند، نیروهای جدید هم با آن‌ها همسو می‌شوند. اگر بتوانید فرهنگ سازمانی را به گونه‌ای ایجاد کنید که اکثریت تابع آن شوند، این فرهنگ و رفتار به صورت مسری ادامه دار خواهد بود. پرداخت پاداش‌های تیمی، حذف کارمندان ناسازگار و پلایش سازمان و از همه مهم‌تر تقویت فرهنگ کاری و وفاداری به سازمان از جمله توصیه‌هایی است که گالوپ در این اصل به آن توصیه کرده است.

۱۰- کارکنان باید در فضای دوستانه‌ای کار کنند و دوستان خوبی در بین همکارانشان داشته باشند.

اگرچه میزان صمیمی کردن فضای کار کاملاً متأثر از فرهنگ جایی است که سازمان در آن واقع است؛ اما ایجاد امنیت، حمایت و صمیمیت در فضای کاری متناسب با بلوغ سازمان اثر فوق‌العاده‌ای بر روی دل‌بستگی کارکنان به سازمان می‌شود.

گالوپ تأکید دارد که اگر مدیری احساس می‌کند که دوستانه کردن فضای کار ارتباطی با مسئولیت او ندارد و مختص فضای بیرون از سازمان است، آن مدیر "طبیعت انسان" را درک نکرده است.

۱۱- رفتار و عملکرد کارکنان باید ارزیابی شود و آنها باید بازخوردهای مفید در مسیر پیشرفت و موفقیت خود دریافت کنند.

کارمندان اگر احساس کنند مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند، کم‌کم انگیزه‌های آنها کم‌رنگ می‌شود و گالوپ پیشنهاد می‌کند که یک نظام نظارت و ارزیابی عملکرد مشخص در سازمان‌ها ایجاد شود تا کارمندان بدانند رشد و

پیشرفت آنها به عملکردشان وابسته است و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. آقای "مانسوشیتا" که او را به عنوان نجات‌بخش اقتصاد ژاپن از خاکسترهای جنگ جهانی دوم می‌شناسند، در کتاب "نخست انسان، سپس کالا" می‌گوید: "چیزی خطرناک‌تر از آن نیست که انسان از هیچ چیز نترسد." پس خوب است که کارکنان نگران ارزیابی و نظارت بر عملکردشان باشند و این قطعاً موجب رشد آنها خواهد شد.

۱۲- کارکنان باید فرصت‌های آموزش و یادگیری داشته باشند.

کارمند نباید در سازمان احساس کند که روز به روز تحلیل می‌رود و مستهلک می‌شود. اگر او با مجموعه‌ای از استعدادها، دانش و توانمندی‌ها وارد سازمان شده باشد و در طول دوران خدمت خود احساس کند که نه تنها به درستی از توانمندی‌هایش استفاده نشده بلکه روز به روز فرسوده‌تر و ضعیف‌تر از گذشته شده قطعاً نمی‌تواند دل‌بسته سازمانش باشد در حالی که اگر احساس کند سازمان روی آینده او سرمایه‌گذاری کرده و او با دانش و مهارت‌های جدیدی در این دوران آشنا شده، سعی خواهد کرد بر روی آینده سازمان سرمایه‌گذاری کند. با مطالعه کشفیات گالوپ شاید این پرسش مطرح شود که چرا هیچ اشاره محکم و دقیقی به حقوق و پرداخت پول در این کشفیات نشده است.

در مطالعات موسسه گالوپ در مورد صدها هزار نفر از مدیران و تیم‌های کاری در سراسر جهان، کاملاً مشخص شده است که مدیران بزرگ آگاهی غریزی دارند که آنچه انجام می‌دهند بیشتر از سود و پول است. مدیران بزرگ به سودآوری پایدار می‌رسند زیرا آنها به چیزی فراتر از سود اعتقاد دارند. آنها نتیجه کار خود را در زندگی هر فردی که مدیریت می‌کنند می‌بینند.

اکثر مدیران موفق به شما خواهند گفت مدیریت یک مسئولیت جدی است، چیزی که از آن رضایت فوق‌العاده‌ای می‌گیرند، اما برای وجدان آنها نیز سنگین است زیرا آنها آن را بسیار جدی می‌گیرند. آنها می‌گویند با این کار نه تنها وظیفه حمایت از سرمایه دیگران و تلاش برای بازگشت خوب سرمایه را عهده‌دار هستند، بلکه نوع خاصی از مباشرت در زندگی مردم را انجام می‌دهند. کارمندان می‌گویند که هر دو روی سکه زندگی شخصی و حرفه‌ای آنها به یک مدیر بستگی دارد که می‌تواند راهنمایی، پشتیبانی، مشاوره و منابعی را در اختیار آنها قرار دهد که آنها را به بهترین شکل ممکن وادار به تلافی کند.

مدیرانی که بیشترین بهره را از مردم می‌گیرند کسانی هستند که بیشترین امتیاز را به آنها می‌دهند. کسانی که بیشترین عملکرد مالی را ایجاد می‌کنند با کمترین انگیزه‌های مالی شروع می‌کنند. آنها به سختی تلاش می‌کنند تا کارهای صحیح را برای مردم خود انجام دهند و در آخر نیز کارهای خوبی انجام می‌دهند.

این قلب مدیریت عالی است. ■

12. The Elements of Great Managing (by: Jim Harter, Ph.D. Rodd Wagner.)

منبع اصلی

4. Harvard Business Review

آمدنم بهر چه بود...؟

نشان می‌دهد که فقط ۲۸ درصد شرکت‌کننده‌ها به صورت تمام و کمال با مقاصد کمپانی‌هایشان متصل هستند. فقط ۳۹ درصد آن‌ها گفته‌اند که می‌توانند به وضوح ارزشی که خلق می‌کنند را ببینند و فقط ۳۴ درصد اعلام کردند که آن‌ها در موفقیت مجموعه‌ای که در آن مشغول هستند نقشی دارند. این‌ها یک چیز را نشان می‌دهد: «نیروی کار احساس می‌کند گم شده است.»

خبر خوب ولی این است که «مقصود» پتانسیل بالایی برای انگیزه‌بخشی دارد. ۶۱ درصد کارکنان مجموعه‌هایی که به طور شفاف عنوان کرده‌اند که چگونه خلق ارزش می‌کنند؛ اعلام کرده‌اند که انگیزه کار دارند. این در مقابل آمار ۳۱ درصدی کمپانی‌های سنتی، اهمیت تعریف درست مقصود را نشان می‌دهد.

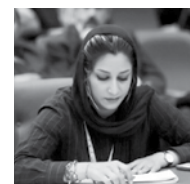
تعداد زیادی کمپانی وجود دارد که در تعریف مقصود به دردمس افتاده‌اند. در خیلی از موارد تلاش آن‌ها یا با دو منظور کلیدی‌شان بیگانه است یا فقط یکی از آن‌ها را در نظر دارد. یا تلاش بر انگیزه بخشیدن به کارکنان دارد یا تنها سعی می‌کند استراتژی را به مخاطبان منتقل کند. ما در این موارد از رهبران و مدیران ارشد شرکت‌ها سوال می‌کنیم که چطور به کاری که انجام می‌دهند مرتبط هستند؟

در حالت ایده‌آل کلمه، «مقصود» قولی است که شما به مشتری‌هایتان می‌دهید. چیزی که کسب‌وکارها را در دوره‌ی استارت‌آپی برای بقا و تبدیل شدن به یک کسب‌وکار کمک می‌کند این است که آن‌ها در برطرف کردن بخشی از نیازهای مشتریان منحصر باشند. آن‌ها وقتی موفق می‌مانند و رشد می‌کنند که هدف‌هایشان تازه بماند و خودشان هم به کارکنانشان متصل بمانند. یکی از چالش‌هایی که در انتقال مقصود کمپانی به کارکنان دیده می‌شود تعداد زیاد بیانیه‌ها و اعلامیه‌هایی است که وجود

در طول چند دهه اخیر «مقصود» در مدیریت به یک شاه‌بیت تبدیل شده است. با وجود اینکه در متون آکادمیک به اهمیت تعریف درست «مقصود» ارجاع‌های زیادی شده اما هنوز کمپانی‌های زیادی هستند که برای تعریف درست آن به دردمس می‌افتند.

اگر بیانیه‌ی معمولی یک کمپانی را بخوانیم به هدف‌های کلی مثل «بهترین انتخاب بودن» یا «حداکثری کردن ارزش‌های سهام‌داران» برخورد می‌کنیم، اما این مدل بیانیه‌ها روح و قلب چیزی که یک کسب‌وکار را پیش می‌راند نادیده می‌گیرند. آن‌ها از اینکه گروه‌شان دقیقاً چیست و مشتری‌ها دقیقاً چه کسانی هستند صحبتی نمی‌کنند. پرسش دیگری که آن‌ها از پاسخش باز می‌مانند این است که دلیل وجودیشان چیست؟ چه ارزشی را به مشتری ارائه می‌کنند؟ و چرا کمپانی شما است که می‌تواند این ارزش‌ها را منحصر به فرد ارائه دهد؟ بیانیه‌ای قوی و درست است که بتواند به دو منظور دست پیدا کند: اهداف استراتژیک را به صورت شفاف و شمرده بیان کند و محرک نیروی کار باشد. این دو منظور هم جداگانه و هم در کنار هم دیگر اهمیت دارند. وقتی کارکنان شما مقصود مجموعه را درک کنند برای اینکه کارهایی خوب و بعضاً عالی ارائه دهند انگیزه می‌گیرند، کارهایی که هدف‌های شما را نیز محقق می‌کنند. به همین منوال می‌توان تصور کرد که وقتی کارکنان مقصود یک مجموعه را درک نکنند چه عملکردی خواهند داشت. آن‌ها وقتی ندانند که کمپانی به طور کلی دنبال دست‌یابی به چه چیزی است و آن‌ها با کارشان چطور می‌توانند از آن حمایت کنند اساساً چطور باید هر روز در محل کار حاضر شوند؟

با این وجود نتایج یک نظرسنجی انجام شده از سوی کمپانی PwC's strategy consulting business



مترجم: نادى صبوری

نویسندگان

• سالی بلانت

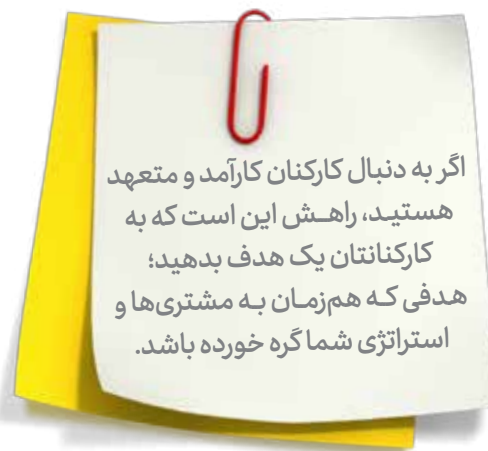
Sally Blount

استاد دانشکده مدیریت کلاگ

• پائول لاین‌وند

Paul Leinwand

استاد استراتژی و رشد



خلاصه ایده

مشکل

خیلی از افراد احساس می‌کنند به مقاصد مجموعه‌ای که در آن کار می‌کنند وصل نیستند. یک نظر سنجی که به تازگی انجام شده، نشان می‌دهد فقط ۳۹ درصد افراد می‌توانند ارزشی که خلق می‌کنند را ببینند. بیش از نیمی از آن‌ها برای توصیف میزان کمی انگیزه، شوق و هیجانی که برای کارشان دارند حتی نتوانستند عبارت «کم و بیش» را انتخاب کنند.

راه حل

مجموعه‌ها به بیانیه‌ی مقصود شفاف‌تری نیاز دارند که به این پرسش‌ها پاسخ دهد: دلیل وجودی شما چیست؟ شما چه ارزشی به مشتریان ارائه می‌کنید؟ چه چیز مجموعه شما را برای ارائه این ارزش خاص می‌کند؟

چگونگی اجرا

کمپانی‌ها باید افراد درست را در نقش‌های درست جذب کنند. به سمت تیم‌های چند تخصصی که در آن‌ها فرصت‌ها از زاویه دید تخصص‌های مختلف دیده می‌شود بروند. در عقبه‌ی مقصود کمپانی سرمایه‌گذاری کنند و اطمینان حاصل بکنند که کلمات و اعمال رهبران مجموعه تجسم‌بخش این مقاصد هستند.

۱- این مطالب تلخیص و ترجمه مقاله Why are we here? است که در سپتامبر ۲۰۱۹ در نشریه Harvard Business Review به چاپ رسیده.

استعدادها انتخاب درست بکنند. هیچ کمپانی نمی‌تواند از پس استخدام کردن تمام افراد همه پست‌ها بر بیاید و حتی اگر هم یکی بتواند این کار را بکند در جذب و حفظ افرادی که توانایی‌هایشان با مقصود کمپانی سازگار نیست و کسانی که از محیط انگیزه نمی‌گیرند به مشکل برخوردند خورد.

قابلیت‌های مشخصی که سازمان شما برای رسیدن به مقصودش باید در آن‌ها دست بالاتر را داشته باشد چیست؟ این قابلیت‌ها توانایی‌های فردی کاملاً مشخصی را درگیر می‌کنند و این چیزی است که تصمیم برای اینکه کدام شغل در سازمانتان نیازمند استعداد بالاتری است را مشخص می‌کند. در دام این امید واهی که جنرال‌لیست‌های عمل‌گرا، خبرگی را به حوزه‌هایی که برای شما کلیدی است می‌آورند؛ نیافتید. تکنولوژی‌های کلیدی که از آن استفاده می‌کنید را هم در محاسباتتان در نظر بگیرید، کارکنان شما باید با اطلاعات و سیستم‌های عملیاتی شما شبکه‌ای درهم‌تنیده بسازند. این را هم به یاد داشته باشید که مشاغل کمتر ضروری در سازمانتان را بهتر است با افراد مستعد بیرون از سازمان و نه نیروهای داخلی پر کنید.

یک نمونه متعالی این روش اپل است. برای دستیابی به مقصود که طراحی‌های «یوزر فرندلی» و «ساختار شکنانه» بود استیو جابز کل تیم دیزاین این کمپانی را با جذب برترین استعدادها بالاتر آورد تا به شکل‌دهی ردیف وسیعی از محصولات و خدمات از جمله محصولات الکترونیک این کمپانی کمک کنند. اپل حتی در اقدامی که برای یک کمپانی حوزه تکنولوژی کاملاً غیر معمول به حساب می‌آید، در میز مدیریتش یک صندلی به یک دیزاینر ارشد اختصاص داد، کاری که به بقیه کارکنان سازمان، ارزش تیم دیزاین را نشان می‌داد. به این ترتیب و با فرستادن سیگنال درست، کمپانی قادر بود با کیفیت‌ترین متخصصان دیزاین در کلاس جهانی که نه فقط در طراحی‌های محصول بلکه بعضاً حتی در بخش مد و فشن مشغول به کار بودند را نیز به خود جذب کند.

حصارها را بشکنید

بعد از اینکه افراد مناسب را در نقاط مناسب جذب کردید، وقت آراستن و پیکربندی سازمانتان به نحوی است که از طریق آن به مقصود نائل آید. تقریباً تمام اقدام‌ها از رشد درآمد، کاهش هزینه یا ابداع محصولات جدید به بینش و اقدام در سراسر سازمان احتیاج دارند. پس باید حصارهایی که بخش‌های مختلف را از هم جدا می‌کنند؛ بشکنید. محبوب‌ترین تکنولوژی انسانی در جمع‌آوری بهترین افکار و تخصص‌های یک کمپانی بر سر یک موضوع

تحریک کند بابت آن به ما پول پرداخت کنند؟ برای نهادهای غیرانتفاعی این سوال این است که ما چه ارزش‌های اجتماعی خلق می‌کنیم که ما را مستحق معاف شدن از مالیات و دریافت کمک‌های حمایتی می‌کند؟

۲- کمپانی شما چطور کسب و کارش را پیش می‌برد و چه اصولی دارد که تصمیم‌گیری‌هایش را هدایت می‌کنند؟

مهم است که تمام ذی‌نفعان را چه به‌طور مستقیم در بیانیه مشخص شده‌اند چه نه، در نظر گرفته باشید. این ذی‌نفعان می‌تواند مثلاً جامعه محلی در جغرافیایی که فعالیت شما در آن واقع شده یا رگولاتورهای حاکمیتی باشند. در مواجهه با این ذی‌نفعان چه اصولی است که کارکنان شما را هدایت می‌کند؟

محیط کار، تجربه مشتری و دیگر برهم‌کنش‌هایی که کسب‌وکار شما برای پیشبرد روزانه‌اش خواهد داشت از چه نوعی هستند؟ و اینکه شما چطور به کارکنان کمک می‌کنید که بتوانند چگونگی ارتباط میان این مسائل و مقصود سازمان را درک کنند؟

۳- سال‌های بعد کمپانی شما کجا خواهد بود؟

در کنار تلاش‌های سخت امروزان، کوشش و مجاهدتتان در جهت خلق چه چیزی در درازمدت است؟ یک رهبری بزرگ برای ادامه یافتن رشد در ابعاد و تاثیر، کمک می‌کند که شرکتشان برای چیزی بیشتر و فراتر مفصل بندی شود. تجربه‌ی ما نشان می‌دهد کمپانی‌های بزرگ در مورد اهداف عملکردی آینده‌شان، چارچوب زمانی دستیابی به آن‌ها و معیارهایی که این اهداف با آن‌ها اندازه‌گیری خواهند شد بسیار شفاف هستند.

سازمانی خلق کنید که به مقاصدتان عمل کند

این‌ها البته قدم اول هستند، یک بیانیه‌ی مقصود عالی، اگر سازمان شما قادر به اجرایی کردن آن نباشد حتی می‌تواند اثراتی درست خلاف جهت انتظارات ایجاد کند. وقتی کارکنان با یک بیانیه‌ی قوی اما با سدهای فراوان روبرو شوند قادر نخواهند بود به مقاصدی که طراحی کرده بودید دست پیدا کنند. در این موقعیت، بیانیه‌ی مقصود شما تولید حس یأس می‌کند و انگیزه کارکنان را نیز کاهش می‌دهد.

برای مطمئن شدن از اجرایی بودن بیانیه‌ی مقصودتان باید:

آهن‌ربایی برای جذب استعدادها درست باشید.

برای دستیابی به اهداف سازمانی و رقابت موثر، لازم است آدم‌های درست در نقش‌های درست قرار بگیرند. کمپانی‌ها باید در جنگ رقابت، انتخاب‌های درست بکنند.

غایت مدل‌های رایج توسعه استعدادها منابع انسانی اغلب این است که همه چیز در همه جا عالی شود، رک و پوست‌کنده باید گفت این واقع‌گرایانه نیست. کمپانی‌ها باید در جنگ برای

دارد. نظر ما این است که هر چه بیانیه‌ها کمتر باشد بهتر است. رهبرها باید اینکه چرا مجموعه‌ی آن‌ها وجود دارد (چه ارزشی، چطور و برای چه کسی خلق می‌کند) را به شکلی بیان کنند که برای یافتن، فهم و ارجاع دادن به آن در هنگام کار، راحت باشد.

این پرسش‌ها کمک می‌کند دریابیم آیا مقصود ما به نحو کارآمدی توصیف شده است؟

آیا بیانیه‌ی مقصود شما با مشتریان یا کاربرانی که پتانسیل خرید محصول یا خدمت شما را دارند مرتبط است؟

آیا شفاف است ما چه زندگی‌ها یا کسب‌وکارهایی را به هر طریقی، در میزان کوچک یا بزرگ بهبود می‌بخشیم؟

آیا مقصود ما یکتا است؟ اگر ما از بازار ناپدید شویم چه خلأی در بازار ایجاد می‌شود؟

آیا ما افراد مناسبی برای این مقصود هستیم؟ آیا ما می‌توانیم مقصود را موثرتر و کارآمدتر از رقبایمان عملی کنیم؟

آیا، بزرگ‌ترین کمپانی تولیدکننده مبلمان منزل نمونه‌ی خوبی از انتقال پیغام ارزشی که خلق می‌کند محسوب می‌شود. آن‌ها در مقصود، قول «فراهم کردن زندگی روزمره بهتر برای خیلی از مردم» را داده‌اند.

لگو، بزرگ‌ترین کمپانی تولیدکننده اسباب‌بازی در جهان فقط اسباب‌بازی نمی‌فروشد، لگو در پیغامش می‌آورد «کوشش برای توسعه خلاقیت کودکان از طریق بازی و یادگیری» است. آن‌ها در راستای وفا به این عهد و پیمان هستند و مجموعه بلوک‌هایی تولید می‌کنند که به هزاران شکل مختلف می‌توانند روی هم سوار شوند.

بحث‌های بیانیه‌ای

چیز عجیبی نیست که در یک کمپانی، افراد بر سر تفاوت‌های بیانیه‌ی مقصود، بیانیه‌ی ماموریت، بیانیه‌ی چشم‌انداز و چیزهایی شبیه این اختلاف نظر داشته باشند. اگر سری به وبسایت کمپانی‌های مختلف بزنید یکنواختی چندانی در اینکه کدام یک از این مفاهیم و چطور استفاده شده است حس نمی‌کنید.

تعدد این سازه‌ها، به چالش‌هایی که تا قبل از این هم برای نوشتن یک بیانیه‌ی مقصود قوی وجود داشت می‌افزاید. شما اما بیش از اینکه به بحث‌های بی‌پایان بر سر عنوان یا اشکال مختلف بیانیه‌ها احتیاج داشته باشید به واضح بودن این سه موضوع برای کارکنان، مشتریان و سرمایه‌گذارانتان احتیاج دارید:

۱- چرا سازمان شما وجود دارد؟

این نقطه شروع است و در ادامه به این منتهی می‌شود که شما جواب بدهید نیاز چه کسانی را تامین می‌کنید و به چه چیزی مجهز هستید که در تامین این نیاز منحصر به فردتان می‌کند؟ برای شرکت‌ها معنی این پرسش این است که ما چه ارزشی را برای مشتری ایجاد می‌کنیم که آن‌ها را

پیچیده «تیم کراس فانکشنال» یا «کار تیمی چند تخصصه» است؛ اما حتی بهترین نمونه‌های این نوع همکاری نیز با شکست‌ها و مشکلات فراوان همراه بوده است. در اغلب موارد تیم‌ها زمان و درگیری کافی از اعضا دریافت نکردند، از دریافت اعتبار مالی ناکام ماندند و توجه مدیران ارشد به مقدار کافی نبوده است.

دو راه برای جلوگیری از این مشکلات وجود دارد. یکی این است که افراد را از بعضی از وظایفی که در دیپارتمان اصلی یا همان دیپارتمان خانه دارند آزاد کنید و محصول کار تیمی را به مدیر ارشدی اختصاص دهید که ارزیابی عملکردش برای تضمین موفقیتش طراحی شده است. روش دیگر هم این است که کلا ساختار کمپانی را تغییر دهید و افراد را در واحدهای تیمی چند تخصصه‌ی دائمی تقسیم کنید.

در این مورد هم آی‌کیا راهی متفاوت را طی کرده است، در حالی که در اغلب کمپانی‌ها وقتی یک محصول طراحی می‌شود به تیم‌های مختلف از عرضه تا بازاریابی منتقل می‌شود تا در مورد کاهش هزینه و قیمت‌گذاری آن کار کنند، در آی‌کیا از همان ابتدا کارکنان از بخش‌های طراحی، مالی، ساخت و زنجیره تامین با هم همکاری می‌کنند تا محصولی تولید کنند که تولید با کمترین هزینه ممکن از همان ابتدا فلسفه‌ی وجودی‌اش بوده است.

برای مقصود سرمایه‌گذاری کنید

برای کارکنان یک مجموعه، هیچ چیز دلسردکننده‌تر از این نیست که روی چیزی کار کنند که حیاتی معرفی شده اما زمان، توجه و منابع مالی کافی را دریافت نمی‌کند. هدف غایی شما در حوزه‌هایی که برایتان اهمیت ویژه دارد نباید این باشد که در آن‌ها جایگاه بازار را کسب کنید بلکه باید این باشد که بتوانید خیلی بیشتر از رقبایتان در آن حوزه‌ها سرمایه‌گذاری کنید. اینجا هم مسئله شبیه انتخاب سختی است که باید در انتخاب افراد درست داشته باشید، انتخاب سخت اینجا تخصیص منابع است.

اگر نتوانید روی مقاصدتان سرمایه‌گذاری کافی کنید، بیانیه‌ای که نوشته شده چیزی جز حرف‌های سطحی به نظر خواهند رسید.

اطمینان حاصل کنید رهبران تجلی مقصودتان هستند

رهبران و مدیران ارشد یک سازمان، هر روز در حرف و عمل مقاصد سازمان را تجسم می‌بخشند، چه با اولویت‌بخشی ارتباط با کارکنان چه وقت‌گذراندن قابل مشاهده با کارکنان و مشتریان. اهمیت عملکرد و صحبت رهبران و مدیران ارشد در تجربه کمپانی‌هایی که به نوعی از مسیر اولیه دور شده بودند بسیار کلیدی بوده است. نیروی کار شدیداً در مسیری که مدیران هنگام گرفتن تصمیم‌های سخت برای زنده کردن مقاصد سازمان، طی می‌کنند همراهی نشان می‌دهند. آیا آن‌ها می‌توانند مثل کاری که فیلیپس در سال ۲۰۱۳ انجام داد، از کسب‌وکاری که در خط دلیل وجودی سازمان نیست پوست بیندازند؟

دوباره فکر کردن به مقاصد

به میزان بی‌اندازه‌ای در هدف‌های هم‌افزایانه‌ی وضوح استراتژیک و انگیزه‌بخشی به نیروی کار تأثیر دارند. هیات مدیره یک کمپانی یک نقش کلیدی در این دارند که نشان بدهند می‌شود روی مدیریت برای چنین تلاشی حساب کرد. در واقع در حالی که عمر مدیرعاملی فقط ۵ سال باشد اعضای هیات مدیره نه تنها قدرت طولی بیشتری خواهند داشت بلکه به باور برخی، شکلی از سرپرستی برای حرکت در مسیر مقاصد سازمان را هم بیشتر خواهند داشت. هیات مدیره باید از تیم مدیریت سوال‌های سختی مثل این‌ها را بپرسند:

- اگرما بیانیه‌ی مقصودمان را کنار بیانیه‌ی رقبایمان بگذاریم آیا کارکنان ما می‌توانند تشخیص بدهند کدام بیانیه مربوط به سازمان ما است؟
- اگر یک نظرسنجی برگزار کنیم چند درصد کارکنان

ما می‌توانند بیانیه را درست تشخیص بدهد؟ درست است که این سوال‌ها واقعا ابتدایی هستند ولی تجربه‌ها نشان می‌دهند خیلی از مدیران ارشد به همین سوال‌ها هم نپرداخته‌اند که شاید بخشی از آن به خاطر این است که آن‌ها به طور کامل به اهمیت مقصود در برنامه‌های استراتژیک باور ندارند. عدم باور آن‌ها به اهمیت تعریف درست «مقصود» هم می‌تواند به خاطر این باشد که آن‌ها روی عملکرد مالی اهداف کوتاه‌مدت بیش از حد متمرکز شده‌اند هم اینکه پرداختن به این سوال‌ها می‌تواند به آسیب‌پذیری‌های سازمان که به نحوی تاکنون لایوشانی شده‌اند نور بتاباند. به این ترتیب است که اعضای هیات مدیره نقشه محوری در متعهد ماندن به دلایل وجودی یک سازمان بازی می‌کنند.

به باور ما سلامت بلندمدت کمپانی شما روی این بنا می‌شود که فهم درستی از کیستی مشتریانانتان داشته باشید و بدانید چطور قرار است ارزشی یکتا را برایشان فراهم کنید. «تعریف»، «بسط دادن» و «عملیاتی کردن» مقاصد، شغل رهبران یک سازمان است. هر چقدر هم که تلاش کنید کارکنانتان را با شعارها و کلمات مهیج برای کار تحریک کنید، اگر کارکنان دقیقاً ندانند که چرا هر روز باید به سر کارشان بیایند شما نتیجه قابل‌توجهی نخواهید گرفت. هر چقدر بتوانید در این مورد که سازمان شما چه ارزشی و برای چه کسانی خلق می‌کند، توانایی الهام‌بخشی شما برای افرادی که در مجموعه مشغول کار هستند بیشتر می‌شود.

در ادامه هر چقدر استعداد‌های درست، مدل‌های عملیاتی و منابع مالی را به حمایت از مقصودتان تخصیص بدهید، کارکنان برای اینکه شکل بهتری از آن را تحویل بدهند آماده‌تر خواهند شد.

داشتن یک «مقصود» کلید انگیزه است و کارکنان با انگیزه، کلید واقعی کردن مقاصد شما. اگر این رابطه‌ی همزیستی را درست ترتیب بدهید، کسب‌وکارتان شکوفا می‌شود. ■



داستان مرد نوستالژی ساز



مریم ذوالفقار

کارشناس مدیریت ارتباطات • بانک خاورمیانه



روتس انگلستان (که بعدها به گروه کراسیر تغییر نام داد) را مونتاژ کند پس کارخانه اتومبیل سازی ایران ناسیونال که امروز به ایران خودرو تغییر نام داده است را در ۱۲ مهر ۱۳۴۱ تاسیس کرد. این کارخانه با سرمایه حدود صد میلیون ریال و با هدف مونتاژ و تولید انواع خودرو در اکباتان تهران احداث و از ۲۸ اسفند ۱۳۴۲ با تولید انواع اتوبوس شروع به کار کرد. برادران خیامی علاوه بر مونتاژ اتومبیل سواری، اتوبوس، مینی بوس و آمبولانس در کارخانه ها و موسسات دیگر به صورت مستقل یا مشارکتی سرمایه گذاری کردند که از آن جمله می توان کارخانه لاستیک سازی بریجستون، شرکت پیستون سازی ایران، کارخانه پولی رنگ (تولید کننده رنگ اتومبیل)، کارخانجات رضا برای تولید رینگ و سپر در مشهد و بانک صنعت و معدن نام برد.

در اواخر سال ۱۳۵۱، بعد از سال ها همکاری این دو برادر از یکدیگر جدا شدند. کارخانه های اتومبیل سازی پیکان، اتوبوس سازی و مرسدس بنز سهم محمود برادر کوچک تر شد و احمد با پولی که از ایران ناسیونال برایش مانده بود ابتدا تعداد زیادی از سهام بیمه امید (بیمه آسیای فعلی) را خرید و یک کارخانه مبل سازی به نام میلیران تاسیس کرد. بعد از آن فروشگاه های زنجیره ای به نام های فردوسی، کوروش (قدس فعلی) را تاسیس کرد. هم زمان با وقوع انقلاب احمد و محمود خیامی به اروپا سفر کرد و مسعود با افتتاح نمایندگی مرسدس بنز در لندن فعالیت تجاری خود را ادامه داد. هم اکنون این شرکت هفت نمایندگی در انگلستان و آمریکا دارد. محمود خیامی در تیرماه ۱۳۸۲ در همایش صنعت و معدن خراسان به عنوان پیشکسوت نمونه صنعت معرفی شد و در حال حاضر نمایندگی فروش بنز در نیوجرسی را نیز دارد. سرانجام احمد خیامی این فعال اقتصادی و یکی از بنیان گذاران شرکت ایران ناسیونال (ایران خودرو) در فروردین ۱۳۷۹ بر اثر ابتلاء به بیماری سرطان در سن ۷۶ سالگی درگذشت. ■

تولید پیکان در اردی بهشت ۱۳۴۶ آغاز شد. کارخانه ایران ناسیونال در روزهای ابتدایی کار خود با تولید روزانه ۱۰ دستگاه اتومبیل سواری و ۷ دستگاه اتوبوس و کامیون شروع به کار کرد و در سال ۱۳۵۷ تولید آن به ۱۳۶۰۰۰ هزار دستگاه رسید.
شرکت ایران خودرو توانست طی ۱۰ سال ۲۲ درصد قطعات را در ایران تولید کند.

احمد خیامی در سال ۱۳۰۳ در مشهد به دنیا آمد، پدرش حاج سید علی اکبر خیامی از زمین داران کوچک و از طبقه متوسط بود که احمد را از هفت سالگی به امید این که درس بخواند و کارمند شود به مدرسه فرستاد اما او علاقه فراوانی به کارهای صنعتی داشت به همین دلیل بعد از مدرسه به شستشوی اتومبیل و تعمیرات ساده آن می پرداخت. او پس از کلاس نهم، دبیرستان شاپور را ترک کرد و بعدها در مدرسه رازی به صورت شبانه ادامه تحصیل داد.

در شهریور ۱۳۲۰ کنترل شهر مشهد به دست سربازان روسی افتاد، در آن زمان (پدر احمد) چند کامیون برای حمل بار داشت که نیروهای روسی همه کامیون ها را برای جابه جایی محصولات خود مصادره کردند، با پایان یافتن جنگ جهانی اول و خارج شدن نیروهای روسیه از مشهد، محل کامیون ها آزاد شد ولی از کامیون ها خبری نبود و نهایتاً توسط احمد آن محل تبدیل به تعمیرگاه شد.

در آن سال ها احمد اتومبیل های دست دوم بنز را از تهران می خرید و پس از تعمیراتی آن ها را به صورت قسطی به راننده های تاکسی می فروخت. در این دوره احمد مسوول امور مالی و حسابداری، محمود برادر کوچک تر مسوول کارهای فنی و پدرش صندوق دار بود. احمد خیامی پس از چهار سال فعالیت در گاراژ دریافت که امکان ترقی بیشتر در مشهد وجود ندارد گاراژ را به برادر کوچکش محمود سپرد و در سال ۱۳۳۳ عازم تهران شد و تصمیم گرفت مغازه فروش قطعات و لوازم یدکی اتومبیل افتتاح کند. مغازه ای کوچک در خیابان اکباتان با نام فروشگاه تضامنی برادران خیامی اجاره کرد و به فروش قطعات یدکی اتومبیل مشغول شد.

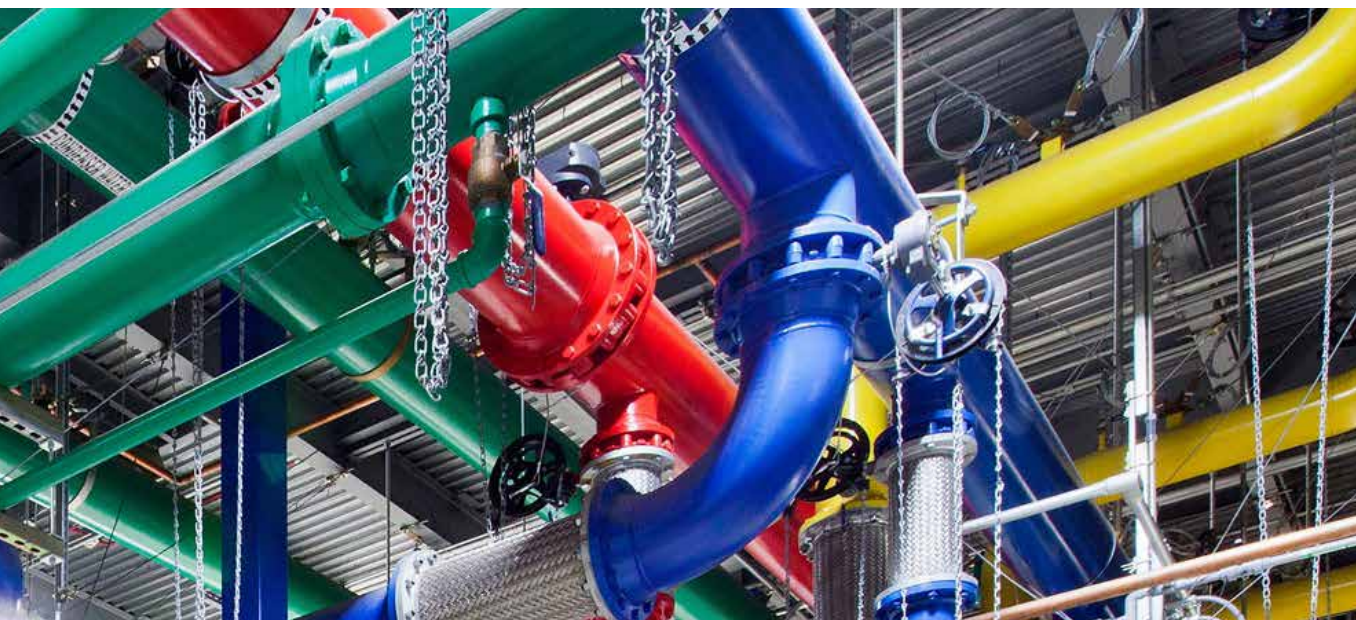
درآمد شرکت از فروش قطعات یدکی اتومبیل در فروشگاه اکباتان به حدی زیاد شد که در ابتدا مغازه های اطراف را اجاره و بعد خریداری کرد. این فروشگاه با نام پی.ال.پی به یکی از بزرگ ترین عرضه کننده های قطعات یدکی اتومبیل در ایران تبدیل شد. پس از آن با گرفتن نمایندگی لاستیک و باتری و سایر قطعات از خارج فعالیتش را گسترش داد و تصمیم گرفت به آرزوی خود در زمینه ساخت اتاق اتوبوس جامعه عمل بپوشاند یعنی همان اتوبوس سازی برادران خیامی.

او قطعه زمینی بین جاده مخصوص و اتوبان کرج خریداری کرد و وسایل ساخت اتاق اتوبوس را در آنجا نصب کرد. خیامی برای جلب خریدار بیشتر تصمیم گرفت دست به ابتکارهایی بزند که از آن جمله ساخت دستشویی و توالت کوچک در قسمت انتهایی اتوبوس بود و در قدم بعدی در گوشه ای از اتوبوس یخچال کوچکی نصب کرد تا مسافران در سفرهای طولانی از نوشیدنی های خنک استفاده کنند. برادران خیامی با تلاش بسیار نمایندگی مرسدس بنز آلمان و مسوولیت فروش آن را در کل ایران به دست آوردند.

بعد از مدتی برادر کوچک تر (محمود) گاراژ و تعمیرگاه مشهد را تعطیل کرد و با تعدادی از کارمندان ماهر راهی تهران شد. احمد وقتی دید برادر کوچک تر به کار مسلط شده است تشکیلات را به او سپرد و خودش برای بازدید از کارخانه های اتومبیل سازی و آگاهی از طرز کار آنها به اروپا و آمریکا رفت تا از بین آن ها اتومبیلی را برای مونتاژ در ایران انتخاب کند.

او ابتدا به ایتالیا سپس به اسپانیا، آلمان، فرانسه، انگلستان، سوئد و آمریکا رفت و از کارخانه های فولکس واگن و مرسدس بنز و ... بازدید کرد.

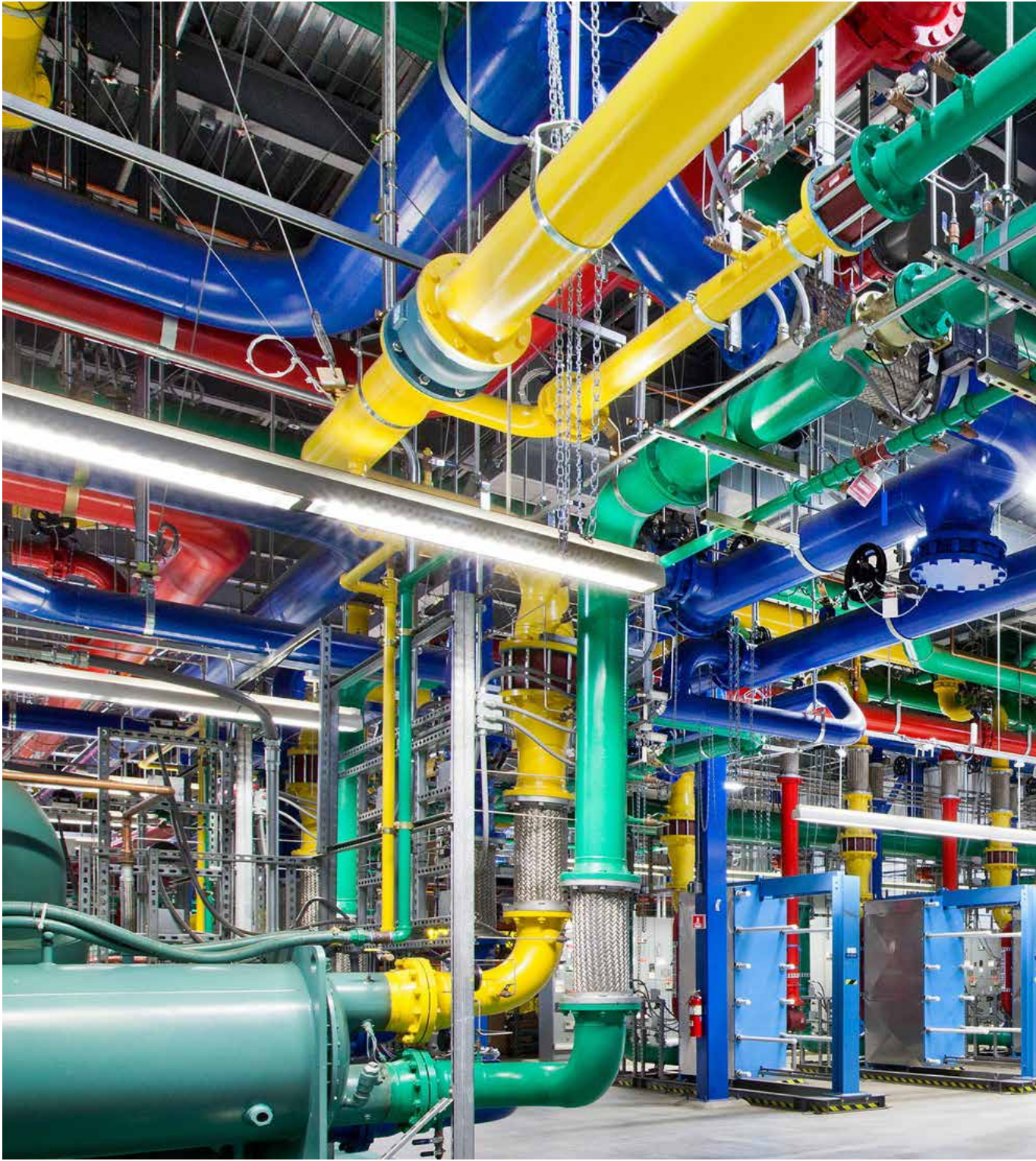
بعد از بازگشت تصمیم گرفت اتومبیل "آرو" از محصولات کارخانه اتومبیل سازی



اقتصاد نفتی

عدم وابستگی اقتصاد به نفت آرزوی همه کشورهای نفتی از جمله ایران است. تحقق این آرزو در ایران این بار نه بر اساس انگیزه‌های درونی بلکه به واسطه جبر بیرونی و تحریم‌ها تا حدودی اتفاق افتاده است. سالی که گذشت در حوزه نفت و فرآورده‌های آن اتفاقات اقتصادی و اجتماعی زیادی رخ داد. از کاهش میزان صادرات نفت تا افزایش قیمت بنزین و اعتراض‌های عمومی به آن از جمله اتفاقات این حوزه بود. در این پرونده سعی کرده‌ایم در قالب اینفوگرافیک لایحه بودجه سال آینده را بررسی کنیم و افزایش نرخ بنزین را از نگاه کارشناسان مختلف به نظاره بنشینیم و ضمن بررسی صنعت پتروشیمی؛ مدل توسعه اقتصادی در کشورهای شرق آسیا را کندوکاو کنیم.





توسعه
اقتصادی به
سبک شرقی‌ها

۳۶

لایحه
بودجه ۱۳۹۹
در یک نگاه

۳۴

گرامت مضاعف

۳۲



زنجیره ارزش پتروشیمی



معصومه اسماعیلی

کارشناس مدیریت تحقیقات اقتصادی
بانک خاورمیانه

امروزه صنعت پتروشیمی یکی از صنایع کلیدی در جهان محسوب می‌شود. به نحوی که محصولات متنوعی نظیر آمونیاک، کود شیمیایی و مصنوعات پلاستیکی از مواد اولیه و پایه شیمیایی صنعت پتروشیمی مشتق شده و کاربرد گسترده‌ای دارد.

در سال‌های اخیر، با توجه به روند صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه از جمله چین، هند و آمریکای لاتین سرعت رشد مصرف و افزایش تقاضای این محصولات به مراتب از سایر مواد صنعتی دیگر نظیر فولاد، سیمان و آلومینیوم بیشتر بوده است. دسته‌بندی محصولات پتروشیمی شامل مواد شیمیایی باارزش، متانول، آمونیاک و سایر مواد شیمیایی بوده که تولید مجموع آن‌ها در سال ۲۰۱۷ در حدود ۷۴۵ میلیون تن برآورد شده است.

در این میان، ایران در سال ۱۳۹۷ تقریباً ۵۲/۸ میلیون تن محصولات پتروشیمی تولید کرده و در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بعد از عربستان در جایگاه دوم قرار گرفته است. مواد شیمیایی باارزش شامل اتیلن، پروپیلن و آروماتیک‌ها بوده که مواد پایه برای تولید سایر محصولات صنایع مختلف از قبیل بسته‌بندی، ساختمان، نساجی، حمل‌ونقل، برق و ماشین آلات مصرفی هست. همچنین عمده مصرف آمونیاک برای تولید کود شیمیایی است و متانول نیز ماده اولیه تولید رزین، ماده افزودنی به سوخت و سایر مواد شیمیایی می‌باشد. تولید مواد شیمیایی باارزش، آمونیاک و متانول در سال ۲۰۱۷ در جهان به ترتیب برابر با ۳۶۵ میلیون تن، ۱۸۰ میلیون تن و ۱۰۰ میلیون تن برآورد شده است.

خوراک مصرفی صنعت پتروشیمی شامل گاز طبیعی حاصل از میادین گازی، گاز همراه با نفت، نفتای حاصل از پالایش نفت خام و ذغال سنگ می‌باشد. سهم نفتا، گاز طبیعی، اتان، ذغال سنگ و سایر فرآورده‌های نفتی از خوراک مصرفی صنعت پتروشیمی در جهان در سال ۲۰۱۷ به ترتیب برابر با ۴۶ درصد، ۱۶ درصد، ۱۴ درصد و ۱۳ درصد بوده است.

در سال ۲۰۱۷، تقریباً ۸ درصد از گاز تولیدی و ۱۴ درصد از نفت تولیدی در جهان در صنعت پتروشیمی مصرف شده است و در حدود ۳۰ درصد از رشد مصرف جهانی نفت به دلیل رشد صنعت پتروشیمی بوده است. صنعت پتروشیمی به سه دسته پایه، میانی و نهایی تقسیم می‌شود. محصولات پایه شامل الفین‌های سبک (اتیلن و پروپیلن)، آروماتیک‌ها (بنزن، تولوئن و زایلن)، متانول و آمونیاک بوده و در واحدهای بالادستی این صنعت تولید می‌شود. محصولات میانی نظیر فنول، فرمالدهید و استون

است که در واحدهای میانی به محصولات نهایی تبدیل می‌شود. محصولات نهایی نیز نظیر پلی‌اتیلن، پلی‌پروپیلن، کود شیمیایی و اوره بوده که در واحدهای پایین‌دستی صنعت پتروشیمی تولید می‌شود. تولید محصولات پایه صنعت پتروشیمی نیاز به سرمایه‌گذاری بالا دارد و اشتغال‌زایی کمی ایجاد می‌کند در حالیکه سرمایه به کار رفته برای تولید محصولات انتهایی زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی کمتر بوده و اشتغال‌زایی بیشتری ایجاد می‌کند. با پیش رفتن به انتهای زنجیره تولید، ارزش افزوده بیشتری در محصولات پتروشیمی ایجاد شده و صادرات این محصولات از خام فروشی نفت و یا محصولات با ارزش افزوده کم جلوگیری خواهد کرد.

تولید محصولات پتروشیمی در ایران در سال ۱۳۹۷ با ۱/۳ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۹۶ در حدود ۵۳/۵ میلیون تن برآورد شده است و صادرات محصولات پتروشیمی در این سال با افت ۹ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۶، به ۲۰/۴ میلیون تن رسید. همچنین در این سال ارزش کل تولید محصولات پتروشیمی در جهان ۳،۳۶۰ میلیارد دلار بوده و این مقدار برای ایران در حدود ۲۲ میلیارد دلار گزارش شده است که نشان می‌دهد سهم ایران در بازار جهانی در حدود ۰/۶ درصد بوده است.

صنعت پتروشیمی ایران از نظر میزان فروش صادراتی محصولات پتروشیمی در جایگاه ۳۸ جهان در سال ۲۰۱۷ قرار گرفته است که نسبت به سال ۲۰۱۶ صعود ۶ پله‌ای داشته است. در سال ۱۳۹۶، مواد پایه و شیمیایی صادراتی در حدود ۸/۶ میلیون تن و به ارزش ۲/۸ میلیارد دلار بوده و از طرفی صادرات محصولات پلیمری در حدود ۳/۶ میلیون تن و به ارزش ۴ میلیارد دلار بوده است که نشان از توسعه نیافتگی صنعت پایین‌دستی محصولات پتروشیمی و صادرات محصولات پتروشیمی با ارزش افزوده پایین می‌باشد. ایران به رغم داشتن منابع و ذخایر گسترده نفتی و گازی در صنعت پتروشیمی توسعه نیافته و نیاز به سرمایه‌گذاری و اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت بهبود و رونق دارد. در واقع بر مبنای گزارش BP در سال ۲۰۱۸، ذخایر نفت ایران معادل ۱۵۷ میلیارد بشکه برآورد شده و سهمی در حدود ۹/۷ درصدی از ذخایر



اقدامات، مدیریت ناکارآمد این موسسات انگیزه سرمایه‌گذاری و ارتقای بهره‌وری را کاهش داده است.

صنعت پالایش و پتروشیمی کشور دارای پتانسیل بالا برای توسعه و تولید محصولات پالایشی، پتروشیمی و شیمیایی جهت استفاده از ظرفیت‌های موجود منابع فسیلی می‌باشد. لذا در این راستا نظام برنامه‌ریزی کشور می‌بایست از طریق سرمایه‌گذاری، رفع موانع و فراهم نمودن بستر مناسب رشد درصدد گسترش بخش‌های پربازده این صنعت برآید.

اصلاح قیمت‌گذاری انرژی و تعیین آن به صورت انعطاف‌پذیر و پایدار در طول زمان نااطمینانی را کاهش داده و سبب جذب سرمایه بیشتر شده و به تدریج انگیزه رقابت بین مجتمع‌های پتروشیمی و پالایشگاه‌ها را افزایش می‌دهد. اصلاح سیاست‌گذاری‌ها در راستای اهداف کلان اقتصادی نه بر مبنای منافع شخصی سیاست‌گذاران و نه با هدف نشان دادن آمار و ارقام پیشرفت، منجر به توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی به‌صورت غیرمتمرکز، بالا رفتن بهره‌وری و نفع بردن عموم مردم از منابع فسیلی موجود می‌شود. تلاش برای بهبود بخش پایین‌دستی در صنعت پتروشیمی برای تولید انواع مصنوعات پلاستیکی علاوه بر اینکه سرمایه به نسبت کمتری نیاز دارد، سبب اشتغال‌زایی بیشتری شده و با توجه به رشد مصرف این مصنوعات در جهان توانایی کشور در صادرات این دسته از محصولات ارتقا یافته و از این طریق رقابت بین صنایع در داخل و احتمال کسب سهمی بالاتر از بازار جهانی افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان به این نکته نیز نظر داشت که با پیش رفتن کشورها به سوی استفاده از سایر منابع تجدیدپذیر انرژی، منابع فسیلی بیشتری در دسترس بخش پایین‌دستی صنعت پتروشیمی قرار خواهد گرفت، لذا توسعه پتروپالایشگاه‌ها به منظور پیش‌روی و تکامل زنجیره ارزش می‌تواند در اولویت‌های توسعه کشور قرار گیرد. از آنجایی که ایران دارای منابع عظیم گازی بوده، سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌های بر مبنای خوراک گازی صرفه اقتصادی بیشتری داشته و سبب بهبود مدیریت منابع محدود خواهد شد. ■

می‌دهد. به مجموعه‌ای از واحدها که در کنار تولید محصولات اصلی پالایشگاه (بنزین، نفت گاز، نفت سفید، گاز مایع و نفت کوره) محصولات پتروشیمی نیز تولید کند پتروپالایشگاه اطلاق می‌شود. روند توسعه پتروپالایشگاه‌ها در جهان رو به رشد بوده و همین امر سبب انگیزه بیشتر برای تولید محصولات نهایی با ارزش افزوده بیشتر می‌شود. از طرفی در ایران پتروپالایشگاه‌ها توسعه نیافته است و مجتمع‌های پتروشیمی در برخی موارد با کمبود خوراک مواجه می‌شوند و همچنین تولید انواع پلیمرها در انتهای زنجیره ارزش توسعه نیافته است. یکی از چالش‌های عمده صنعت پتروشیمی در ایران مسئله قیمت‌گذاری است. خوراک مجتمع‌های پتروشیمی در ایران عمدتاً به صورت گاز و مایع است. به‌عنوان مثال پتروشیمی‌های اراک، اصفهان و تبریز از خوراک مایع استفاده می‌کنند و پتروشیمی‌های بوعلی، شیراز و بندرامام از خوراک گازی تغذیه می‌کنند. در سطح جهانی نیز خاورمیانه و ایالات متحده آمریکا به دلیل دسترسی به ذخایر گازی بیشتر از خوراک گازی و منطقه شرق آسیا و اروپا نیز عمدتاً از خوراک مایع استفاده می‌کنند. طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ تخفیفات بیشتری برای مجتمع‌هایی که از خوراک گاز استفاده می‌کردند نسبت به مجتمع‌هایی که از خوراک مایع تغذیه می‌کردند قائل شدند که منجر به کاهش سودآوری مجتمع‌های مبتنی بر خوراک مایع شده و سرمایه را به سمت مجتمع‌های مبتنی بر خوراک گازی سوق داده است. علاوه بر آن، در سال ۱۳۹۷ تثبیت نرخ ارز ۴,۲۰۰ تومانی برای قیمت‌گذاری محصولات پتروشیمی و اختلاف این نرخ با نرخ آزاد ارز سبب قاچاق و خروج بسیاری از محصولات پتروشیمی از کشور شد.

چالش دیگر صنعت پتروشیمی مسئله خصوصی‌سازی است. واگذاری واحدهای پتروشیمی از طرف دولت به نهادها و موسسات دولتی و شبه‌دولتی در سال‌های اخیر بر اساس اصول و قاعده‌ای پیش نرفته است. به نحوی که دولت برای رفع دیون خود واحدهای پتروشیمی را به افراد غیرفنی و غیرتخصصی واگذار کرده است و بزرگترین سهامداران این صنعت شامل نهادهای شبه‌دولتی و دولتی می‌باشند. در پی این

نفت جهان را داشته و پس از کشورهای ونزوئلا، عربستان سعودی و کانادا در رتبه چهارم جهان قرار گرفته است. همچنین ذخایر گازی ایران معادل ۳۳/۲ هزار میلیارد مترمکعب بوده و با سهم ۱۷ درصدی از کل منابع گازی جهان پس از روسیه در جایگاه دوم جهان قرار گرفته است.

عمده مجتمع‌های پتروشیمی در ایران واقع در مناطق ویژه اقتصادی ماهشهر، پارس (عسلویه) و خط لوله اتیلن غرب می‌باشد. بر مبنای ترانزنامه هیدروکربوری کشور در سال ۱۳۹۵ مجموع تولید مجتمع‌های پتروشیمی در مناطق ویژه اقتصادی انرژی عسلویه و ماهشهر به ترتیب به میزان ۲۲/۵ میلیون تن و ۱۸/۲ میلیون تن بوده است. میزان محصولات به فروش رسیده در مناطق عسلویه و ماهشهر به ترتیب ۱۸/۷ میلیون تن و ۱۱/۴ میلیون تن بوده و از این مقدار به ترتیب ۷/۳ میلیون تن و ۲/۶ میلیون تن شامل فروش داخلی بوده و همچنین به ترتیب ۱۱/۴ میلیون تن و ۵/۲ میلیون تن فروش حاصل از صادرات بوده است. طرح احداث خط لوله اتیلن غرب به طول ۲,۰۲۴۰ کیلومتر با هدف انتقال اتیلن از الفین یازدهم (پتروشیمی کاویان)، الفین پنجم (پتروشیمی مروارید)، الفین هشتم (گچساران) و الفین سیزدهم (ایلام) به استان‌های غربی و منطقه دنا تا میاندوآب در سال ۱۳۸۳ آغاز شد. ظرفیت تولید خط لوله در حدود ۳/۵ میلیون تن در سال برآورده شد. این طرح با هدف افزایش تولید محصولات پایین‌دستی پتروشیمی و کاهش نرخ بیکاری برنامه‌ریزی شده بود در حالی که چنین اهدافی محقق نشد. به عبارت دیگر، مجتمع‌های موجود در این خط لوله با مشکلاتی نظیر عدم مجاورت به منابع آبی، انتقال مجدد محصولات به مناطق آزاد برای صادرات و در نتیجه افزایش هزینه و کاهش حاشیه سود و توسعه نیافته بودن واحدهای پایین‌دستی پتروشیمی واقع در این خط لوله مواجه بوده است. مجموعه این عوامل به دلیل نداشتن صرفه اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها را بی‌نتیجه گذاشته است.

از طرف دیگر در مجاورت بودن پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی سبب استفاده بیشتر از محصولات یکدیگر شده و هزینه‌ها را کاهش و یکپارچگی از نظر دسترسی به خوراک را افزایش

گرامت مضاعف

تحریریه آفتاب خاورمیانه

از جمله این انتقادات چریکی عمل کردن دولت در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی، عدم اطلاع‌رسانی و آماده‌سازی افکار عمومی، سلب آسایش از جامعه، نادیده گرفتن مجلس در تصمیمات کشوری و... بود. فارغ از نقدهای جامعه‌شناختی که به نحوه اجرای این تصمیم اقتصادی وارد شد؛ به لحاظ اقتصادی نیز این طرح دارای موافقان و مخالفانی بود که در آن بحیثیه مجالی برای طرح و بررسی آن نبود. در این مطلب تلاش کرده‌ایم بخشی از نگاه‌های مخالف و موافق در مورد افزایش قیمت بنزین را منعکس کنیم.

بامداد جمعه ۲۴ آبان ۱۳۹۸ بود که مردم با بیدار شدن از خواب، خبر افزایش ۳ برابری قیمت بنزین آزاد را شنیدند. اتفاقی که بعداً مشخص شد تصمیم آن در جلسه سران قوا گرفته شده است و خیلی زود بنزین آتش اعتراضات را در بسیاری از نقاط کشور فراهم کرد. کار تا جایی پیش رفت که اینترنت تقریباً به طور کامل قطع شد و بسیاری از مراکز دولتی و بانک‌ها در آتش خشم گروهی از مردم سوختند. از لحظه عملیاتی شدن این تصمیم اقتصادی، کارشناسان اجتماعی، رسانه‌ای و... به نحوه اجرای این طرح انتقادات فراوانی داشتند.

فرشاد مومنی

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی



بهرام پارسایی

نماینده مجلس



بر اساس الگوی توماس پیکتی می‌توان رانت ناشی از دستکاری قیمت‌های کلیدی را به دست آورد. الگوی توماس پیکتی می‌گوید اگر در کشورهایی که داده‌ها خیلی قابل اعتماد نیستند ارزش دارایی‌های موجود شش تا هشت برابر تولید ناخالص داخلی آن سال است. از همین رو براساس محاسباتی که داشته‌ام، اگر آخرین داده تولید ناخالص داخلی کشور ما یعنی سال ۹۶ را مبنا قرار دهیم و همچنین بر اساس برآوردهایی که در درون دستگاه‌های رسمی و به صورت خوش‌بینانه تورم‌زایی ناشی از افزایش قیمت بنزین را ۱۰ تا ۱۴ درصد تخمین زده‌اند در نظر بگیریم؛ با استفاده از الگوی توماس پیکتی سهم رانتی اضافه شده در صورت تورم ۱۰ درصدی بیش از ۲.۵ برابر حجم کل یارانه نقدی پرداخت شده در سال خواهد بود و این یعنی تنبیه فرودستان و بی‌پناهان.

مقایسه قیمت بنزین در کشوری که نفت ملی دارد و مدعی خودکفایی در تولید بنزین است با قیمت بنزین در کشورهایی مثل ترکیه که واردکننده محض نفت و گاز و مشتقات هستند، مردود است. مقایسه یک طرفه قیمت بنزین بدون مقایسه درآمد کارمند و کارگر و ارزش پول ملی کشورهای دیگر، یعنی محاسبه درآمد مردم با ریال و محاسبه هزینه‌ها با دلار. در مقایسه منصفانه با کشورهای دیگر، وقتی درآمد معمول و حداقلی مردمی هزار الی ۱۵۰۰ دلار است و بنزین را یک دلار می‌خرند. در جامعه ما که حداقل درآمد صد الی ۱۵۰ دلار است، قیمت منصفانه یک دهم دلار یعنی حدود هزار تومان است. این که قیمت کم دلیل اصلی مصرف بالای بنزین اعلام شود غلط است. عامل اصلی، تولیدات بی‌کیفیت و پرمصرف مافیای خودروسازی است. به جای فشار به مردم این غده سرطانی را درمان کنید.

حسین راغفر

استاد دانشگاه الزهرا



کامران ندری

استاد دانشگاه امام صادق (ع)



در شرایط کنونی افزایش قیمت حامل‌های انرژی نتیجه‌ای جز افزایش هزینه‌های زندگی مردم نخواهد داشت و دولت اگر با کسری بودجه مواجه است باید مانع پرداخت یارانه پنهان به صنایع خصولتی شود. همچنین افزایش قیمت حامل‌های انرژی باید مشروط به افزایش قدرت خرید مردم باشد نه اینکه وقتی قدرت خرید مردم ۳۰ درصد افزایش یافت هزینه‌های زندگی ۵ برابر شود. بنابراین بین آنها باید تناسب وجود داشته باشد و متأسفانه این بی‌تناسبی اشکال مختلفی از عدم تعادل‌ها و ناهنجاری‌ها را نتیجه داده است.

به نظر من اگر اصلاح قیمت بنزین به این صورت انجام نمی‌شد و مهم‌تر اعتراضات به گونه دیگری مدیریت می‌شد، شاهد شکل‌گیری چنین انتظارات تورمی نبودیم. در درجه اول زمان اصلاح قیمت بنزین مناسب نبود و حداقل باید صبر می‌کردیم که فضای سیاسی عراق کمی آرام‌تر شود. در درجه بعدی باید افزایش قیمت به صورت تدریجی صورت می‌گرفت و در درجه سوم برای تمام حامل‌های انرژی این اصلاح قیمت انجام می‌شد و نه تنها برای بنزین. در حال حاضر اصلاح بنزینی صورت گرفته است، نه اصلاح حامل‌های انرژی.



علی سرزعیع
کارشناس اقتصادی



جواد صالحی اصفهانی
استاد دانشگاه ویرجینیاتک



لازم است که ما از سیاست افزایش قیمت بنزین دفاع کنیم، چون در کوتاه مدت به فقرزدایی کمک می‌کند؛ گرچه رفاه نیمه بالای جامعه را تا حدی پایین می‌آورد. اما اگر این سیاست را اجرا نکنیم، فقر نیمه پایین جامعه با سرعت بیشتری صورت می‌گیرد. این ملاحظات است که ما را به سرعت به این سمت سوق می‌دهد که از این سیاست دفاع کنیم. البته به این معنا نیست که وقت اجرای آن، الان بود. خیر، خیلی زودتر از این‌ها باید قیمت سوخت بالا می‌رفت و متأسفانه دولت دیر عمل کرد، اما باز هم امروز بهتر از فرداست.

افزایش قیمت بنزین باید با پرداخت‌های جبرانی صورت گیرد و این کار غیرقابل اجتنابی برای حمایت از خانوارها در مقابل رشد قیمت سوخت است. اما در اجرای این سیاست از ظرفیت تجربه هدفمندی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ استفاده نشد و باعث شد هزینه‌های اجرای این طرح افزایش یابد. دولت با تثبیت قیمت بنزین، به دنبال مهار تورم است، این در حالی است که هیچ کشوری با این روش به دنبال مهار تورم نیست. از سوی دیگر تعیین قیمت بنزین از سوی دولت، یک اشتباه است و باید مکانیسمی فراهم شود که قیمت آن مانند سایر کالاها از مکانیسم عرضه و تقاضا تعیین شود. در این صورت هم توزیع رفاه به شکل عادلانه‌ای صورت خواهد گرفت و هم دولت، بار افزایش قیمت بنزین را در هر مرحله به دوش نخواهد کشید.

سید حمید حسینی
سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان
فرآورده‌های نفتی



جعفر خیرخواهان
استاد دانشگاه فردوسی مشهد



کاهش شدت مصرف انرژی در کشور (متوسط دنیا ۱.۴ بشکه برای هزار دلار تولید ناخالص ملی و ایران ۴.۲ است) و عدم نیاز به سرمایه‌گذاری برای ایجاد پالایشگاه جدید نیز دیگر دستاورد واقعی شدن قیمت بنزین به شمار می‌آید. همچنین پیش‌بینی می‌شود با توجه به تولید حدود ۱۱۵ میلیون لیتر بنزین در کشور و توزیع ۶۰ میلیون لیتر آن از محل کارت سوخت و ۲۰ میلیون لیتر نیز بنزین با نرخ آزاد، شرکت نفت امکان صادرات روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین را داشته باشد و از این محل بتواند ۴۵ هزار میلیارد تومان برای بودجه تامین کند.

افزایش تورم در کشور ارتباط زیادی با افزایش قیمت بنزین ندارد. برای نمونه می‌توان به این مورد اشاره کرد که اگرچه در یکی دو سال گذشته با تورم بالا روبه‌رو شدیم اما قیمت بنزین در چهار سال گذشته ثابت بوده است. اگر قرار بود قیمت بنزین روی نرخ تورم تاثیر بگذارد، باید در کشورهایی که بنزین را ۱۰ برابر گران‌تر از ایران می‌فروشند، تورم بسیار بالایی به وجود می‌آمد. متأسفانه عده‌ای با استدلال‌های غیرکارشناسانه کار را سخت‌تر می‌کنند.

لایحه بودجه ۱۳۹۹ در یک نگاه



استخراج: حسین سلطان آبادی
گرایش: مدیریت تحقیقات اقتصادی از بانک خاورمیانه

واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (هزار میلیارد ریال)

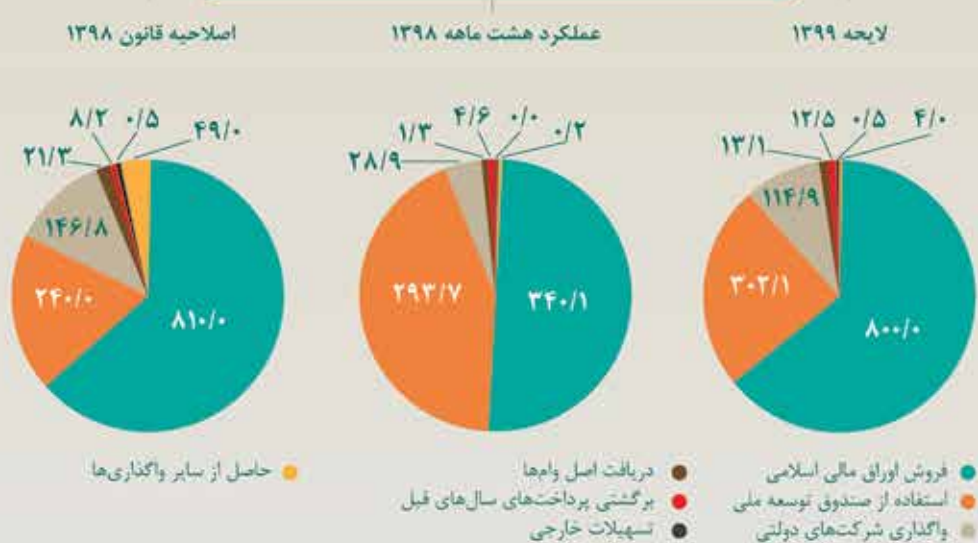


نوع درآمد	ارزانه‌های نفتی (دلار هر بشکه)	قیمت نفت و مضافات (دلار هر بشکه)	کل درآمدها (میلیارد دلار)	بهره مندی (درصد)	بهره شرکت (مقدار دلار در هر بشکه)	بهره دولت (درصد)	درآمد دولت (میلیارد دلار)
صادرات نفت و محصولات گازی	۶۱	۵۰۰	۱۸۳	۲۶٪	۱۲/۵	۲۹/۵	۹/۱
صادرات گاز	-	-	۳/۹	۳۶٪	-	۲۹/۵	۱/۹
جمع	-	-	۲/۲	-	-	-	۱۱/۰

نوع درآمد	دریافت از بازار سرمایه (میلیارد دلار)	میزان در تخصیص (میلیارد دلار)	درآمد ریالی دولت (میلیارد ریال)
سود برای کالاهای اساسی	۲۲۰۰۰	۱۰۰۵	۲۴۱۰۰
سود برای سایر مصرف	۸۵۰۰۰	۰/۵	۲۲۰۰۰
جمع	۲۳۰۰۰	۱۱۰	۲۴۳۰۰

اگر صادرات نفت حدود ۳۰۰ هزار بشکه در سال ۱۳۹۹ باشد، با این فروض درآمد نفتی دولت به حدود ۴/۶ میلیارد دلار کاهش خواهد یافت.

واگذاری دارایی‌های مالی (هزار میلیارد ریال)



خلاصه بودجه کل

نوع منبع	۱۳۹۹	رشد نسبت به قانون ۹۸	رشد نسبت به قانون ۹۸ بعد از اصلاحیه
درآمدها	۲,۶۶۱	۱۰٪	۲۱,۶
واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای	۹۸۸	-۳۷/۶	۶۱,۹
واگذاری دارایی‌های مالی	۱,۱۴۷	۱۲۲/۱	-۲/۳
جمع منابع عمومی	۲,۸۴۶	۸/۰	۲۵/۲
درآمدهای اختصاصی	۷۹۲	۱۰/۰	۰/۰
منابع بودجه عمومی دولت	۵,۶۳۸	۸/۱	۲۳/۰
منابع شرکت‌های دولتی	۱۲,۸۳۹	۱۴/۰	۱۴/۰
منابع بودجه کل کشور	۱۹,۸۸۷	۱۴/۰	۱۸/۶

انواع کسب

نوع کسب	قانون ۹۸	لایحه ۹۸	قانون ۹۹
کسب از تراش غطشانی و سرمایه‌ای	۲۲۷/۳	۲۶/۰	۲۲۲/۵
کسب از تراش کلی (استواری)	۲۵/۷	۵۱/۰	۶۴/۲
کسب از تراش کلی بدون نفت (استواری)	۲,۹۵۷	۱,۹۵۵/۶	۱,۶۲/۵
کسب تکمیل شده (استواری پرداخت)	۸۵/۷	۸۹/۵	۶۲/۲
کسب تکمیل شده بدون نفت (استواری)	۲,۷۷۷/۲	۲,۲۱۵/۹	۱,۶۴/۵

این اینفوگرافیک پیش از تصویب نهایی بودجه ۱۳۹۹ در مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین شده است.



درآمدهای جاری (هزار میلیارد ریال)



منابع عمومی بودجه در سال های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹



تملك دارایی های مالی (هزار میلیارد ریال)



هزار میلیارد ریال - خرد

کشور در سال ۱۳۹۹

مصارف		لایحه ۱۳۹۹	رشد نسبت به قانون ۹۸	رشد نسبت به قانون ۹۸ بعد از اصلاحیه
فرهنگها	۲,۶۷۲	۴/۲	۰/۷	۰/۷
تملك دارایی های غیرمالی	۷۰۴	۵/۲	۷۱/۷	۷۱/۷
تملك دارایی های مالی	۴۲۰	۸۰/۱	۱۲/۹	۱۲/۹
جمع مصارف عمومی	۴,۸۹۶	۸/۰	۲۵/۲	۲۵/۲
از محل درآمدهای اختصاصی	۹۲۲	۲۰/۹	۱۱/۹	۱۱/۹
مصارف بودجه عمومی دولت	۵,۶۳۸	۸/۴	۲۲/۰	۲۲/۰
مصارف اختصاصی دولت	۱۲,۸۲۹	۱۷/۲	۱۹/۲	۱۹/۲
مصارف بودجه کل کشور	۱۹,۸۸۷	۱۴/۰	۱۸/۴	۱۸/۴

هزار میلیارد ریال

مقایسه بودجه

نوع منبع	لایحه ۹۹	رشد تغییر نسبت به قانون ۹۸	لایحه ۹۸	رشد تغییر نسبت به قانون ۹۸	درصد از منابع عمومی
۱	۷۷۷/۰	۱۹۸/۹	۲۵۷/۴	۹/۴	۱۶/۰
۲	۹۴۴/۹	۸۵/۳	۸۵/۰	-۸/۸	۱۹/۵
۳	۱,۳۲۷/۹	-۲۹/۲	-۲۰/۱	-۱۰/۲	۲۹/۵
۴	۱,۲۲۷/۰	۴/۲	۴/۲	-۱۶/۱	۲۵/۷
۵	۱,۷۲۰/۰	-۲۵/۳	۲۶/۴	-۱۵/۲	۲۵/۷

توسعه اقتصادی

به سبک شرقی‌ها



معصومه اکبری زاده

کارشناس مدیریت بازرسی • بانک خاورمیانه

وقتی دم از توسعه در کشورهای جهان سوم می‌زنیم، ناخواسته آن‌ها را با غیر هم‌تایان اروپایی یا آمریکایی‌شان مقایسه می‌کنیم؛ مقایسه‌ای که لاجرم تنها یک بازنده دارد. یک جمله معروف منسوب به پاتریک گدس، جامعه‌شناس و انسان‌شناس اسکاتلندی، که می‌گوید: می‌بایست جهانی فکر کرد و منطقه‌ای عمل کرد. این جمله که امروزه بر سر زبان‌ها افتاده و شعار بسیاری سازمان‌های مردم‌نهاد هم هست، بر شناخت منطقه و پتانسیل‌هایی که می‌توانند بالفعل شوند، تکیه دارد.

کشورهای شرق آسیا در چند دهه اخیر نمونه جالب توجهی از سیاست‌گذاری در قالب منطقه را ارائه داده و موفقیت‌های بی‌بدیلی نیز کسب کرده‌اند. تسری رشد بالای اقتصادی در میان این کشورها در نیم‌قرن اخیر نظر بسیاری از محققان را به مطالعه مدل رشد اقتصادی و شناخت مدیریت و برنامه‌ریزی آنها جلب کرده است. آیا می‌توان دقیقا گفت چرا این کشورها توانسته‌اند توسعه برنامه خود را با موفقیت به اجرا درآورند؛ البته که نه، ذکر تنها یک عامل بیهوده است و مقصود این مقاله هم نیست. این مقاله در اصل کوششی است برای بررسی روند توسعه اقتصادی کشورهای شرق آسیا که به رغم تفاوت در روند توسعه، مشابهت‌های ذاتی منحصربه‌فردی در مدل توسعه دارند.

ماهیت دولت‌ها

بسیاری از رژیم‌های اقتدارگرا دموکراسی را کالایی لوکس می‌دانند که کشورشان هنوز توان جذب آن را ندارد. پس ابتدا باید نان را تامین کرد و سپس به سراغ آزادی رفت، حال آنکه در دنیای واقعی، سرمایه‌داری و توسعه اقتصادی می‌توانند با اقتدارگرایی هم‌زیستی داشته باشند و اگر ما به دنبال پیشرفتی واقعی و پایدار در رفاه بشری هستیم، تحقق آن با تکیه بر یکی از ابعاد توسعه اقتصادی و سیاسی غیر ممکن است.

همان‌طور که در تحلیل تاریخ تطبیقی اشاره شده است، برای ایجاد هماهنگی میان ابعاد سیاسی و اقتصادی توسعه، نیاز به یک مرکز هماهنگ‌کننده اطلاعات یا توانمندی‌ها هست و تنها سازمانی که قادر است این وظیفه مهم را در سطح ملی بر

عهده بگیرد، دولت است. نوع دولتی که در اینجا مورد بحث است با دولت‌های ایدئولوژیک که به‌طور کامل بر اقتصاد سلطه دارند متفاوت است. دولت‌های مورد بحث ما، درصدد هدایت و مدیریت کامل اقتصادی نیستند، بلکه به دنبال کنترل و نظارت بر تحرکات اقتصادی می‌باشند.

فرهنگ (آیین کنفوسیوسی)

ویژگی‌های مشترک فرهنگی کشورهای شرق آسیا سبب گردیده که گروهی بر اهمیت عامل فرهنگی در توسعه و پیشرفت آنها تاکید نمایند. از آنجا که اکثریت جمعیت شرق آسیا اهل چین‌اند، می‌توان گفت مردمان آن خطه تحت نفوذ و تاثیر فرهنگ تمدن چینی قرار دارند. به نظر می‌رسد نوع فرهنگ کشورهای مذکور علاوه بر ایجاد انگیزه موفقیت، تقویت جنبه آمرانه دولت‌ها در این کشورها نیز بوده است که این مسئله خود مؤید جدایی دو فاز توسعه اقتصادی و گسترش دموکراسی در این جوامع است و اینکه هر دو هدف نیاز به اراده‌ای مستقل دارد و در کنار عناصر موجود در فرهنگ کنفوسیوس، باید به روند ایدئولوژی زدایی نیز در این جوامع توجه کرد.

در مطالعات دیگر به آیین کنفوسیوس، بر سخت‌کوشی، نظم در کار، قناعت و صرفه‌جویی، هماهنگی و روحیه همبستگی جمعی تاکید می‌کند، توجه به دنیا و بی‌اهمیت شمردن آخرت نیز به‌روشنی قابل تشخیص است. کنفوسیوس در دوره‌های انزوا و ترک دنیا یا سازش با مردم، راه دوم را برمی‌گزیند. در واقع آیین کنفوسیوس فقط توجیه‌گر اطاعت از حکومت نیست بلکه پاسخگویی حکومت را هم می‌طلبد.

اقتصاد آزاد

بسیاری از کارشناسان مسائل اقتصادی معتقدند که کشورهایی که از تجارت بازاری برخوردارند، نقش بیشتری در تجارت جهانی ایفا می‌کنند و از ضریب رشد بالاتری سود می‌جویند تا کشورهایی که اقتصاد بسته‌تری دارند و صرفا با آزادسازی و خصوصی‌سازی اقتصاد ناکارآمد کشورهای فقیر و عقب‌مانده، فرایند سرمایه‌داری مدرن می‌تواند در این کشورها ظهور کند. در واقع توسعه اقتصادی و جلب سرمایه و تکنولوژی بدون احراز جایگاهی مناسب در روابط بین‌الملل و

بدون حضور در بازارهای منطقه‌ای جهان امکان‌پذیر نیست و این کشورها به رغم ساختار نسبتا بسته سیاسی، در بعد اقتصادی بسیار باز عمل کرده‌اند.

نیروی انسانی

نیروی انسانی هر کشوری، ثروت واقعی آن کشور محسوب می‌گردد. هدف اساسی توسعه، ایجاد شرایطی است تا این نیروی انسانی، از حیاتی سالم و خلاق برخوردار باشد. در کشورهای شرق آسیا عوامل مهم توسعه اقتصادی بدون استثنا همه بر سرمایه‌گذاری سنگین در توسعه منابع انسانی تاکید داشته‌اند به عبارتی آن را دارایی ثابت می‌دانند.

به طور کلی در این مدل نیروی انسانی از سه منظر باعث توسعه در کشورهای مورد بحث گردیده است:

الف) شخصیت رهبران: شخصیت رهبران و اقدامات آنها یکی از عوامل بسیار مهم در رشد و شکوفایی اقتصادی این کشورها محسوب می‌شود در واقع شخصیت‌ها هستند که حوادث را شکل می‌دهند و امر توسعه را به آرمانی ملی تبدیل می‌کنند. سنگاپور امروز ثمره‌ی اندیشه‌ها و رویاهای شکفت‌انگیز لی کوان یو است. او با درک نه تنها نیازهای جامعه‌ی خود که نیازها و آرزوهای همسایگانش این طریق دشوار را دنوردید او خود در این باره می‌گوید: تجاربم در تحولات آسیا، مرا به این نتیجه رساند که برای برخورداری از دولتی خوب، نیازمند مردانی خوب هستیم. هرقدر نظام کشوری خوب باشد، رهبران بد و ناکارآمد به مردم خویش آسیب خواهند رساند. او همچنین وجود نیروهای مستعد و مخصوصا کسانی که برای ادامه تحصیل به سنگاپور آمده بودند را یکی از عوامل مهم در توسعه کشورش برمی‌شمرد.

ب) نیروی کار ماهر و ارزان: وجود نیروی کارآمد و نسبتا ارزان نیز باعث شد تا در مراحل اولیه و میانی توسعه، انباشت فراوان سرمایه‌ی ملی و دستیابی به بازارهای فروش بیشتر محصولات داخلی، ممکن شود. نیروی کار نسبتا ارزان، وجود انضباط کاری بالا یکی از ویژگی‌های مشترک این کشورها بود که در کلیه مراحل توسعه وجود داشت.

ج) حرکت به سوی توسعه انسانی: اگرچه عوامل بالا در شروع فرایند توسعه نقش اساسی دارند، اما حرکت به‌سوی توسعه انسانی ضمن اینکه فاکتوری برای توسعه‌یافتگی است، خود نیز ضمانتی جهت تداوم توسعه محسوب می‌شوند. در این رابطه برنامه عمران سازمان ملل به منظور سنجش میزان



برابری درآمد سرانه خود داشته است. امید به زندگی در سنگاپور نزدیک به ۸۲ سال است که این رقم ۳ سال بیشتر از آمریکا و کانادا است. نرخ مرگومیر در این کشور کمتر از میانگین آمریکای شمالی و اروپاست، بعلوه، شاخص‌های آموزشی نیز در این کشور کوچک قابل مقایسه با کشورهای صنعتی است. نمی‌توان با قطعیت گفت که کدامیک از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در سنگاپور بیشترین تاثیر را در پیشرفت این کشور داشته است یا اینکه آیا این سیاست‌گذاری‌ها در سایر کشورها قابل پیاده‌سازی هستند یا نه ولی در نقش مجریان این کشور در این موفقیت شکی نیست.

مالزی

این کشور در قرن هفدهم بعد از کشف منابع بزرگ قلع، نفت و گاز طبیعی در کنار محصولات کشاورزی مهمی مانند کائوچو، خرما، روغن، تخته و الوار با توجه به پوشش جنگلی کشور، مستعمره بریتانیا شد. اما سرانجام در ۳۱ اوت ۱۹۵۷ به طور مسالمت‌آمیزی از انگلستان استقلال یافت و در سال ۱۹۶۳ هم سنگاپور از آن جدا گردید.

اصلاحات اساسی مالزی از سال ۱۹۷۰ به صورت تدریجی با هدف رهایی از خام‌فروشی و اقتصاد متکی به صادرات مواد خام معدنی و کشاورزی آغاز شد. برنامه حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در روستاها برای مقابله با پدیده مهاجرت به شهرها و نیز برای تولید در زمینه تولیدات گیاهی، ارگانیک، داروسازی و طب سنتی، مدرنیزاسیون کشاورزی بود. نظام آموزشی به منظور ارتقاء کیفی و همگام شدن با شرایط روز اقتصاد جهان، بارها اصلاح و بروز شد. در زمینه سوادآموزی و آموزش دولت اقدام به اعطای بورسیه به افراد مستعد، امضای قرارداد با چندین دانشگاه بزرگ جهان، اجباری نمودن سواد بین توده مردم و اعطای مجوز فعالیت به موسسات خصوصی نمود. در زمینه اجتماعی با اعطای تسهیلات بانکی معادل ۸۰ تا ۱۰۰ درصد مبلغ مسکن با بهره ۳ درصد به جوانان برای حل مشکل مسکن و تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده، قدم بزرگی برداشته شد. ۵٪ بودجه به بخش بهداشت تخصیص یافت و افزایش ظرفیت، تجهیز و نوسازی بیمارستان‌ها و افزایش سقف بیمه درمانی از سیاست‌های مداوم دولت بوده است. از سال ۱۹۹۰ برنامه‌ریزی در بخش توریسم آغاز شد. از جمله علل موفقیت این صنعت می‌توان به ارزان بودن سفر به مالزی، هزینه پایین حمل‌ونقل، اقامت و غذا، وجود آرامش و امنیت در کشور با وجود تنوع فرهنگی، تبلیغات جهانی وزارت توریسم و ایجاد نمایندگی در سایر کشورها و سیاست آسان‌گیری صدور ویزا اشاره نمود.

کره جنوبی

با وجود جمعیتی زیاد در پهنه سرزمینی اندک و نداشتن منابع طبیعی و زیرزمینی، میراث مستعمرگی، ویرانی پس از جنگ داخلی، بی‌ثباتی سیاسی دائمی و برخورد نظامی با همسایه شمالی خود، به تدریج و از دهه ۱۹۶۰ توانست نقشی مهم در نظام اقتصادی و سیاسی بین‌المللی ایفا کند. عملکرد اقتصادی عالی که به مدت تقریباً پنج دهه ادامه یافت این کشور را کاملاً متحول کرد و از کشوری فقیر و گرفتار در چرخه

پیشرفت توسعه انسانی در جوامع مختلف، از سال ۱۹۹۰ اقدام به انتشار شاخص توسعه انسانی نموده است. این شاخص در حقیقت ترکیبی از عوامل گوناگون مانند امید به زندگی، دستاوردهای آموزشی و میزان درآمد است تا از این طریق تصویری مرکب از توسعه انسانی در جوامع مختلف ارائه دهند.

ماهیت سیاست خارجی

بدون تردید نقش سیاست خارجی در توسعه و تعالی یک کشور غیرقابل انکار است و بر همگان مسلم است که پیشرفت بدون تعامل و همکاری حسنه در مناسبات با کشورها و مسائل و مراجع بین‌المللی تحصیل نمی‌شود و توجه به سیاست خارجی از ضروریات کشوری است که اهداف بلندمدتی را دنبال می‌کند. در همین راستا در سیاست خارجی توسعه‌محور، توسعه به دغدغه اصلی سیاست خارجی تبدیل می‌شود و این دغدغه بدین معناست که تمام جهت‌گیری‌ها، موضع‌گیری‌ها و اقدامات خود را با این محوریت انجام می‌دهد. بر این اساس فرض اصلی این است که اولاً توسعه ملی در بستر بین‌المللی ویژه‌ای امکان‌پذیر می‌شود که سیاست خارجی هر کشور باید آن بستر را مهیا سازد. ثانیاً سیاست خارجی هر کشور در عمل تمام الزامات ناشی از آن را بپذیرد و هدفی جز توسعه را مبنای خود قرار ندهد. ثالثاً توسعه در اولویت نخست اهداف سیاست خارجی قرار بگیرد و اهداف دیگر سیاست خارجی مانند امنیت هم تابعی از توسعه فرض شود. چنین سیاست خارجی باید تمامی بسترهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی لازم را برای پیوند با اقتصاد بین‌المللی، بازار جهانی و گسترش مناسبات سودمند اقتصادی با کشورهای برتر اقتصادی مهیا سازد و وظیفه اصلی نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی، هم‌بسترسازی فعالیت اقتصادی بین‌الملل کشور و حمایت از منافع اقتصادی و بازرگانی کشور باشد، به عبارتی فقدان جنگ که هدف نهایی دیپلماسی است، شرط اصلی و اولیه هرگونه توسعه است.

سنگاپور

این کشور در سال ۱۹۶۵ با جدایی از مالزی استقلال یافت. ۷۰٪ جمعیت این کشور در شرایط بسیار بدی در مناطق پرجمعیت زندگی می‌کردند، بیش از نیمی از مردم سواد نداشتند، متوسط نرخ بیکاری ۱۴ درصد و سرانه تولید ناخالص داخلی این کشور در سطح ۵۱۶ دلار آمریکا بود. سنگاپور با جمعیت اندکی بیش از پنج میلیون نفر، بدون وجود منابع طبیعی توانست با مدیریت کلان و ثبات سیاست‌گذاری، خود را در زمره کشورهای توسعه‌یافته جهان، به جهانیان معرفی کند. مهم‌ترین عوامل در پویایی اقتصاد سنگاپور عبارت‌اند از: ثبات سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی ملهم از بافت سیاسی، شرایط تجاری مناسب از جمله نیروی کار ارزان، تکثیر گفتمان اجتماعی توسعه در میان شهروندان، نیروی کار تحصیل‌کرده و مسلط به زبان انگلیسی و جذب نیروی کار خارجی متخصص، قوانین اجتماعی و زیست‌محیطی طرفدار تجارت، بندرهای پر رفت‌وآمد، زیرساخت عالی حمل‌ونقل و ارتباطات، سیاست مالی باثبات، تورم اندک و مطلوب و سیاست‌های مالی تشویق‌کننده. کمتر کشوری در دنیا طی تنها ۵۰ سال تغییری پانزده

باطل توسعه‌نیافتگی به یکی از اقتصادهای بزرگ جهان تبدیل کرد.

برای تشویق کارآفرینان مشوق‌های قوی برای صادرات اعطا شد که شامل پرداخت یارانه مستقیم، وام کم‌بهره، امتیاز واردات مواد اولیه، مجوز استقراض از منابع خارجی و معافیت مالیاتی می‌شد در همین راستا با افزایش نرخ بهره، پس‌انداز خصوصی تشویق و منابع فراوانی از خارج وام گرفته شد. سیاست حذف عوارض و محدودیت‌های واردات کالاهای واسطه تولید محصولات صادراتی باعث شد صنایع موجود مثل منسوجات، پوشاک و ماشین‌آلات الکتریکی که به دلیل کمبود مواد خام متوقف شده بود، سریع به حرکت درآیند. کره جنوبی جهش صادراتی خود را مدیون وجود نیروی کار تحصیل‌کرده و بازار مساعد بین‌المللی بود راهبرد جدید اقتصادی بر متنوع‌سازی کالاهای تولیدی و صادراتی تاکید داشت که دولت با شجاعت به سمت صنایع سنگین رفت و در فولاد، ماشین‌آلات، کشتی‌سازی، صنایع الکترونیک و فلزات غیر آهنی سرمایه‌گذاری کرد. توانایی کره برای تولید فولاد و پالایش نفت به شدت بالا رفت و خودروهایی که به برخی بازارها صادر شد و کشور آماده رقابت بهتر در بازار جهانی کردید. ■

۳) مدل توسعه مالزی صبح امروز علی ربیعی (۴ هفته نامه تجارت فردا) - شماره ۱۶۹ - ۸ اسفند ۱۳۹۴

منابع ۱) راهبردهای دولت توسعه‌گرا و شکوفایی اقتصادی سنگاپور ۲۰۱۵-۲۰۰۰ سروش امیری ۲) پنجه بره‌های کوچک آسیا: مدلی برای توسعه فصلنامه سیاست



بانک خاورمیانه ۵۰۶ ریال سود محقق کرد

بانک خاورمیانه با انتشار صورت های مالی دوره ۹ ماهه منتهی به ۳۰ آذر ماه ۹۸ (حسابرسی نشده) به ازای هر سهم ۵۰۶ ریال سود محقق کرد. همچنین بر اساس شفاف سازی صورت گرفته بانک خاورمیانه در سامانه کدال این بانک بر اساس صورت های مالی حسابرسی شده ۶ ماهه منتهی به ۳۱ شهریور به ازای هر سهم ۳۰۱ ریال سود محقق کرده است.

بر اساس گزارش دوره ۹ ماهه منتهی به ۳۰ آذر ماه ۹۸ (حسابرسی نشده) سود بانک خاورمیانه نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۰۷ درصد رشد داشته است که عمده این سودآوری بخاطر افزایش ۶۳ درصدی جمع درآمدها است. بر اساس گزارش شفاف سازی مالی بانک خاورمیانه، این بانک در عملکرد ۹ ماهه برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۹۸ مبلغ ۵۰۵۷ میلیارد ریال سود خالص محقق کرده است.

افزایش سرمایه در بانک خاورمیانه

با توجه به تایید سهامداران بانک در مجمع عمومی فوق العاده مبنی بر افزایش سرمایه ۴۳ درصدی بانک خاورمیانه، پس از تایید سازمان بورس و اوراق بهادار سرمایه بانک به صورت رسمی افزایش یافت.

افزایش سرمایه از مبلغ ۷.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال از محل «سود انباشته و سایر اندوخته ها» انجام شده است.

این افزایش سرمایه به منظور بهبود نسبت کفایت سرمایه و افزایش سقف فردی تسهیلات و تعهدات پس از تایید حسابرس و بازرسی قانونی و دریافت مجوزهای بانک مرکزی و سازمان بورس و اوراق بهادار در اداره ثبت شرکت ها به ثبت رسید. به این ترتیب سهم بانک از درآمدهای مشاع با ۵۸ درصد رشد نسبت به سال گذشته به بیش از ۴.۲۷۹ میلیارد ریال رسیده است.

مهم ترین رشد درآمد در آیتم های غیرمشاع مربوط به نتیجه مبادلات ارزی بوده که با بیش از ۲۰۰ درصد افزایش به ۱.۹۰۵ میلیارد ریال رسیده است.

انجام اولین معامله رسمی بانک مرکزی در چارچوب عملیات بازار باز

سفارش های ایشان را به معامله گر مستقل بانک مرکزی ارائه می کنند که در گام بعدی، معامله گر مستقل این سفارش ها را وارد سامانه می کند و معامله انجام می شود.

او درباره نحوه معاملات این اوراق تاکید کرد که تسویه این معاملات به صورت OT+ است و در پایان هر روز معاملاتی، تسویه معاملات همان روز صورت می گیرد.

برای تسویه و پایاپای، شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه، جابه جایی اوراق را بین بانک ها انجام می دهد و برای انتقال پولی که ناشی از خرید و فروش این اوراق است، اطلاعات معامله را به سامانه ساتنا بانک مرکزی ارسال می کند که در همان روز انجام معامله، پول میان خریدار و فروشنده از طریق ساتنا جابه جا می شود.

اسلامی که دولت منتشر می کند، انجام می گیرد. معاون بازار فرابورس از مهم ترین اهداف بانک مرکزی را اجرای سیاست های پولی بازار محور عنوان کرد و افزود: بانک مرکزی در راستای اعمال سیاست های خود، اگر قصد تزریق پول در اقتصاد را داشته باشد، اقدام به خرید اوراق مالی اسلامی و اگر بخواهد پول را جمع آوری کند، اقدام به فروش این اوراق در سطح بانک ها می کند.

وی با اشاره به اینکه بانک ها نیز به منظور تامین کسری وجوه یا مصرف مازاد وجوه خود از این اوراق استفاده می کنند و به نسبتی که برای ایجاد توازن در نقدینگی پایان روز خود احتیاج دارند از این بازار استفاده خواهند کرد، گفت: مشتریان معامله گر مستقل بانک مرکزی، تمامی بانک های دارای مجوز از بانک مرکزی هستند.

به گفته اروچی در جریان عملیات بازار باز، بانک ها

معاون بازار فرابورس ایران از آغاز عملیات بازار باز برای نخستین بار در بازار سرمایه کشور از ۲۸ دی ماه خبر داد.

افسانه اروچی با اشاره به اینکه ۲۸ دی برای نخستین بار عملیات بازار باز آغاز شد که این معاملات از درگاه بازار ابزارهای نوین مالی فرابورس ایران رقم می خورد، گفت: معامله تعداد ۱۰،۰۰۰ برگه اسناد خزانه اسلامی در این بازار بین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یکی از بانک های دارای مجوز به منظور تامین کمبود نقدینگی این بانک انجام شد. معاون بازار فرابورس ایران در مورد سازوکار عملیات بازار باز توضیح داد: هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار به بانک مرکزی مجوز معامله گری مستقل در عملیات بازار باز داده است که این عملیات از طریق اوراق قابل معامله و درج شده در فرابورس ایران و روی اوراق مالی



نرخ رشد اقتصادی صفر شد

رئیس مرکز آمار ایران از افزایش سرمایه‌گذاری ناشی از تشکیل سرمایه در بخش ساختمان خبر داد و اعلام کرد: نرخ رشد اقتصادی در ۹ ماهه امسال بهبود یافته و این نرخ بدون نفت به صفر درصد و با احتساب نفت به منفی ۱٫۷ رسیده است. او با بیان این که میزان محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ در ۹ ماهه اول امسال به حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان (با نفت) و ۴۳۰ هزار میلیارد تومان (بدون نفت) رسیده است، گفت: رشد اقتصادی در ۹ ماهه امسال (بدون نفت) نسبت به دو فصل قبل بهبود یافته و به صفر درصد و در پاییز امسال به مثبت ۰٫۹ درصد رسیده است. همچنین رشد اقتصادی در ۹ ماهه سال ۱۳۹۸ در گروه کشاورزی مثبت ۳٫۲ درصد، در گروه صنایع و معادن (بدون نفت) مثبت دو درصد، خدمات منفی ۰٫۲ درصد و بخش ساختمان مثبت ۹٫۶ درصد بوده است.

حسین‌زاده در پاسخ به این سوال که در محاسبه رشد اقتصادی با نفت در مقایسه با رشد اقتصادی بدون نفت، چه عواملی مدنظر قرار می‌گیرد، پاسخ داد: در محاسبات رشد اقتصادی با نفت، استخراج نفت خام و گاز طبیعی به عنوان یکی از زیر بخش‌های اقتصادی منظور می‌شود و باید به این نکته نیز اشاره کرد که در فصل پاییز ۱۳۹۸، رشد اقتصادی با نفت با بهبود قابل توجهی نسبت به فصول قبل از خود به عدد منفی ۱٫۷ درصد رسیده است.



آینده نرخ سود بانکی

رئیس کل بانک مرکزی گفت: برای نخستین بار بانک مرکزی مجهز به ابزار مدیریت نرخ سود با استفاده از سازوکار بازار، و نه روش‌های دستوری، به مدد عملیات بازار باز شده است.

عبدالناصر همتی در یادداشت اینستاگرامی درباره عملیات بازار باز عنوان کرد: این سازوکار برای کنترل نوسانات نرخ سود در حول و حوش «نرخ سیاست‌گذاری» بسیار کوتاه‌مدت در «بازار ذخایر» بانک‌ها استفاده می‌شود. در این بازار، خرید و فروش قطعی اوراق دولتی و نیز قراردادهای «بازخرید» و «بازخرید مجدد» اوراق دولتی در قالب قواعد مصوب شورای فقهی انجام خواهد شد.

در مواقعی که نرخ سود بالاتر از «نرخ سیاست‌گذاری» قرار گیرد، بانک مرکزی اقدام به خرید اوراق و افزایش عرضه پول می‌کند. و برعکس، هنگامی که نرخ سود پایین‌تر از «نرخ سیاست‌گذاری» بیاید، اقدام به فروش اوراق و کاهش عرضه پول می‌کند. همزمان بانک مرکزی «دالان نرخ سود بین‌بانکی» را تعریف کرده است. در این دالان، نرخ «کف دالان» نرخ پس‌انداز منابع بانک‌ها نزد بانک مرکزی، نرخ «سقف دالان»، نرخ تنزیل مجدد نهایی هستند. «نرخ سیاست‌گذاری» همان نرخ میانه دالان نرخ است. هدف بانک مرکزی، به ثبات رساندن نرخ مبادلات بین بانک‌ها، در حول و حوش نرخ سیاست‌گذاری است.



صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی رشد اقتصادی جهان را کاهش داد

صندوق بین‌المللی پول با اشاره به تحولات منفی غیرمنتظره در برخی بازارهای حال ظهور (به ویژه هند) و افزایش ناآرامی‌های اجتماعی، پیش‌بینی خود از رشد اقتصادی جهان را کاهش داد.

صندوق بین‌المللی پول در بیانیه جدید خود با اشاره به تحولات منفی غیرمنتظره در برخی بازارهای در حال ظهور (به ویژه هند) و افزایش ناآرامی‌های اجتماعی، پیش‌بینی خود از رشد اقتصادی جهان را کاهش داد اما اعلام کرد که رشد اقتصاد جهان احتمالاً تثبیت خواهد شد.

طبق این تخمین‌های جدید پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی جهان از ۲٫۹ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۳٫۳ درصد در سال ۲۰۲۰ برسد و در سال ۲۰۲۱ هم به ۳٫۴ درصد افزایش پیدا کند. در این پیش‌بینی رشد اقتصادی ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ نسبت به پیش‌بینی قبلی (ماه اکتبر) ۱۰ درصد کاهش یافته است و برای سال ۲۰۲۱ این میزان ۰٫۲ درصد کمتر شده است.

صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد: وضعیت مبهم تجارت، تنش‌های ژئوپولیتیکی و تنش‌های غیرمنتظره در بازارهای کلیدی در حال ظهور، بر رشد فعالیت‌های اقتصادی جهان فشار وارد کرد و به‌ویژه تولید و تجارت در نیمه دوم ۲۰۱۹ با مشکل مواجه شد.

طبق این بیانیه صندوق بین‌المللی پول، تشدید ناآرامی‌های اجتماعی در برخی از کشورها چالش‌های جدیدی به وجود آورده است. همچنین بلایای طبیعی مانند طوفان‌های دریای کارائیب و خشکسالی و آتش‌سوزی در استرالیا، سیل در شرق آفریقا و خشکسالی در جنوب آفریقا، به این چالش‌ها افزوده است.



بازار در اندیشه آمارتیا سن^۱

در میان خیل عظیمی از ایده‌ها و نظرات کمی و کیفی در مورد اقتصاد بازار که در طول دهه‌های پیشین مدون و ارائه شده است نظرات بسیار گوناگونی در این حوزه مطرح است. از یک سو برخی اقتصاددانان به مدح و ستایش اقتصاد بازاری پرداخته‌اند و آن را یگانه راه نیل به رشد اقتصادی و افزایش رفاه برمی‌شمارند و از سوی دیگر طیف مخالف این جریان به طرد مکانیزم بازار و ارائه راهی جایگزین پرداخته‌اند. اما در میان این دو طیف فکری افراطی که در این آوردگاه در مقابل یکدیگر قد علم کرده‌اند اقتصاددانانی از طیف میانه‌رو نیز می‌توان یافت. آمارتیا سن، اقتصاددان و فیلسوف برجسته زاده هندوستان یکی از متفکران اثرگذار در علم اقتصاد و دارای جایزه نوبل در این شاخه از علوم اجتماعی را در گروه اقتصاددانان این طیف می‌توان قرار داد. وی که به سبب کمک در ارتقای نظریات اقتصاد رفاه و توسعه انسانی دارای شهرت فراوانی است نه به مدیحه‌سرایی اندر فواید اقتصاد آزاد پرداخته و نه کوس رسوایی آن را در گوش جهانیان نواخته است. وی به تاسی از هم‌وطن نامی خود یعنی «بودا» که انتخاب «راه میانه» به عنوان پاسخگوی نیاز بشریت پرشمرده با نگاهی به دور از افراط و تفریط و با به‌کارگیری منشی مبتنی بر میانه‌روی به تبیین سازوکارهای نظام اقتصادی بازار پرداخته است.

بررسی نظام‌های اقتصادی در صدسال گذشته به ویژه تبلور اندیشه‌های اقتصادی مارکس در نظام سیاسی و اقتصادی شوروی سابق و به دنبال آن در نظام سیاسی و اقتصادی چین که جملگی به بلوک شرق شناخته می‌شوند یکی از نمودهای صف کشی افراط‌گرایانه در این کشورها در برابر نظام اقتصاد آزاد است. مطرود نمودن کلیه سازوکارهای حاکم بر نظام اقتصادی در کشورهای بلوک شرق و ارائه راهکاری جایگزین برای آن که همانا نظام تصمیم‌گیری متمرکز است در نهایت منتج به شکل‌گیری نظام‌های دیوان‌سالارانه با هزینه‌های سرسام‌آور شد که سرانجام آنها نیز بازگشت دوباره به سوی قواعد اقتصاد بازاری بود. این چرخش به سوی مکانیزم‌های بازار آزاد و کم‌رنگ کردن نقش دولت در اقتصاد یادآور عقاید فردریش هایک در زمینه نقش مخرب تغییر نظم موجود و قواعد نانوخته اجتماعی است که به شاکله و ریشه آنها واقف نیستیم و بدون شناخت آنها در پی برهم زدن نظم موجود و ایجاد نظم جدیدی هستیم که به زعم هایک خسارت‌های سنگینی بر پیکره اجتماع وارد خواهد کرد. در پی آشتی نیم‌بند بلوک شرق با نظام بازاری درب انتقاد به روی پاشنه‌های دیگر چرخید و این بار هر آنچه به عنوان نقد بر نظام بازاری وارد می‌آمد نادیده انگاشته می‌شد، اما همان‌طور که در ابتدای این نوشتار هم اشاره شد آمارتیا سن با رویکردی میانه‌رو و متفاوت به قضایا پرداخته است.

گرچه سن معتقد است که مزایا و کارکردهای بازار آزاد به‌طور گسترده‌ای مورد قبول واقع شده است اما وی به جای تمرکز صرف بر نتایج حاصل از اقتصاد بازار مانند درآمد و مطلوبیت‌های حاصل از این گونه نظام اقتصادی، یک پله عقب‌تر رفته و به آزادی‌های فردی و دادوستد و اهمیت بالای آن تاکید می‌کند و به رسمیت شناختن این آزادی را بر هر نظری مبتنی بر نتایج حاصل از اقتصاد بازاری مقدم می‌شمارد. به بیان دقیق‌تر اعمال محدودیت بر آزادی دادوستد را یکی از پیش‌نیازهای اساسی نیل به نتایج مورد انتظار از نظام بازار معرفی می‌کند. به عقیده وی محدود کردن آزادی در بازار کار از طریق وضع مقررات، قانون و قراردادهای از جمله عوامل اختلال در نظام اقتصادی بازاری به شمار می‌آیند. به عقیده وی و بر اساس مطالعات تاریخی، توسعه بازار آزاد و به دنبال آن امکان یافتن کار آزاد حقیقی گران‌قدر است که حتی «کارل مارکس» منتقد اعظم سرمایه‌داری نیز از ظهور آزادی اشتغال به‌عنوان پیشرفتی بسیار قابل ملاحظه یاد کرده است.

در باب کارایی بازار آمارتیا سن بر این باور است که در بررسی سازوکار نظام بازاری توجه به انواع بازارها ضروری است. به بیان دیگر درجه رقابت‌پذیری بازارها و عوامل حاضر و غایب در هر کدام باید مورد بررسی قرار گیرند، زیرا شرایط و فضای موجود ممکن است بر آنچه در عمل روی می‌دهد اثر گذاشته و محدودیت‌هایی را بر نتایج مورد انتظار از بازار تحمیل کند. وی همچنین معتقد است که نقش بازار نباید تنها به آنچه می‌تواند انجام دهد محدود شود بلکه باید آنچه را نیز که به انجام آن نیز مجاز است فراگیرد.

به طور کلی بر خلاف آنچه در ادبیات نظری نظام‌های اقتصادی یافت می‌شود نه به طور کامل توسط سن مورد تایید قرار گرفته و نه طرد شده است. در تبیین نقش بازار و سازوکارهای اقتصاد بازاری آمارتیا سن بر این باور است که باید نقایص اقتصاد بازاری در بادی امر بر اساس تجارب گذشته کشف و رفع شود تا بتوان با رویکردی به دور از افراط و تفریط از تکرار اشتباهات گذشته اجتناب کرده و از فضایل نظام بازار آزاد با میانه‌روی بهره جست. ■



آرین آقابگی

معاون شعبه دروس • بانک خاورمیانه

"زندگی در یک نظام اقتصادی مبتنی بر بازار تفاوت چندانی با صحبت کردن به نثر ندارد، سر کردن بدون آن ساده نیست، اما آنچه برای سخن گفتن به نثر بر می‌گزینیم اهمیت بسیار دارد."

میلتون فریدمن

1. Armatya Sen

شهر	شعبه	کد	نشانی	تلفن
تهران	آفتاب	۷۸۱۰۱۸	میدان ونک، خیابان شهید خدای، تقاطع خیابان آفتاب، شماره ۱۱۸	۰۲۱-۸۸۶۲ ۳۷۵۰
تهران	نوبخت	۷۸۱۰۲۷	خیابان خرمشهر(آبادانا)، خیابان شهید عربعلی، نبش خیابان یازدهم، شماره ۵۸	۰۲۱-۸۶۰۸ ۹۷۰۳
تهران	نیاوران	۷۸۱۰۳۶	خیابان شهید باهنر(نیاوران)، بعد از سه راه یاسر، شماره ۲۹۹	۰۲۱-۲۲۷۵ ۹۳۹۸
تهران	الهیه	۷۸۱۰۴۵	خیابان شهید فیاضی(فرشته)، خیابان شهید آقابزرگی، نبش بن بست بیژن، شماره ۳۳	۰۲۱-۲۲۳۹ ۰۹۹۱
تهران	مهستان	۷۸۱۰۵۴	شهرک قدس(غرب)، خیابان ایران زمین، شماره ۲۲۲	۰۲۱-۸۸۵۶ ۱۶۵۶
تهران	سعادت آباد	۷۸۱۰۶۳	سعادت آباد، میدان سرلشگر شهید طهرانی مقدم(کاج)، نبش کوچه هفتم، شماره ۸۶	۰۲۱-۲۲۳۸ ۲۹۳۸
تهران	بخارست	۷۸۱۰۷۲	خیابان احمد قصیر(بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲	۰۲۱-۸۸۷۲ ۹۹۲۵
تهران	زعفرانیه	۷۸۱۰۸۱	زعفرانیه، خیابان مقدس اردبیلی، مرکز خرید پالادیوم، بلوک ۱، طبقه نهم شمالی، شماره ۹۰۷	۰۲۱-۲۶۳۵ ۵۷۰۴
تهران	ظفر	۷۸۱۰۹۹	خیابان شهید دستگردی(ظفر)، بین بلوار نلسون ماندلا و خیابان ولیعصر، شماره ۲۷۷	۰۲۱-۸۶۰۸ ۲۳۸۵
تهران	دروس	۷۸۱۰۱۱۳	خیابان یخچال، خیابان هدایت، نبش میدان هدایت، شماره ۶۵	۰۲۱-۲۲۵۶ ۰۶۷۷
اصفهان	اصفهان	۷۸۳۰۱۴	میدان فیض، نبش خیابان میر، شماره ۵	۰۳۱-۳۶۶۴ ۴۶۸۳
تبریز	تبریز	۷۸۴۵۰۱۳	شهرک ولی عصر، فلکه رودکی، خیابان رودکی، نبش کوچه سحر، شماره ۵۶۰	۰۴۱-۳۳۲۷ ۲۶۰۵
شیراز	شیراز	۷۸۷۲۰۱۹	بلوار ستارخان، نبش خیابان عقیف آباد، شماره ۱۲۷	۰۷۱-۳۶۲۶ ۸۸۰۷
مشهد	مشهد	۷۸۸۵۰۱۴	مشهد، بلوار سجاد، بین چهارراه بهار و چهارراه گلرین، شماره ۴۸	۰۵۱-۳۷۶۵ ۶۲۲۲
کرج	کرج (شعبه غیرنقدی)	۷۸۶۲۴۱۹	کرج، مهرویلا، خیابان درختی، مرکز خرید درختی، طبقه ۶، واحد ۵	۰۲۶-۳۳۵۳ ۸۲۵۹
Munich	Munich	-	Middle East Bank, Munich Branch, Landsberger Straße 406, D-81241 München, Germany	(+49-89) 2153 9820



بانک خاورمیانه علاوه بر ارائه تمامی خدمات یک بانک تجاری، سایر خدمات حوزه بازار پول و سرمایه را به صورت مستقیم و یا از طریق شرکت های زیرمجموعه یا وابسته با رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار فراهم کرده است.

■ شرکت کارگزاری بانک خاورمیانه

تهران، خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، خیابان دستگردی (ظفر) به سمت ولیعصر، شماره ۲۷۷
تلفن: ۰۲۱-۸۶۰۸ ۳۵۶۴
mebbco.com

■ شرکت بیمه زندگی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر(بخارست)، خیابان هفتم شماره ۱۰
تلفن: ۰۲۱-۴۱۳۶ ۳۰۰۰
melico.ir

■ شرکت خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر(بخارست)، نبش خیابان نهم برج بخارست، طبقه دوم
تلفن: ۰۲۱-۴۱۳۶ ۱۰۰۰
exmbe.com

■ ساختمان ادارات مرکزی

تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲
تلفن: ۰۲۱-۴۲۱۷ ۸۰۰۰
دورنگار: ۰۲۱-۸۸۷۰ ۱۰۹۵
کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷
تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵ - ۱۵۸۷۵
www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir
رسیدگی به شکایات (مدیریت بازرسی)
تلفن: ۰۲۱-۴۲۱۷ ۸۸۸۸



رمز پویا، رمز مطمئن ✓



بانک خاورمیانه
Middle East Bank

www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

رمز دوم پویای بانک خاورمیانه یک رمز یکبار مصرف است که جایگزین رمز دوم کارت شما خواهد شد. این امکان باعث کاهش سوءاستفاده از اطلاعات کارت بانکی و جلوگیری از ذخیره رمز کارت توسط سارقان می شود. با فعال سازی اپلیکیشن رمز پویا می توانید امنیت رمز دوم کارت بانکی خود را افزایش دهید. فعال سازی رمز پویا با مراجعه به شعب بانک خاورمیانه و یا از طریق اینترنت بانک امکان پذیر است. در صورتی که از گوشی هوشمند استفاده نمی کنید می توانید با اعلام شماره تلفن همراه خود به بانک، رمز دوم پویا را از طریق پیامک دریافت نمایید.